

## نیروهای متحد و مسلح خلق پیروزی می آفرینند

راه درهم شکستن جبهه دوستان امپریالیسم  
پاسخ قاطع به نیازهای انقلاب است

امپریالیسم و نیروهای داخلی مورد حمایت آن و دول  
ارتجاعی منطقه هم‌اینک علیه دستاوردها و تداوم انقلاب  
ایران سیاستی هماهنگ را به پیش می‌برند .  
نیروهای ضربتی امپریالیسم در دهها پایگاه نظامی  
سرمین‌های زیر سلطه منطقه متمرکز شده‌اند . ناوگان‌ها و  
رزمناوهای امپریالیسم در خلیج فارس ، بحر عمان و اقیانوس  
هند گرد آمده‌اند . عراق پی‌درپی از امپریالیست‌ها و  
دولت‌های سرسپرده منطقه جنگ‌افزار و مهمات دریافت  
می‌کند . در برخی ممالک عربی ، در پاکستان و ترکیه ، جنب و  
جوش‌های جدیدی علیه انقلاب ایران گزارش می‌شود .  
امپریالیسم در واپسین دوران حیات خود ، در حالیکه با  
عمیق‌ترین بحران‌های اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی روبرو  
است و در شرایطی که فرتوت و بی‌رمق‌تر از همیشه است ،  
چهره‌ای مهاجم‌تر و درنده‌تر از همیشه به خود گرفته است .  
در کریدورهای پنتاگون ، سیا و وزارت خارجه امریکا صدها  
کارشناس و متخصص امور ایران و خاورمیانه تأثیرات توطئه‌ها  
و اقدامات مخرب گذشته علیه انقلاب ایران را جمع‌بندی  
می‌کنند و سیاست‌ها و روش‌های جدیدی اتخاذ می‌گردند . هر  
گام که انقلاب ایران به پیش برمی‌دارد ، به منزله ضربه  
مرگبار دیگری بر پیکر محتضر امپریالیسم است و از این‌روست  
که امپریالیسم همه توان خود را علیه انقلاب به کار گرفته  
است .

بر اساس گزارشات خبرگزاری‌ها امپریالیست‌ها در  
تلاشند اتحاد نظامی جدیدی در خلیج فارس به وجود  
آورند . نقش مجری تشکیل این اتحاد به رژیم ارتجاعی و  
سرسپرده سعودی واگذار شده است . دربار سعودی هم‌اکنون  
در تلاش است تا کویت ، بحرین ، امارات متحده عربی ،  
عمان و قطر را در این اتحادیه تجاوزکارانه نظامی وارد  
سازد .

برجسته‌ترین تئوریسین‌های امپریالیسم امثال هنری  
کیسینجر برای نظارت بر اجرای طرح‌های  
تازه امپریالیسم به منطقه سفر کرده‌اند . آنها اعلام

بقیه در صفحه ۲

پایداری و مقاومت قهرمانانه خلق در برابر جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام تاکنون به پیروزی‌های درخشانی دست یافته است . رژیم جنایتکار صدام ، که از پشتیبانی آشکار و نهان امپریالیست‌های آمریکائی ، اروپائی و ژاپنی برخوردار است و کمک همه دولت‌های

ارتجاعی منطقه را به همراه دارد ، با شکست‌های مفتضحانه جدیدی روبرو شده است . این شکست‌ها یک بار دیگر نشان می‌دهد که اراده  
بقیه در صفحه ۱۹

### فدائی شهید غلامرضا صفرنژاد:

”لحظه‌ای هست که وفاداری به آرمان طبقه کارگر  
مورد آزمایش قرار می‌گیرد“

هر روز در تداوم پیکار علیه اشغالگران ، در مبارزه علیه  
امپریالیسم گلهای تازه‌ای پرپر می‌شوند تا صلح ، استقلال و آزادی در  
گلستانی که ایران نام دارد جاودانگی یابد ، تا لبخند پیروزی نهائی  
خلق هرچه نزدیک‌تر شود .

نام دهها شهید فدائی در میان گلهای سرخ مقاومت ، پیام‌آور  
وفاداری ، پیگیری و جانبازی کمونیست‌ها در راه استقلال و آزادی میهن  
و آرمان والای طبقه کارگر است . فدائیان شهید رفقا : غلامرضا صفرنژاد  
محمد بازدار و حمید ولا دوست همواره در دل خلق زنده‌اند .

بقیه در صفحه ۲۰

در صفحه ۳

### آیا (( هیات رسیدگی به مسئله شکنجه ))

به فاجعه کشتار توماج و هم‌زمان رسیدگی می‌کند؟

### خراج صدها پاسدار ترقیخواه دشمنان انقلاب را شادمان می‌کند

\* امپریالیسم امریکا و نیروهای مورد حمایتش که  
از پیشروی انقلاب هراسانند همواره تلاش دارند  
ماهیت مردمی و ترقیخواه سپاه را تحلیل ببرند .

بقیه در صفحه ۲۳

### چگونه لیبرال‌ها در

کار خانجات اخلاص می‌کنند؟

در صفحه ۱۰



### در این شماره

جنبش دهقانی ایران  
زحمتکشان روسای کلابه (رودبار)  
خواهان مصادره املاک زمینداران بزرگ  
(اجرای بند و ج) هستند  
در صفحه ۷

جنبش کارگری ایران

شکریان جنگ‌زده:  
گروگان‌گیری و تحصن در شرکت نفت دروغ محض است

برنامه پیشنهادی روزنامه انقلاب اسلامی

جنگ با اردوی انقلاب بجای نبرد علیه امپریالیسم

بناسبت شانزدهمین سالروز آغاز مبارزه مسلحانه خلق فلسطین : در صفحه ۸  
انقلابات  
جهانی فلسطین ، نبرد قاپیروزی

متحد شویم و تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام را درهم کوبیم

بقیه از صفحه ۱

## راه درهم شکستن

داشته اند که امروز " ایران آسیب پذیرتر از همیشه " است. و قابل ذکر است که کی سینجر و دیگر تئوریسین های سرشناس امپریالیسم معتقدند که جبهه آمریکا و دوستانش باید همواره به خلق های " آسیب پذیر " جبهه مخالف خویش یورش برند.

با درک واقعیت های فوق و درک سیاست های تهاجمی جدید امپریالیسم است که می توان فهمید چرا لیبرال ها و دیگر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم، این روزها چنین گستاخانه و بی محابا علیه انقلاب قد علم کرده و مذبحخانه تسخیر قدرت سیاسی را در دستور روز قرار داده اند.

جبهه ملی که در زمان شاه، دهها سال عملا موجودیتی نداشت و رهبرانش تنها کارشان این بود که هر از چندی از " اعلیحضرت " طلب رحمت کنند، نیروهایی که حداکثر " مبارزه " آنها به ارسال دسته های گل به سفارت آمریکا، همراه با شکوایه های از خطر زیاده روی های " اعلیحضرت " محدود می شد، امروز با رهنمود امپریالیست ها و با تکیه بر حمایت امپریالیسم مذبحخانه برای تسخیر قدرت سیاسی به جنب و جوش افتاده و شعار سرنگونی دولت را می دهند بطوری که یکی از رهبران جبهه ملی کریم سنجایی اعلام داشته است که " ما نمی توانیم ساکت بنشینیم و شاهد نابودی میهن خود باشیم ".

وقتی سیاستمدار لیبرالی مثل سنجایی که در دوران پهلوی دهها سال ساکت و صامت نشست و توانست نابودی میهن " را به دست شاه نظاره کند، امروز می گوید " ما نمی توانیم ساکت بنشینیم و شاهد نابودی میهن خود باشیم " می توان هماهنگی سیاست امپریالیست ها و لیبرال های مورد حمایت آن را به خوبی ملاحظه کرد.

بازاریان طرفدار جبهه ملی طی اطلاعیه ای خواستار روی کار آمدن رهبران جبهه ملی و دیگر نیروهای سازشکار شده اند. لباسچی یکی از تجار بزرگ بازار علنا خواستار سرنگونی دولت و به قدرت رسیدن جبهه ملی شده است.

جاسوسان سه جهانی در ورق پاره " رنجبر " آشکارا خط امام را " ارتجاع " نامیده و خواستار آن شده اند که خط امام و به زعم آنها " ارتجاع " جای خود را به لیبرال ها و دیگر دوستان آمریکا بدهد.

این جریان رسوا که در وابستگی اش به امپریالیسم و دشمنی اش با هر نیروی انقلابی و دمکرات جای هیچ شبهه ای نیست، چنان از موضعگیری اخیر سازمان مجاهدین خلق ایران که خط امام، سازمان ما و برخی نیروهای دیگر را " جبهه متحد ارتجاع " خوانده است به وجد آمده و دلگرم شده است که ضمن ابراز شادمانی از موضعگیری فوق جسارت یافته علیه خط امام و علیه ما که از خط امام در برابر لیبرال ها حمایت می کنیم، به دشنام گویی و هرزه درایی بپردازد.

امپریالیست ها، ارتجاع منطقه، لیبرال ها و دیگر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم اینک هماهنگ و متحد، شعار سرنگونی را در دستور قرار داده و خواستار تسخیر قدرت سیاسی هستند.

برای درهم شکستن تهاجم امپریالیسم و متحدان داخلی آن چه باید کرد؟

قبل از پاسخ دادن به این پرسش ابتدا باید ببینیم چه عواملی سبب شده که امپریالیسم و متحدانش " ایران را آسیب پذیر " ببینند و دوستان کهنه کار آمریکا در خیال خویش شعار تسخیر قدرت سیاسی را سردهند؟

۹ ماه سیاست دولت موقت لیبرال ها که با ادامه سیاست طرفداری از سرمایه داران و نزدیکی با غرب بیشترین زمینه بیکاری ها و گرانی های امروز را فراهم ساخت، تزلزل و تردیدهای خط امام در مبارزه علیه متحدان داخلی امپریالیسم یعنی در مبارزه با سرمایه داران

لیبرال، زمینداران بزرگ و تجار بزرگ، تحریم اقتصادی امپریالیسم که برای افزایش گرانی و بیکاری و منصرف کردن مردم از ادامه انقلاب دنبال می شود اخلال در امر تولید و توزیع از جانب سرمایه داران لیبرال و تجار بزرگ که به ویژه در شش ماهه گذشته شدت یافته، جنگ عراق علیه ایران و همه اقدامات و دسیسه های دیگر دشمنان داخلی و خارجی انقلاب، امروز اثرات خود را به صورت ادامه بیکاری میلیون ها هم میهن ما و افزایش فشار گرانی بر گرده دهها میلیون ایرانی بروز داده است. امپریالیسم و نیروهای مورد حمایت آن امیدوارند که این فشار که خود پدید آورنده آن اند، در روزهای آتی با زهم افزایش یابد، تا به خیال آنها مردم از ادامه مبارزه منصرف گردند.

واقعیت آن است که بخش عظیمی از توده های مردمی که انقلاب کردند و از انقلاب خویش این انتظار را داشته و دارند که فشار گرانی و بیکاری را از دوش آنها بردارد، که نیازهای اساسی اقتصادی آنها را پاسخگو باشد، امروز می بینند که هنوز این هدفها تحقق نیافته است. اگر حکومت جمهوری اسلامی از این پس نتواند با اتخاذ سیاست های رادیکال این امید و انتظار را در این بخش عظیم مردم برانگیزد که در آینده پاسخگوی نیازهایشان خواهد بود، طبعاً برای آن کسانی که هنوز به آگاهی کافی سیاسی نرسیده اند این خطرو وجود دارد که به سوی لیبرال ها بلغزند و لیبرال ها نیز آنچنان که از عوام فریبی و شعارهای کاذبشان برمی آید، امروز به چنین فرصتی دل بسته اند.

وقتی به عوامل فوق، سیاست های جمهوری اسلامی را در برخورد با حقوق صنفی - سیاسی مردم، در برخورد با حقوق صنفی - سیاسی کارگر، معلم، دانش آموز، استاد و دانشجو و غیره و بطور کلی در برخورد با آزادی های سیاسی نیروهای مردمی و ... اضافه کنیم، درک این نکته آسان است که چرا امپریالیسم و دوستان داخلی آن انقلاب ایران را بیش از همیشه آسیب پذیر می بینند، تا جایی که مذبحخانه سیاست سرنگونی حکومت و تسخیر قدرت سیاسی را در دستور قرار می دهند.

حالا برمی گردیم به همان سؤال پیش: " برای درهم شکستن تهاجم امپریالیسم و متحدان داخلی آن چه باید کرد؟ "

نمی توان با سیاست های ناپیگیر و مردود گذشته سیاست هایی که در برخی جنبه ها مخالف اهداف انقلاب بوده، سیاست هایی که نتیجه عملی آن نه به صورت انزوای لیبرال ها و اعتماد بیشتر توده ها بلکه تا اندازه ای نتیجه ای عکس آن را داشته، لیبرال ها را منزوی و هرگونه تهاجم ضدانقلاب را قاطعانه درهم شکست.

برای پیروزی و تهاجم لیبرال ها و دیگر دوستان مورد حمایت امپریالیسم، برای شکست تهاجمات و تجاوزات امپریالیسم، توده های مردم باید حس کنند که توقع و انتظاری را که از تداوم انقلاب دارند، بیهوده نیست. باید حس کنند و درک کنند که در ادامه مبارزه با لیبرال ها است که نیازهای اساسی شان برآورده می شود. و این شدنی نیست مگر با اتخاذ سیاستی رادیکال علیه سرمایه داران وابسته علیه زمینداران بزرگ علیه تجار بزرگ و دیگر متحدان امپریالیسم و در جهت منافع توده های ستمگشی که بار انقلاب را بردوش دارند.

همانگونه که انتصاب بازرگان و شرکاء " برخطا واقع شد " و آیت الله خمینی از بابت انتصاب بازرگان و شرکاء از مردم " معذرت " خواستند. همانگونه که دولت موقت در طول حیات ۹ ماهه خود بیشترین ضربات را به انقلاب و به اعتبار نیروهای ضد امپریالیست جمهوری اسلامی وارد ساخت، امروز نیز هرگونه امتیاز دادن به لیبرال ها و دیگر دوستان امپریالیسم " برخطا " است. در چنین صورتی ضرباتی سهمگین تر از گذشته بر پیکر انقلاب وارد خواهد ساخت. لغو بند " ج " اصلاحات ارضی، محدود کردن فعالیت های ترقی خواهانه هیئت های هفت نفره، تزلزل در تعقیب یک سیاست مثبت

خارجی، مآشات در برابر لیبرال ها و سازشکاران و هر امتیاز دیگری به این نیروها، قطعاً " برخطا " است و عواقب دردناکی برای مردم، برای انقلاب و برای نیروهای خط امام در پی خواهد داشت. وقتی سیاستی رادیکال علیه سرمایه داران لیبرال، زمینداران بزرگ و تجار بزرگ در پیش گرفته شود، وقتی میلیون ها دهقان ستمکش ایرانی در تداوم انقلاب تحقق شعار " زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند " را ببینند، وقتی مردم در تداوم انقلاب نیل به استقلال - کار - مسکن و آزادی را ببینند، هرگز امپریالیست ها و متحدان آنها قدرت نفس کشیدن را در میهن ما نخواهند یافت.

میلیون ها هم میهن مبارز و مدافع انقلاب هر توطئه و تهاجم امپریالیست ها و متحدان آن را با ایمان به انقلاب در نطفه خفه خواهند کرد و قطعاً همه امپریالیست ها و همه سلاح های مدرن و مجهز آنها را در گوشه ای از خلیج فارس دفن خواهند کرد و در آن صورت است که میهن پرستی توده ها، جبهه سرمایه داران لیبرال و همه مدافعان آنها را قاطعانه درهم خواهد شکست.

اما خط امام همچنان در مبارزه علیه سرمایه داران لیبرال در امر ملی کردن صنایع وابسته و تجارت خارجی و اجرای اصلاحات ارضی تزلزل و تردید از خود نشان می دهد. لغو موقت بند " ج " اصلاحات ارضی که بر زندگی میلیون ها دهقان ستمکش ایران تاثیر می گذارد، تاخیر در اجرای طرح طبقه بندی مشاغل که قطعاً بر زندگی صدها هزار کارگر ایران تاثیر دارد، عدم اتخاذ یک سیاست قاطع در برخورد با تجارت خارجی و ... همراه با تردید و تزلزل در ادامه یک سیاست واضح و روشن در قبال دوستان و دشمنان انقلاب و عقب نشینی از مواضع ترقی خواهانه یا تردید در ادامه این مواضع زیر فشار لیبرال ها، روحانیت متحد لیبرال ها و زمینداران بزرگ ... جملگی همان سرچشمه هایی هستند که انقلاب را در برابر تهاجم امپریالیست های زخم خورده و متحدان داخلی آن " آسیب پذیر " و پیشروی آن را کند می سازد. انقلاب امروز سخت می طلبد که زمین مال دهقانان باشد که دست سرمایه داران لیبرال از صنایع کوتاه شود، که تجارت خارجی ملی شود، که دستان نیرومند میلیونها مردم مبارز میهن صرف نظر از تفاوت های عقیدتی، مذهبی، قومی و غیره ... با عشق و محبت نسبت به یکدیگر و نسبت به صلح، استقلال، آزادی و رهائی از استثمار و ستم درهم گره خورند و استوارترین و شکست ناپذیرترین دژ مقاومت خلق را بیافرینند. وقتی دست های همه مردم درهم گره خورند آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند.

اما صرف نظر از همه دشواری هایی که بر سر راه تداوم انقلاب است، و قطع نظر از همه تردیدها و تزلزل های جمهوری اسلامی که قطعاً پیشروی انقلاب را کند می کند، باید همواره بر این واقعیت انکارناپذیر و پرشکوه تاکید کنیم که براساسی امپریالیسم و همه متحدان آن دیگر شکست انقلاب ایران و تکرار کودتای ننگین ۲۸ مرداد یا فجاجع شیلی و اندونزی و امثال آن را برای همیشه در میهن ما به گور خواهند برد. تردیدها و تزلزل های جمهوری اسلامی، تهاجمات امپریالیسم و متحدان آن تنها ممکن است بتوانند چرخ انقلاب را برای لحظاتی کند کنند، اما میلیون ها ایرانی مبارز و آگاهی که انقلاب پرشکوه بهمن را پشت سر گذاشته اند، که تجربه گرانبهای سالها مبارزه خونین را علیه امپریالیسم و متحدان آن دارند، که خون دهها هزار شهید را پشتوانه انقلاب میهن ساخته اند، که دهها هزار دلاور مسلح و متشکل را پشتوانه انقلاب دارند، که سازمان های ترقی خواه خلق را در دل خود پروراندند آن هم در زمانی که قدرت شکست ناپذیر نیروهای صلح استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم در جهان پیروزی های شگرف بشریت مرفی و مبارز را بر ارتجاع جهانی نوید می دهند، در تداوم انقلاب برای همیشه امپریالیست ها و مرتجعین داخلی را در میهن انقلابی ما به گور خواهند سپرد.

بکشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را

علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم



## آیا (( هیات رسیدگی به مسئله شکنجه )) به فاجعه کشتار توماج و همزمان رسیدگی می کند؟

نیست. اما سحرگان روز دوشنبه ۲۹ بهمن در نقطه‌ای در جنگل گلستان بین گنبد و بجنورد در فاصله بین مینودشت و چمن بید، پیکر بیجان رفقا در حالی که علائم شکنجه بر جنازه‌های رفقا کاملاً مشهود بود پیدا می‌شود.

خبر این جنایت عظیم به سرعت در همه جا پیچید و موجی از انزجار و خشم و نفرت نسبت به جنایتکاران برانگیخت.

با گسترش موج انزجار عمومی علیه این فاجعه، جنایتکاران با درج اطلاعیه‌هایی جعلی در روزنامه‌ها مذبوحانه کوشیدند مسئولیت این جنایت را برعهده ستاد شوراهای ترکمن صحرا بگذارند. آقای رئیس جمهور نیز نخست در مصاحبه اطلاعیه‌های جعلی کوشید مسئولان این جنایت را تبرئه کند اما با افزایش موج انزجار مردم و فعالیت‌های افشاگرانه سازمان، حرف خود را پس گرفت و قول داد که پرونده این جنایات هولناک را تعقیب کند.

اما از آن زمان تا کنون علیرغم درخواست‌های مکرر سازمان و علیرغم خواست عمومی، نه رئیس جمهور و نه دیگر مقامات جمهوری اسلامی هیچ کوششی برای شناساندن مرتکبین این جنایت نکرده‌اند متأسفانه اینک که بیش از یک ماه از دستور آیت‌الله خمینی نسبت به بررسی مسئله شکنجه در زندان‌های جمهوری اسلامی می‌گذرد تا آنجا که ما اطلاع داریم، "هیئت بررسی مسئله شکنجه" هنوز تعقیب پرونده این جنایت هولناک را در دستور کار خویش قرار نداده است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت) اینک همصدا با همه مردم آگاه و مبارز ایران به ویژه خلق ترکمن خواستار آن است که "هیئت رسیدگی به مسئله شکنجه"، فاجعه شکنجه‌بیهوده شهادت رساندن این شهدای خلق را که در زندان‌های جمهوری اسلامی به قتل رسیده‌اند، تعقیب کند. ما از همه نیروهای مبارز و آگاهی که اطلاعاتی در مورد چگونگی فاجعه رهبران خلق ترکمن دارند، می‌خواهیم که اطلاعات خود را مستقیماً به "هیئت بررسی مسئله شکنجه" ارسال دارند.



☆ زخم چانه و گبودی سینه توماج و جراحاتی که در پیکر دیگر رهبران خلق ترکمن دیده می‌شود، نشان می‌دهد که درخیمان قبل از اعدام، رفقا را شکنجه کرده‌اند.

همان شب بنی‌صدر رئیس جمهور به سازمان اعلام کرد که ما اطلاع داریم، "هیئت بررسی مسئله شکنجه" هنوز تعقیب پرونده این جنایت هولناک را در دستور کار خویش قرار نداده است.

پاسداران سلطنت‌آباد به شخصی به نام "محسن رفیق دوست" که از مسئولان سپاه بود، تحویل داده می‌شوند.

به زندان اوین تحویل شده‌اند. رفقا قبل از اولین ساعات روز جمعه ۲۶ بهمن از زندان اوین به مرکز سپاه

روز پنجشنبه ۱۸ بهمن ماه ۱۳۵۸ هیئت ۵ نفری وزارت کشاورزی مأمور حل مسئله زمین و رسیدگی به کشتار شوراهای دهقانی به اتفاق رهبران خلق ترکمن، رفیق شیرمحمد درخشنده توماج، رفیق عبدالکریم مختوم، رفیق طواق محمد واحدی و رفیق حسین جرجانی در ساختمان ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا جلسه مشترک داشتند. جلسه تا ساعت ۲ بعد از نیمه شب ادامه یافت و سپس هر ۹ نفر با هم از ساختمان خارج شدند. هیئت ۵ نفری با یک ماشین و رفقای ما با ماشین دیگری به راه می‌افتند. روی پل شمال غربی شهر، پاسداران به هر دو ماشین ایست می‌دهند. ماشین اول را بازرسی می‌کنند و اجازه حرکت می‌دهند ولی تمام سرنشینان اتوموبیل دوم را که این چهار رفیق شهید در آن بودند، بازداشت می‌کنند که خبر آن اول بار روز دوشنبه ۲۲ بهمن در فوق‌العاده "کار" انتشار یافت. روزنامه جمهوری اسلامی سه‌شنبه ۲۳ بهمن ماه اعلام داشت که توماج همراه با سه تن دیگر به تهران اعزام شده‌اند. خبر اعزام رفقای ما به تهران، توسط حجت‌الاسلام نورمفیدی (کیهان ۲۷ بهمن) و حجت - الاسلام صادق خلخالی (کیهان ۳۰ بهمن) تأیید شده است.

به قرار اطلاع روز دوشنبه ۲۲ بهمن مطلع شدیم که رفقا

## کارکنان مبارز بانک ملت:

## برنامه صرفه جوئی باید امکانات زندگی را به نفع اقشار کم درآمد تغییر دهد

قسمتی از حقوق مختصر کارکنان کم درآمد نمی‌باشد. ما در اینجا بار دیگر تأکید می‌کنیم که در شرایط حساس کنونی هدف از صرفه‌جوئی، اعمال آن سیاستی است که امکانات زندگی را در جامعه به نفع اقشار کم درآمد تغییر داده و رفاه نسبی برای آنان فراهم سازد.

درآید. ۳- میزان مال‌الاجاره ساختمان‌های مورد اجاره بانک از طریق بنیاد معاملات مسکن تقلیل یابد. ۴- از شعب تخلیه شده بانک به‌عنوان تعاونی‌های مصرف عمومی استفاده گردد. ۵- حقوق‌های رده‌های شغلی بالای بانک تقلیل یابد بدیهی است استنباط و درک صحیح از مفهوم صرفه‌جوئی به هیچ‌وجه حذف

و شوراهای کارکنان بانک ملت و خطاب به هیئت مدیره نوشته شده است، حاوی مفاد پیشنهادی زیر جهت اجرای برنامه صرفه‌جوئی عادلانه است: ۱- مطالبات معوق بانک از طریق دادگاه‌های انقلاب اسلامی وصول گردد. ۲- اعتبارات بانک به‌جای کمک‌به سرمایه‌داران، تجار بزرگ، دلالان و محترکان به خدمت تولیدات داخلی

کارکنان مبارز بانک ملت طی نامه سرگشاده‌ای خطاب به هیئت مدیره بانک ملت، ضمن طرح لزوم صرفه‌جوئی و تقلیل هزینه‌های کارکنان در رابطه با شرایط حساس کنونی و مقتضیات اقتصادی جامعه، خاطر نشان کردند که مسئله تقلیل هزینه‌ها بدون تدوین و اجرای برنامه‌های مشخص و عملی به نتیجه نخواهد رسید. این نامه که به‌امضای "کمیته هماهنگی سندیکاها

## از یادداشت‌های فدائیان خلق در سنگرهای خونین جنوب

# در زخم کینه‌های دیرین سنگر گرفته‌ایم

### نبرد روی امواج خروشان کرخه

به رودخانه نزدیک‌تر می‌شد. فقط یک بلم در ساحل رودخانه بود. یک بلم و حدود ۹۰ نفر زخمی و کارکنان انقلابی بیمارستان دیگر وقت فکر کردن نبود. باید به وسیله همین بلم، دسته دسته زخمی‌ها را به طرف دیگر رودخانه می‌بردیم. برای دسته اول حدود ۱۰ نفر زخمی بدحال سه‌نفر زخمی‌ای که حال بهتری داشتند من و دو نفر دیگر از کارکنان بیمارستان سوار بلم شدیم، پارو زنان به وسط رودخانه رسیدیم. کرخه موج و خروشان بود و توپخانه‌های مزدوران عراقی رودخانه را هدف گرفته بودند. به علت سنگینی زیاد بلم به میزان زیادی در آب فرو رفته و به کندی حرکت می‌کرد، هر بار که خمپاره‌ای به رودخانه اصابت می‌کرد، بلم به تکان درآمده و آب به داخل آن می‌ریخت. در چنین لحظه‌ای که آب نیمی از بلم را پر می‌کرد، همه به وحشت افتاده و فریاد می‌زدند:

**"آب را خالی کنید! آب را خالی کنید!"**

با تمام قدرتمان، با دست با کلاه، با لباس با هر چه بیرون می‌ریختیم اما باز یک خمپاره دیگر و باز موجی دیگر و بلم دوباره به تکان درآمده و آب نیمی از آن را پر می‌کرد. هنوز با ساحل کمی فاصله داشتیم که خمپاره‌ای نزدیک بلم به سطح آب اصابت کرده و بلم برای یک لحظه روی هوا بلند شده و واژگون شد. همه در آب ریختیم. یک لحظه سرم گیج رفت. خودم را از زیر بلم بیرون کشیده و شناکنان آن را دور زدم. در تاریکی چیزی دیده نمی‌شد. اما همینکه گلوله منوری شلیک می‌شد می‌توانستم زخمی‌های بدحال را ببینم که در حال غرق شدن هستند. شناکنان

توپخانه کمتر شده بود و حالا صدای رگبار مسلسل‌ها از چند کوچه پایین‌تر می‌آمد و این صدا دقیقه به دقیقه نزدیک‌تر می‌شد. باز سه پاسدار زخمی دیگر را آوردند. برای آنها دیگر کاری نمی‌توانستیم بکنیم. مزدوران عراقی قدم به قدم به ما نزدیک‌تر می‌شدند. زخمی‌ها، متوحش کارکنان بیمارستان را نگاه می‌کردند. هیچ‌کس نمی‌دانست چکار کند. بعضی کشته‌گلویم را می‌فشرد. دیگر داشت خفه‌ام می‌کرد که با صدای بغض‌آلود و گرفته‌ای فریاد زد:

**"پس چرا تصمیمی نمی‌گیرید؟! چرا کاری نمی‌کنید؟!... آمبولانس‌ها را آماده کنید... همه زخمی‌ها را باید بیرون ببریم... حتی یک زخمی هم اینجا نمی‌باید بماند."**

سکوتی که بیمارستان را گرفته بود، شکسته شد. هنوز بغض گلویم را می‌فشرد. چند بار فریاد زد:

**"زخمی‌های بدحال را به آمبولانس‌ها منتقل کنید... همگی با زخمی‌هایی که می‌توانند راه بروند در یک صف حرکت خواهیم کرد."**

جنب و جوشی بیمارستان را گرفت. همه دست به کار شدیم. آمبولانس‌ها را تا آنجا که جا داشتند، از زخمی‌های بدحال پر کردیم. سالم‌ها زیر بغل زخمی‌هایی را که می‌توانستند تا حدودی راه بیایند، گرفتند. آمبولانس‌ها آرام به حرکت درآمدند. صف سالمین و زخمی‌ها به دنبالش به راه افتاد. از ذره به ذره آسمان شهر آتش می‌بارید. زیر رگبار مسلسل‌ها و آتش توپخانه‌ها به ساحل رودخانه رسیدیم. با عجله زخمی‌ها را از آمبولانس‌ها پیاده کردیم. حالا دیگر رودخانه کرخه هدف خمپاره و مسلسل‌های عراقی شده بود. هر لحظه خمپاره‌ای با کمی فاصله از رودخانه زمین می‌خورد و لحظه‌ای بعد خمپاره بعدی

می‌کردند، کشتن زخمی‌ها بود باید بدون فوت وقت تصمیم می‌گرفتیم. به کمک رئیس بیمارستان جلسه‌ای ترتیب داده و قرار شد که زخمی‌ها را از طریق رود کرخه نجات بدهیم. یکی از پزشکان با فرمانده ژاندارمری و فرماندار شهر تماس گرفت و از آنها خواست ترتیبی بدهند که زخمی‌ها پس از عبور از رودخانه با وسیله‌ای به اهواز منتقل شوند. گفتگوی پزشک با فرماندار و فرمانده ژاندارمری نیم ساعتی طول کشید و وقتی آمد با عجله گفت:

**"زود باشید. دست به کار شوید. سرهنگ گفته است. من خودم ترتیب همه کارها را می‌دهم. تا یک ساعت دیگر چند ماشین به کمکتان می‌فرستم."**

پزشک باز با تکیه بر حرف‌های او گفت:

**"سرهنگ گفته است عراقی‌ها مگر از جسد من رد بشوند که بتوانند پایشان را به شهر بگذارند."**

ما در تاریکی دست به کار شدیم. گرسنگی، تشنگی، بی‌خوابی، کارکنان و بخصوص زخمی‌ها را از پا درآورده بود. فقط خمپاره بود. خمپاره که دائم بیمارستان را به تکان درمی‌آورد. سر ساعت ما آماده شدیم. اما از ماشین‌های سرهنگ خبری نشد. یک روحانی و یک پاسدار که با جیب زخمی دیگری را آورده بودند، مامور شدند که با سرهنگ ژاندارمری تماس بگیرند و به او اطلاع بدهند که ما آماده هستیم. ده دقیقه طول نکشید که رفتند و آمدند. روحانی گفت:

**"نه فرمانده است، نه فرماندار. آنها فرار کرده‌اند."**

حالا دیگر تعدادی از زخمی‌ها روحیه‌شان را باخته بودند. دو نفر حالشان به هم خورد و مجبور شدیم به آنها سرم وصل کنیم. صدای آتش

یادداشت‌های این شماره به تلاش انقلابی و خستگی ناپذیر رفقای امدادگر ما اختصاص دارد. رفقای که در خط مقدم جبهه در پشت جبهه، در قلعه‌های پرغرور زاگرس و بر ساحل خروشان کرخه و کارون، هر آنجائی که از جنگ، از گلوله و خمپاره، از خرابی و گشتار جنگ نشانی هست، پیوسته جان برکف آماده بودند.

از آغاز جنگ تحمیلی رفقای امدادگر ما همچون دیگر رفقای مبارز به جبهه‌های جنگ اعزام شدند. و از آن زمان آنی از تلاش بازنایستادند. تنگ‌نظران، گوته‌بین بسیار گوشیدند که رفقای ما را از این تلاش انقلابی و میهن پرستانه باز دارند. رفقای ما را زیر فشار قرار دادند، تهدید کردند، به بهانه‌های مختلف از اعزام آنها به جبهه‌ها ممانعت به عمل آوردند. وقیحانه آنان را اخراج کردند. ولی رفقای ما ماندند و شجاعانه وظایف انقلابی خود را پیش بردند. آنها نشان دادند که هیچ چیز نمی‌تواند انقلابیون کمونیست را از مردم، از توده‌های زحمتکش که در خون پیگار می‌کنند، جدا کند.

اطاق عمل می‌کردند. روز بیست و سوم آبان ماه، آتش توپ‌ها و خمپاره‌های دشمن تجاوزگر آنچنان وسعت یافت که شهر یکپارچه سبز شده بود. نزدیکی‌های غروب مزدوران عراقی بنا به اطلاعاتی که از ستون پنجم گرفته بودند، بیمارستان را زیر آتش گرفتند. تمام اطاق‌ها و راهروهای بیمارستان پر از زخمی بود. زخمی‌هایی که بیشتر آنها جراحی شده یا در انتظار عمل به سر می‌بردند و علاوه بر اینها هر آن به زخمی‌های بیمارستان افزوده می‌شد. از طرفی چون جاده اهواز - سوسنگرد بسته شده و شهر در محاصره بود، ما دیگر نمی‌توانستیم زخمی‌ها را به اهواز اعزام کنیم. بر اثر شدت بیش از حد خمپاره‌ها وضع بیمارستان متشنج شد. متصدی رادیولوژی و تعدادی از پزشکان و پرستاران و امدادگران بیمارستان را ترک کردند. خمپاره‌ای به قسمتی از موتورخانه اصابت نمود. برق‌ها قطع شد و تاریکی بیمارستان را گرفت عمل جراحی متوقف شد. جان مجروحین صد درصد در خطر بود. اگر عراقی‌ها وارد شهر می‌شدند، اولین کاری که

\* این روزها سخن در باره شهر سوسنگرد فراوان است سوسنگرد آزاد شده حالا با جانفشانی‌ها، حماسه‌ها و قهرمانی‌های توده‌های زحمتکش خلق عجین شده است.

من همراه گروهی از پاسداران و بسیجی‌ها در روز ۱۹ آبان ماه، ساعت ۳ بعد از ظهر وارد شهر سوسنگرد شدم. و بلافاصله خود را به عنوان امدادگر به بیمارستان شهر معرفی کردم. در شهر غوغایی از صدای توپ‌ها و تانک‌ها و مسلسل‌ها و فریادهای زحمتکش‌ترین توده‌های خلق بود. به محض ورود به بیمارستان مشغول به کار شدم. ستون‌های ارتش دروازه شهر را گرفته بودند. هر لحظه دهها زخمی و کشته به بیمارستان می‌رسید. خون، تمام راهروها و اطاق‌ها را پر کرده بود. گلوله توپ‌هایی که دور و بر بیمارستان منفجر می‌شدند، تمام اطاق‌ها و اطاق عمل را تکان می‌داد. با این وجود پزشکان، پرستاران و امدادگران انقلابی در میان آتش و خون زخمی‌ها را مداوا کرده و در صورت لزوم روانه





بقیه از صفحه ۴

## در زخم کینه ...

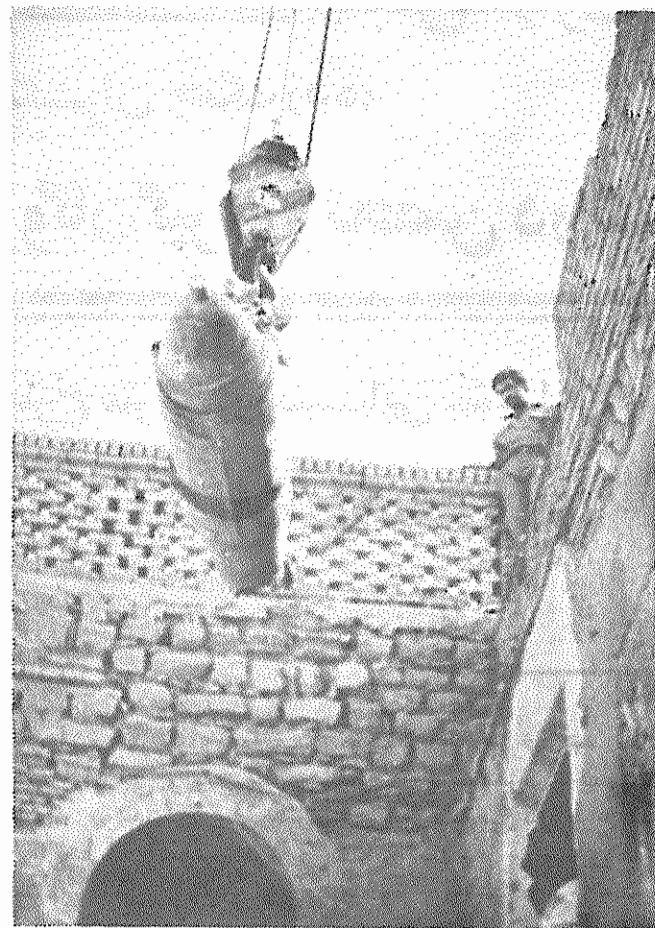
آتش خشم توده ها،  
رژیم صدام را  
در خود خاکستر  
خواهد کرد

برای نجات آنها شتافتیم. یکی دو نفر از آنها را با سر، با دستها، با ضربه به سمت ساحل کشاندم، کارکنان بیمارستان توانسته بودند خودشان را بیرون کشیده و تعدادی از زخمیها را نجات بدهند. اما برای هفت یا هشت نفر از زخمیها نتوانستیم کاری بکنیم. آنها در رودخانه غرق شدند.

آتش توپخانهها و مسلسلهای عراقی یک لحظه خاموش نمی شد. باید بلم را برای آوردن بقیه زخمیها به طرف دیگر ساحل برمی گرداندم. تلف کردن هر ثانیه باعث کشته شدن عدهای می شد. شناکان بلم را از آب گرفته و به طرف دیگر ساحل بردم. بعد از ۵ بار رفت و آمد توانستیم با دادن چندین شهید و غرق شدن چند نفر دیگر همه زخمیها را به آنطرف ساحل ببریم. من فکر می کردم که دیگر از آتش توپخانه عراقیها خبری نباشد اما آنها در طرف دیگر ساحل ما را زیر رگبار تیربار کالیبر ۷۵ گرفتند. ما هیچ وسیله یا سلاحی همراه نداشتیم. در آن اطراف هم نه ماشینی دیده می شد و نه جنبندهای. نمی دانستیم از کدام طرف باید به راه ادامه بدهیم. بدون هدف به صورت گروههای چند نفری گرسنه و تشنه، مسیری را گرفته و پیش رفتیم. پس از ساعتها سینه خیز رفتن و زیگرگ حرکت کردن نزدیکیهای سحر به دامنه کوه رسیدیم. آنجا بود که سروکله یک ربوی ارتشی پیدا شد و ما به وسیله آن، زخمیها را به اهواز انتقال دادیم.

صبح روز بعد به بیمارستانهای اهواز سر زدم و از زخمیها ملاقات کردم. با شوق همدیگر را در آغوش گرفتیم. با کمک پزشکان، پرستاران و امدادگران انقلابی بیمارستان سوسنگرد توانسته بودیم ۶۷ نفر از زخمیها را از راه کرخه نجات بدهیم.

از یادداشت های یک امدادگر فدایی در جبهه سوسنگرد ۲۸ آذرماه ۵۹



رژیم صدام این بمبها را بر خانه زحمتکشان فرومی بارد.

می کردم، درست روزهایی که بعضیهای جنایتکار به خاطر به چنگ آوردن شهر، خانههای مردم را زیر آتش خمپاره گرفته بودند، هر ساعت دهها زخمی به بیمارستان می آوردند.

هر موقع که برای مداوا به سراغ یکی از زخمیها می رفتم با اینکه از قسمت تیر خورده و یا خمپاره خورده بدنش خون بیرون می آمد، می گفت حال من خوبست، به دیگری برس در بین زخمیها روزی مرد عرب زحمتکشی را دیدم که پسر بچه هشت ساله اش را (که خمپاره دست راستش را متلاشی کرده بود) روی دست گرفته و اشکریزان او را در آغوش من گذاشت و با زبان عربی که نمی فهمیدم، التماس کنان از من خواست که فرزندش را نجات بدهم. پسر بچه عرب در آغوشم از درد، پرپر می زد و سکه دوریالی را که پدر به دست چپش داده بود در حالت درد و بیهوشی در میان انگشتانش می فشرد. او را با شتاب به اطاق عمل برده و جراح بیمارستان بدون دزنگ برای نجاتش مشغول به کار شد. مرد عرب جلوی در اطاق عمل نشسته بود. من او را دلداری می دادم ساعتی بعد پسر بچه را بیهوش با برانکارد تحویل ما دادند او را به یکی از اطاقهای بخش داخلی بردم. دست راستش را قطع کرده بودند. تمام مدت بالای سرش بودم. پسر بچه داشت به هوش می آمد. مرتب تکان می خورد و چه با قدرت دست و پایش را تکان می داد. مرد همینطور آرام آرام گریه می کرد. پسر بچه به هوش آمد چشم هایش را باز کرد و دور و برش را نگاه کرد. مرد عرب دست به جیبش کرده، ۵ ریالی ای بیرون آورد و آن را به دست چپ پسرش داد و چشمهای اشک آلود او را بوسید. چیزی قلبم را می فشرد. از اطاق بیرون آمدم، غصه و خشم گلویم را می فشرد، با قدرت تمام فریاد زدم:

"مرگ بر آمریکا"

از یادداشت های یک امدادگر فدایی در جبهه سوسنگرد. دی ماه ۵۹

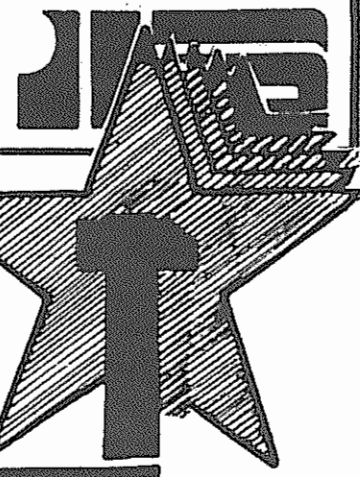
خشم از چشمها شعله می کشید. همه عصبانی و دستاچه بودند، جلوی خانهای که درو پیکر آن بر اثر اصابت خمپاره سوراخ سوراخ شده بود، از آمبولانس پائین پریدیم. برانکارد را از قسمت عقب بیرون آوردیم. در خانه از داخل قفل بود، بوی دود و باروت و خون تازه فضا را پر کرده بود، سیمهای برق اطراف بر اثر اصابت ترکش خمپاره قطع شده و شیشههای منازل همه خرد شده بود. یکی از رفقا از دیوار بالا رفته و در را باز کرد. با برانکارد داخل شدیم. هنوز ذرات خاک و خون در هوا معلق بود خون قسمتی از کاشیهای حیاط را پوشانده بود. جوان بیست و دو - سه ساله ای در حالی که یک پا و یک دستش قطع شده بود، گوشه حیاط پرتاب شده بود. تمام هیكلش از خون خیس شده بود. مردی که در کوچه ایستاده بودند، به دنبال ما وارد خانه شدند. به طرف یکی از اطاقها که خمپاره سقفش را سوراخ کرده بود دویدم، همینکه در اطاق را باز کردم برای یک لحظه روی پایم خشک شدم. به رفیقی که کنارم ایستاده بود، گفتم:

از یادداشت های یک امدادگر فدایی اهواز

## مرگ بر آمریکا

"جلوی مردم را بگیر، من به عنوان امدادگر در بیمارستان سوسنگرد کار

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سر کردگی امپریالیسم آمریکا



## جنبش کارگری ایران

فتگران جنگ زده:

# گروگان گیری و تحصن در شرکت نفت دروغ محض است

در صفحه ۱۸

تدوین و اجرای یک طرح مترقی ارزشیابی مشاغل

## ضرورت مبرم انقلاب است

چرا «کانون شوراهای اسلامی» شیراز یک کانون کارگری و انقلابی نیست؟

● در شرایطی که وحدت نیروهای مردم و اتحاد کارکنان در سنگر کارخانه‌ها، بیش از هر زمان دیگر باید تحکیم شود، "کانون شوراهای اسلامی کارگران" شیراز از طریق نمایندگان خود در انجمن‌های اسلامی کارخانجات، در میان کارگران و شوراهای کارگری دست به تحریکات نفاق - افکنانه و ضد دمکراتیک زده و تنگ‌نظرانه می‌کوشد تا شوراهایی را که خارج از دایره نفوذ هستند، حتی - الامکان به انحلال کشانده و شورای منتصب خود را به جایش نشاند. این کانون که

علیرغم تمایلات ضد امپریالیستی اش، فاقد کمترین درک روشن از حقوق دمکراتیک کارگران است، تاکنون به واسطه اتخاذ شیوه‌های ضد کارگری در برخورد با تشکلهای کارگری ضرباتی جدی به اتحاد و تشکلهای کارگران وارد آورده است. آخرین نمونه این قبیل برخوردهای غیر اصولی و خودسرانه که در عین حال نمونه‌ای از برخورد آمرانه و قیم‌آبانه نسبت به کارگران و تشکلهایشان است

برخورد این کانون با شورای کارخانه شیمیائی پرسپولیس است که منجر به انحلال این شورا نیز گردید. کانون در توجیه اقدام خودسرانه‌اش در مقابل نمایندگان شورای پرسپولیس، این چنین "استدلال" می‌کند: "مسئولیت شوراهای کارخانجات به عهده کانون اسلامی شوراها می‌باشد. این کانون در قبال دولت، پاسخگوی اعمال شوراهای خواهد بود." بی‌ایمانی به حقانیت

● اکنون فشار و فلاکت اقتصادی ناشی از دهها سال سلطه غارتگرانه امپریالیسم و نوکرائش بر میهن ما، در اثر تحمیل جنگ تجاوزگرانه رژیم عراق، بیش از پیش فزونی گرفته است. توده‌های میلیونی کارگران و زحمتکشانی که در سرنوشتی سرسپرده شاه، قیام شکوهمند بهمن را با قهرمانی‌ها و جانفشانی‌های سترگ بیا کردند، بیش از همه در معرض ضربات ویرانگر بحران اقتصادی و همچنین نارسائی‌های موجود در سیاست‌های اقتصادی دولت

● در این میان طبقه کارگر که مهم‌ترین نیروی مولده اجتماعی است، بطور نسبی کمترین نصیب را از منافع اقتصادی و خدمات اجتماعی جامعه دارد حال آنکه بیش از هر نیروی انقلابی دیگر سزاوار برخورداری از دستاوردهای انقلاب ایران است. قطع نظر از نابسامانی‌های سیستم مزد که بنوبه خود با تضعیف قدرت خرید توده‌ها، تأثیرات مخربش را در تشدید بحران می‌گذارد، نارسائی خدمات تأمین اجتماعی، فقدان امنیت شغلی و خطر اخراج و بیکاری... نیز از جمله مشکلات حادی است که کارگران ایران با آن دست به گریبانند. امروز باید برای مسئولین جمهوری اسلامی روشن شده باشد که برای حفظ دستاوردهای انقلاب، نیت خیر کافی نیست بلکه با انبوه مشکلات و نارسائی‌های موجود، تنها به اتکالی

سیاست‌ها و طرح‌های واقع - بینانه و انقلابی و بسیج دمکراتیک توده‌های زحمتکش می‌توان مقابله اصولی کرد و به اعتبار تأمین اساسی‌ترین منافع و حقوق صنفی کارگران و زحمتکشانی می‌توان به تحکیم انقلاب یاری رساند و تداوم آن را تضمین نمود. هم‌اکنون تأمین مهم‌ترین حقوق صنفی کار در گروی تدوین و اجرای یک قانون کار و تأمین اجتماعی مترقی و از آن نیز عاجل‌تر تدوین و اجرای یک طرح نویسن ارزشیابی مشاغل (طرح طبقه‌بندی...) و سیستم عادلانه مزد است و همچنانکه بارها تأکید کرده‌ایم این امر بدون مشارکت دمکراتیک تشکلهای کارگری ممکن نخواهد بود. طی روزهای اخیر و بدنبال فشار اقتصادی بحران موجود، برخی از مطالبات صنفی کارگران به اشکال گوناگون (اضافه‌کاری، پاداش، حق مسکن، مساعده و...) در کارخانجات مطرح شده است. این خواستها بیانگر فرا رسیدن موج جدیدی از مطالبات اقتصادی است که در اثر تأثیرات بلاواسطه جنگ تحمیلی دامن گسترده است.

این مطالبات چیزی جز اشکال و جوانب مختلف نابسامانی نظام دستمزدها نیست. چه‌اضافه‌کاری، حق مسکن و مزایای دیگر جملگی از اشکال و اجزاء دستمزدها و چنانچه یک سیستم تنظیم مزد بر مبنای یک طرح مترقی ارزشیابی مشاغل تدوین شده و به اجرا درآید، به بخش مهمی از مطالبات صنفی

موجود پاسخ خواهد گفت و این امر مستلزم تجدید نظرهای اساسی در طرح طبقه‌بندی مشاغل بر مبنای تعدیل حدود مالکیت و همچنین کاهش حقوق و امتیازات مدیران و متخصصان است. کارگران باید بدانند که مطالبات صنفی مشخصشان از خواسته‌هایی نظیر اضافه کاری و مساعده گرفته تا گرفتن لباس و کاپشن زمستانی و... مشکل و یا خواست این یا آن کارخانه نیست بلکه مربوط به همه کارگران است منتها به اشکال مختلف و این مشکل عمومی تجلی واحدی دارد و آن لزوم تغییر نظام ارزیابی مزد است که باید با مصالح انقلاب و منافع طبقه کارگر هماهنگ شود.

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پشتیاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



### جنبش دهقانی ایران

زحمتکشان روستای "کلايه" (رودبار)  
خواهان مصادره املاك زمينداران بزرگ،  
( اجرای بند «ج» ) هستند

لغو بند (ج) مقاومت نیروهای خلق را  
در برابر دشمنان انقلاب تضعیف می کند



لغو موقت بند "ج" طرح اصلاحات ارضی واکنش اعتراضی وسیعی را چه در میان توده های میلیونی روستا و چه در میان نیروهای ترقیخواه هیئت حاکمه پدید آورده است. این عمل سبب شده است که همه انقلابیون و جریانات ترقیخواه در رابطه با آینده انقلاب عمیقا احساس نگرانی کنند. در مدت کوتاهی که از اعلام تصمیم جمهوری اسلامی دایر بر لغو موقت بند "ج" می گذرد، زحمتکشان در بسیاری از روستاهای میهن پیگیرانه ادامه اجرای آن را خواستار شده اند. بخش بزرگی از هیئت های هفت نفره برای آنکه اجرای این بند

پشتکار انقلابی می کوشند تا انرژی انقلابی دهقانان زحمتکش میهن را برای مقابله با کارشکنی های زمینداران بزرگ در امر اصلاحات ارضی بسیج نمایند. آنها در این راه روی حمایت ارگان های مترقی جمهوری اسلامی نظیر جهاد سازندگی و هیئت های هفت نفره حساب می کنند. اعضا و هواداران سازمان در گوشه و کنار میهن به همه آنان که دل در گرو سرنوشت انقلاب دارند، به همه دشمنان امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به همه دوستان خلق، به همه آنانکه در راه منافع خلق با زمینداران بزرگ

اصلی ترین دشمن انقلاب در روستاها به حساب می آیند. آنها از همان ابتدای انقلاب با تلاش های مذبحخانه و با هزار حيله و نیرنگ، کوشش می نمودند مبارزات شما را سرکوب نمایند. آنها همواره از کمک و حمایت آشکار روحانیون مرتجع و طرفدار سازش با آمریکا نظیر آیت الله صادق روحانی، آیت الله گلپایگانی، آیت الله نجفی مرعشی برخوردار بوده اند. منافع این دسته از روحانیون با منافع سرمایه داران وابسته و ملاکین به هم گره خورده است و از این روست که همراه دوستان کلاه دار خود یعنی لیبرال های خیانتکار برعلیه

روستای "کلايه" در نزدیکی رودبار قرار دارد. مردم زحمتکش این قریه قبل از انقلاب بهمن سالها زیر ستم محمد بهرامی زمیندار بزرگ منطقه بوده اند حاصل زحمات شبانه روزی روستائیان در تمام این مدت به جیب این زمیندار مفتخور سرازیر می شد. محمد بهرامی با نفوذی که در سازمان های دولتی رژیم شاه داشت، توانست زمین های زراعتی روستا را از دست زحمتکشان خارج کند. او با قوانین آریامهری و سرنیزه ژاندارمری شاه هر کار که می خواست در روستا

مورد استقبال شدید زحمتکشان منطقه قرار گرفت. اهالی روستا اکنون از سپاه و دیگر مقامات جمهوری اسلامی می خواهند که زمین های مصادره شده را به آنها واگذار نمایند. آنها به این ترتیب می توانند تولید محصولات کشاورزی را به میزان زیادی افزایش دهند.

می کرد. دشمنی های او با مردم پس از قیام نیز تا مدت ها ادامه یافته است این زمیندار بزرگ که مرگ خود را در پیروزی مبارزات انقلابی زحمتکشان می بیند، از هر وسیله برای ضربه زدن به انقلاب استفاده می کند. محمد بهرامی در پی آن برمی آید که بازهم حاصل کار کشاورزان را غصب کند. چندی پیش او می خواست چیزی جز محترم شمردن و قانونی دانستن ظلم و ستم و غارت زحمتکشان به دست سرمایه داران و زمینداران بزرگ نیست. اینان با دستاویز قرار دادن اسلام و مصالح مملکت و اعمال فشار به جمهوری اسلامی و حتی با ترور مسئولین هیئت های ۷ نفره به دست عوامل خود،

نیروهای انقلابی، از جمله روحانیون مبارز و بخصوص برعلیه آیت الله خمینی توطئه می کنند. زحمتکشان مبارز روستا! روحانیون طرفدار فئودال ها و بزرگ مالکین، فتوا صادر نمودند که قانون اصلاحات ارضی جمهوری اسلامی، "غیر اسلامی" و "غیر شرعی" است و نباید اجرا شود. لیبرال ها هم که به دروغ خود را "آزادخواه" و "وطن پرست" نشان می دهند، سپردن زمین به دهقانان را مخالف با "مصلح مملکت" می دانند. به روشنی پیداست که اسلام روحانیون مرتجع همان اسلامی است که منافع آمریکا و بزرگ مالکان را تأمین می نماید. مصالحی که لیبرال ها از آن دم می زنند،

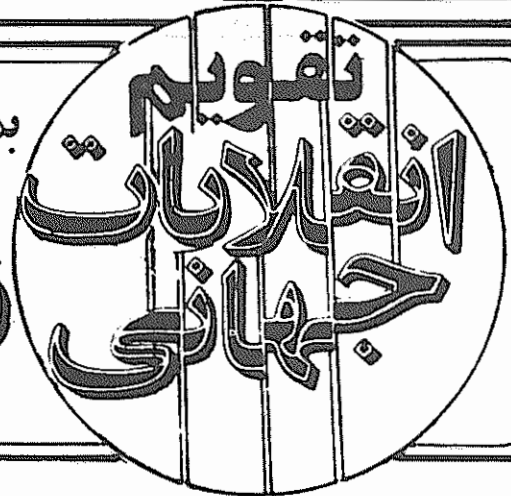
سرمایه داران وابسته و حامیان داخلی و خارجی آنها در ستیزند، هشدار می دهند که مسئله ارضی از مسائل کلیدی انقلاب ایران است اصلاحات ارضی بر سرنوشت انقلاب تاثیر حیاتی برجای می گذارد. لغو موقت بند "ج" مقاومت همه جانبه بخش عظیمی از نیروهای خلق را در برابر دشمنان انقلاب تضعیف می سازد. نامه زیر که توسط رفقای ما در زندان خطاب به دهقانان زحمتکش مازندرانی نوشته شده است، بیان کننده این خواست انقلابی زحمتکشان روستا در مازندران است: دهقانان مبارز مازندران: فئودال ها و زمینداران بزرگ یکی از پایگاه های امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و

ادامه پیدا کند، تلاش قابل تحسینی را در پیش گرفته اند اعتراض وسیع این هیئت ها در سمینار هیئت های هفت نفره به لغو بند "ج" نشانه میزان اهمیتی است که به اجرای بدون وقفه بند فوق می دهند. نیروهای ترقیخواه انقلابیون و به ویژه سازمان ما تاکنون بارها آثار زیانبار جلوگیری از اجرای کامل طرح اصلاحات ارضی، لغو بند "ج" و عقیم گذاردن فعالیت هیئت های هفت نفره را بر شمرده اند. اعضا و هواداران سازمان، در بسیاری از روستاهای میهن، در دل توده های میلیونی روستا، نقش پراهمیت اجرای بند "ج" و مبارزه با زمینداری بزرگ را با زحمتکشان روستا در میان می گذارند. رفقای ما با



مانع اجرای قانون اصلاحات ارضی شدند. متأسفانه مسئولین جمهوری اسلامی در برابر فشار ضدانقلاب عقب نشینی نموده، از اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی جلوگیری به عمل آوردند. متوقف نمودن اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی بقیه در صفحه ۱۸

## زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



مناسبت شانزدهمین سالروز آغاز مبارزه مسلحانه خلق فلسطین :

# فلسطین، نبرد تاپیروزی

انقلابی فلسطینی را ایجاد نمود. با گسترش جنبش مقاومت فلسطین و تبدیل آن از جنبش پراکنده به یک جنبش سراسری، مبارزات خلق فلسطین علیه صهیونیست‌ها و امپریالیسم وسعت گرفت و جنبش مقاومت خلق فلسطین به‌زودی طی دوره کوتاهی در پیشاپیش جنبش آزادیبخش خلق‌های منطقه و در صفوف مقدم مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم قرار گرفت.

در سال ۱۹۴۷ گروه‌های تروریستی صهیونیستی برای بیرون راندن مردم فلسطین بیش از ۴۰۰ دهکده و آبادی را به آتش کشیدند تعداد زیادی از زحمتکشان فلسطینی را به قتل رسانده و عده بی‌شماری را آواره کردند. این حملات در ماه‌های قبل از تشکیل دولت اسرائیل به کشتارهایی چون دیراسین قبیله و... (به سرکردگی جنایتکارانی چون بگین، نخست‌وزیر فعلی "اسرائیل") منجر گردید تا بر ویرانه‌های این آبادی‌ها شهرک‌های "اسرائیلی" ایجاد شوند.

سرانجام در تاریخ ۱۴ مه ۱۹۴۸ پس از تصویب قطعنامه سازمان ملل (مبنی بر ایجاد دو دولت جداگانه در خاک فلسطین یکی در "مناطق یهودی‌نشین" و دیگری در مناطق "عرب‌نشین" و اعلام بیت‌المقدس به‌عنوان یک شهر آزاد که زیر نظر سازمان ملل می‌باید اداره شود) نیروهای اشغالگر انگلیسی (که تا آن زمان کنترل فلسطین را در دست داشتند) تمام تسلیحات نظامی خود را به نیروهای صهیونیست واگذار کرده و در تشکیل دولت اسرائیل فعالانه مشارکت نمودند. روز بعد صهیونیست‌ها تشکیل دولت اسرائیل را اعلام نمودند.

دولت "اسرائیل" که زاده همکاری و مشارکت بورژوازی یهود و امپریالیسم جهانی بود، از همان آغاز نقش پایگاه امپریالیسم در منطقه را برای مقابله با انقلاب خلق‌های عرب برعهده داشت. "اسرائیل" به‌عنوان پایگاه اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم می‌باید علاوه بر نقش سرکوبگرانه‌اش جاده نفوذ امپریالیسم در منطقه برای دست‌اندازی به منابع خام (بخصوص نفت)، ایجاد پیمان‌های نظامی و مستقر ساختن پایگاه‌های نظامی، دست‌اندازی بر بازار منطقه و... را هموار سازد.

همانطور که اشاره کردیم، در آستانه پیدایش دولت صهیونیستی اسرائیل موج مبارزه ملی سراسر جهان عرب را فرا گرفته بود و جنبش مقاومت فلسطین نیز از همان آغاز جایگاه ویژه‌ای در مبارزه انقلابی منطقه پیدا کرده بود. لذا امپریالیست‌ها که هنوز موجودیت "اسرائیل" را در خطر می‌دیدند، بلافاصله از همان آغاز سیل کمک‌های نظامی و اقتصادی خود را (تحت عنوان برنامه کمک ترومن) به دولت اسرائیل سرازیر کردند. و تحت عنوان "حفظ امنیت اسرائیل" در همان سال ۱۹۴۸ اولین جنگ با کشورهای منطقه را آغاز کردند که در نتیجه آن بخش غربی بیت‌المقدس و چند منطقه دیگر به اشغال بقیه در صفحه ۹

عرب تاثیر گرفته بود، در بسیاری از کشورها زیر رهبری آن قرار داشت. مصر تحت رهبری جمال عبدالناصر مبارزه برای ملی کردن کانال سوئز را آغاز نمود (۱۹۵۶) در سوریه و عراق حکومت‌های ملی و ضدامپریالیست مستقر گردیدند. انقلابات الجزایر (۱۹۶۱) و یمن جنوبی (۱۹۶۳) به‌سرعت در حال گسترش و کسب پیروزی بودند و بطور کلی جنبش آزادیخواهی و استقلال طلبی در یک سلسله کشورهای دیگر منطقه به‌سرعت در حال گسترش بود (مبارزه برای ملی کردن نفت در ایران نیز حلقه‌ای از این تحولات محسوب می‌گردد).

این تحولات که با رشد چشمگیر نیروهای انقلاب در سراسر جهان همراه بود. با مقاومت، توطئه‌چینی، تهدید و تجاوز نظامی امپریالیست‌ها روبرو بود. کشورهای امپریالیستی انگلستان، فرانسه و آمریکا (که اینک دیگر نقش سرکرده امپریالیست‌ها را به‌عهده گرفته بود) که در دوره قبل از جنگ دوم برای نابودی سوسیالیسم دست به همه‌گونه همکاری با فاشیست‌ها زده بودند، اینک در شرایط پیروزی‌های پی‌درپی نیروهای سوسیالیسم، طبقه کارگر جهانی و جنبش آزادیبخش دست به طرح استراتژی‌های جدیدی برای سرکوب موج انقلاب می‌زدند و هارتر از هر زمان، کوشش می‌نمودند تا انقلاب را در هر نقطه جهان که باشد، خفه سازند. امپریالیسم در این راه دست به اجرای پی‌ریزی سیستم نومیستمرانی، ایجاد پایگاه‌های نظامی، ایجاد حکومت‌های دست‌نشانده، تشدید جنگ سرد و ارباب اتمی و به‌سازش کشاندن نیروهای ملی از طریق ارباب و تطمیع و... می‌زد.

رشد جنبش آزادیبخش ملی در خاورمیانه که برای امپریالیست‌ها دارای اهمیت استراتژیک محسوب می‌شد منافع امپریالیست‌ها را با خطرات جدی مواجه کرده بود. آنها خود را با خطر از دست دادن منابع غنی نفت، آبراه‌های دریائی، بازار کالاهای امپریالیستی و پایگاه‌های نظامی مواجه می‌دیدند. بنابراین مسئله مقابله با جنبش انقلابی در خاورمیانه و سرکوب آن از همان آغاز، جایگاه مهمی در استراتژی ضدانقلابی امپریالیسم پیدا نمود.

تشکیل دولت اسرائیل با کمک و حمایت بی‌دریغ امپریالیست‌ها و محافل صهیونیستی بین‌المللی، کلید اصلی استراتژی امپریالیسم در مقابله با انقلاب آزادیبخش عرب در خاورمیانه محسوب می‌گردید. تنها در فاصله سال‌های ۳۶-۱۹۲۰ نزدیک به ۳۰۰ هزار نفر از یهودیان کشورهای مختلف به‌وسیله سازمان بین‌المللی صهیونیستی و امپریالیسم انگلستان به فلسطین مهاجرت داده شدند. گروه‌های تروریستی صهیونیستی در طی این سال‌ها عملیات سرکوب برای بیرون راندن فلسطینی‌ها از سرزمین‌هایشان را شروع کردند. مقاومت پراکنده‌ای که از طرف فلسطینی‌ها جریان داشت از سال ۱۹۳۵ اوج بیشتری یافت. این مبارزه که در آن زمان هنوز تحت رهبری نیروهای فتووالی و بورژوازی قرار داشت، نطفه پیدایش گروه‌ها و سازمان‌های

در سال‌های آخرین جنگ دوم جهانی، درحالی که جبهه نیروهای دمکراتیک و ضد فاشیستی به‌رهبری اتحاد شوروی آخرین ضربات را بر پیکر قوای فاشیسم وارد می‌کرد، تحولات نوینی در عرصه جهان به‌وقوع پیوست. شکست نهائی فاشیسم و میلیتاریسم و پیروزی کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی در یک سلسله کشورهای اروپا و آسیا و برقراری دمکراسی‌های توده‌ای در این کشورها و سپس پیدایش اردوگاه سوسیالیستی، محاصره امپریالیستی اتحاد شوروی را برای همیشه درهم شکست و تعادل قوای انقلاب و ضدانقلاب را به نحو چشمگیری به نفع نیروهای صلح، استقلال ملی، دمکراسی و سوسیالیسم برهم زد. در شرایط نوین جهان نیروهای امپریالیسم، ارتجاع و جنگ به‌شدت تضعیف شده بودند و سرمایه‌داری جهانی که تازه از بحران اقتصادی بیرون می‌آمد با طلایه‌های سومین بحران جهانی خود روبرو می‌شد که عی‌رقت پایه‌های سیستم جهانی سرمایه‌داری را دچار لرزه‌های کشنده‌تری سازد.

سیستم مستعمراتی آخرین مراحل فروپاشی خود را از سر می‌گذرانید. و با رشد جنبش آزادیبخش ملی در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین یک سلسله کشورهای نوین با درجات گوناگون وابستگی و یا استقلال پا به عرصه حیات نهادند. جنبش آزادیبخش ملی که از حمایت بی‌دریغ و همه‌جانبه جنبش جهانی طبقه کارگر و مولودش اردوگاه سوسیالیستی برخوردار بود، در آغاز نیمه دوم قرن حاضر سیر شتابان و توفنده‌ای یافت و در یک سلسله کشورها به پیروزی‌های چشمگیر و درخشانی نائل آمد. امپریالیسم جهانی که تا آن زمان هر جنبش آزادیخواهانه و استقلال طلبانه‌ای را به وحشی‌ترین شکل سرکوب می‌کرد، دیگر قدرت مانور خود را تا حد زیادی نسبت به سابق از دست داده بود و علیرغم حملات خشونت‌بار به یک سلسله جنبش‌ها، یارای نابودی آنها را نداشت. تهدیدات اتمی امپریالیسم آمریکا در سال‌های آخر جنگ نیز که برای مرعوب کردن خلق‌ها به‌کار می‌رفت، به‌زودی با دستیابی نیروهای سوسیالیستی به این سلاح، خنثی شده و شرایط فوق‌العاده مناسبی برای رشد و پیروزی جنبش‌های آزادیبخش ملی در جهان فراهم آمده بود. این جنبش‌ها توانستند علیرغم خشونت، سرکوب و تجاوز نظامی امپریالیسم به موفقیت‌های عظیمی نائل آیند.

در اوضاع و احوال نوین، خاورمیانه و کشورهای عربی منطقه دستخوش تحولات عمیقی گردید. به دنبال شکست نیروهای فاشیستی، مرزهای جدیدی در خاورمیانه شکل گرفت. کشورهای جدیدی چون سوریه، لبنان، پایره‌ریزی شدند. یک سلسله کشورها که مستعمره امپریالیست‌های اروپائی بودند، چون مراکش، تونس و... استقلال خود را باز یافتند.

جنبش آزادیبخش ملی در خاورمیانه عربی به‌شدت گسترش یافت این جنبش که شدیداً از ناسیونالیسم بورژوازی ملی و خرده‌بورژوازی



مجروح ساختند. در این درگیریها تعداد نامعلومی از شهروندان آلمانی مجروح و عدهای نیز بازداشت شدند.

### گسترش مبارزه در یمن شمالی

یکی از رهبران جبهه دمکراتیک ملی یمن شمالی اعلام داشت که از دوماه پیش تاکنون نبرد میان چریکهای این جبهه و نیروهای رژیم وابسته یمن شمالی شدت یافته است. وی گفت همزمان با اوجگیری مبارزه در یمن شمالی نیروهای دولتی چندین دهکده را مورد حمله قرار داده و طی هفتههای اخیر هواپیماهای جنگنده یمن شمالی با بمباران اجتماعی در یکی از دهکدههای این کشور تلفاتی را وارد آوردهاند. جبهه دمکراتیک ملی یمن شمالی با رژیم ارتجاعی و وابسته یمن شمالی در نبرد می باشد و تاکنون به موفقیتهای شایان توجهی دست یافته است.

### اخبار کوتاه

● تعداد بیکاران در انگلستان به رقم ۲۲۴۲۴۰۰۰ نفر رسید که این رقم ۹/۳ درصد جمعیت فعال این کشور می باشد.

● ضیاء الحق دیکتاتور پاکستان به دعوت همتای نظامی اش ژنرال کنعان آورن از ترکیه دیدار خواهد کرد.

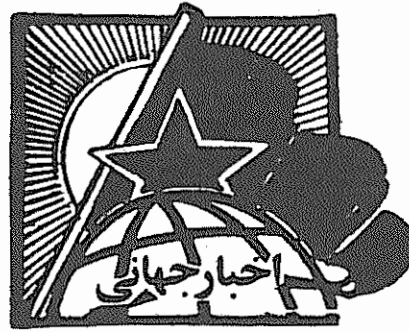
● بیش از ۷ هزار معلم دبستان و دبیرستان در کرانه غربی رود اردن با خواست اضافه حقوق به میزان صد درصد دست به اعتصاب زدند.

● تعداد بیکاران آلمان غربی در پایان سال ۸۱ به رقم ۱۲۵۰۰۰۰ نفر خواهد رسید.

● در شوروی اعلام شد که در فاصله سالهای ۱۹۸۰-۱۹۷۶، ۵۰ میلیون نفر به آپارتمانهای جدید منتقل شدهاند.

● به اصطلاح "مبارزین" افغانی طی دیداری از کارخانه اسلحه سازی مصر، موشک ضد تانک و نارنجک دستی "هدیه" گرفتند تا به وسیله آن علیه رژیم مترقی افغانستان بجنگند.

آزادبخش عربی و در پیابیش آن جنبش مقاومت فلسطین روبرو بودند، اینک پس از تحکیم سلطه "اسرائیل" بر سرزمینهای اشغالی با پیش بردن سیاست نه جنگ، نه صلح، سیاست فشار، ارباب و در عین حال به سازش کشاندن نیروهای ملی و منفرد ساختن نیروهای انقلابی منطقه، مرحله جدیدی برای تسلط بر خاورمیانه و مهار جنبش ملی عرب را آغاز کردند. ملک حسین پادشاه اردن با پیروی از همین سیاست امپریالیستی در سپتامبر ۱۹۷۰ جنگ خونینی را علیه پایگاههای جنبش مقاومت در اردن به راه انداخت و با قتل و کشتار هزاران فلسطینی به پیشبرد این سیاست امپریالیستی یاری رسانید. از جمله مهمترین تغییر و تحولات دیگری که در عرصه خاورمیانه به ظهور رسید، استحاله رژیم مصر و قدرت یابی بورژوازی سازشکار این کشور بود که تحت رهبری سادات خائن سرعت روند وابستگی به امپریالیسم را احیاء کرد. این تحول که در آستانه جنگ ۷۳ اعراب و اسرائیل آخرین مراحل خود را طی می کرد، پس از این جنگ به آشکارترین شکل نمایان گردید. ادامه دارد



### کیسینجر: زمان آن رسیده است که اردن

هم به کمپ دیوید پیوندد

هنری کیسینجر وزیر امور خارجه سابق آمریکا طی دیداری از مصر با سادات دیدار و گفتگو کرد.

کیسینجر در مصاحبههای پس از اشاره به قرارداد کمپ دیوید گفت:

"احتمالا هم اکنون وقت آن رسیده که اردن نیز در مذاکرات ۱۹ ماهه بین "اسرائیل"، مصر و آمریکا درباره خودمختاری فلسطین در کرانه باختری رود اردن و نوار غزه شرکت جوید."

کیسینجر در ادامه مسافرتش به کشورهای آسیایی و آفریقایی به "اسرائیل" و سومالی نیز سفر کرد. به قرار اطلاع در سومالی مسئله ایجاد پایگاههای جدید نظامی آمریکا در این کشور مورد بحث و توافق نظر قرار گرفته است. در این دیدار زیاد باره رئیس جمهور سومالی ضمن اظهار خشنودی از گسترش کمکهای نظامی آمریکا به سومالی اظهار امیدواری کرد که در آینده این کمکها افزایش یابد.

از سوی دیگر مصر اعلام کرد که کمکهای نظامی در اختیار سومالی قرار خواهد داد.

### کمبود مسکن در آلمان غربی

در هفته گذشته شهروندان آلمان غربی در اعتراض به کمبود مسکن دست به تظاهرات خشونت آمیزی در شهرهای این کشور زدند. آلمانیها که با کمبود شدید مسکن مواجه هستند پس از حمله به فروشگاهها و شکستن شیشههای مغازهها، در مواجهه با پلیس آلمان با سنگ و بطری به آنها حمله کرده و عدهای از آنان را

نمی تواند اهداف انقلابی خلقهای منطقه را برآورده سازد بلکه آزادی فلسطین تنها با اتکاء همه جانبه بر قدرت انقلابی خلقهای منطقه و در پیوند با نیروهای انقلاب جهانی میسر است. استراتژی جنگ مسلحانه آزادیبخش برای فلسطین اشغالی مورد حمایت روز افزون تودههای عرب قرار گرفت.

جنگ تجاوزگرانه ۶۷ صهیونیستها علیه اعراب که مورد حمایت امپریالیستها قرار داشت در اثر مخالفت و مقابله جدی اردوگاه سوسیالیسم (کشورهای سوسیالیستی بدین منظور یک کنفرانس فوق العاده تشکیل دادند) و همچنین قطعنامه سازمان ملل که تخلیه سرزمینهای اشغالی را مطرح می کرد، متوقف شد. اما دولت صهیونیستی اسرائیل در فاصله کوتاهی سیاست الحاق سرزمینهای اشغالی را در پیش گرفت و ایجاد شهرکهای "اسرائیلی" در مناطق اشغالی را در برنامه کار خود قرار داد. در نتیجه جنگ، تعداد فلسطینیهایی که از سرزمینشان رانده شدهاند به ۱/۵ میلیون نفر رسید.

امپریالیسم آمریکا و صهیونیستها که در سالهای پس از جنگ ۶۷، رشد فزاینده جنبش

بقید از صفحه ۸



### بمناسبت

### شازدهمین سالروز

صهیونیستها در آمد و دولت "اسرائیل" بعدا این شهر را رسماً به عنوان پایتخت خود اعلام نمود. در سالهای بعد "اسرائیل" با ترغیب امپریالیستها، تجاوزات و درگیریهای مرزی با کشورهای عربی منطقه را گسترش بخشید و در چارچوب استراتژی امپریالیسم در سال ۱۹۵۶ به همراهی نیروهای نظامی امپریالیستها فرانسه و انگلستان، خاک مصر را که برای ملی کردن کانال سوئز مبارزه می کرد - مورد حمله و تجاوز قرار داد. دو سال بعد "اسرائیل" در چارچوب دکترین آیزنهاور که ایجاد پایگاههای مطمئن برای امپریالیسم در خاورمیانه را مد نظر قرار می داد به لبنان وارد حمله برد.

طی این سالها بیش از یک میلیون نفر از مردم فلسطین از سرزمین خود آواره شدند که در اردوگاههایی در کشورهای همجوار مثل اردن، لبنان، سوریه و... مستقر شدند. صهیونیستها علیرغم تمام اعتراضات جهانی و مقاومت خلقهای منطقه، همچنان به سیاست تجاوز و برقراری سیستم فاشیستی در مناطق اشغالی ادامه دادند.

تحت این شرایط بود که بعد از سالها سازماندهی و مبارزه مخفی در اول ژانویه ۱۹۶۵ سازمان الفتح با اجرای اولین عملیات نظامی در خاک فلسطین اشغالی اعلام موجودیت نمود و دوره نوینی از مبارزات خلق فلسطین برای بازپس گرفتن سرزمین مادری و درهم شکستن نیروهای متجاوز بنیان گذارده شد. جنبش مقاومت فلسطین به زودی در میان تودهها از نفوذ و اعتباری روزافزون برخوردار گردید و در سالهای پس از آن سازمانهای دیگر فلسطینی نیز شکل گرفتند و جنبش مقاومت فلسطین با پیدایش سازمان آزادیبخش فلسطین که متحد کننده تمام نیروهای جنبش مقاومت بود، در راس مبارزات انقلابی خلقهای منطقه قرار گرفت.

در ۲ ژوئن سال ۶۷ دولت به اصطلاح "اتحاد ملی" که از راستترین جناحهای بورژوازی نژادپرست یهود تشکیل شده بود، زمام حکومت صهیونیستی را در دست گرفت و ایجاد "سرزمین بزرگ اسرائیل" را برنامه خود قرار داد. این سیاست توسعه طلبانه صهیونیستها که مورد حمایت امپریالیسم قرار داشت، مرحله جدیدی از تجاوزگری صهیونیستی و حمله به جنبش ملی عرب را آغاز نهاد. ۳ روز بعد دولت صهیونیستی جنگ تجاوزگرانه ژوئن ۶۷ را آغاز نمود و بخشهایی از مصر (سینا)، اردن، (ساحل رود اردن با جمعیتی نزدیک به یک میلیون نفر) را اشغال نموده و بخش شرقی بیت المقدس را نیز تحت کنترل خود درآورد.

در این جنگ ارتشهای عربی دچار شکست سختی شدند. اما نیروهای نظامی جنبش مقاومت فلسطین که در این جنگ شرکت داشتند، موفق شدند در الکرام ضربه سختی بر ارتش صهیونیستی وارد کرده و آن را مجبور به عقب نشینی سازند. این پیروزی و پیروزیهای دیگر جنبش مقاومت، باعث اعتبار روزافزون نیروهای جنبش آزادیبخش و پائین آمدن اعتبار ارتشهای کلاسیک عربی شد. پی آمد تحولات ژوئن ۶۷ علیرغم شکست نظامی اعراب و اشغال مناطق جدید به وسیله اسرائیل، نقطه عطفی در مبارزات خلقهای عرب علیه صهیونیسم و امپریالیسم ایجاد نمود. خلقهای عرب بیشتر و بیشتر دریافتهاند که اتکاء بر ارتشهای عربی برای آزادی فلسطین و بازپس گرفتن سرزمینهای اشغالی

## چگونه لیبرال ها در کارخانجات اخلاص می کنند؟

مواد اولیه مواجه است و وام های ضروری کارگران نیز قطع شده است. مدیریت همچنین سعی دارد واحد بسیار ضروری ماشین سازی کفش ملی را با ۱۳۰ کارمند فنی آن، که کار تعمیر و راه اندازی دستگاهها را به عهده دارند، به بهانه مشکلات مالی منحل کند.

۹- در راه آهن سراسری که بعد از انقلاب، مزدوران شناخته شده های چون خبیری و اوینی در رأس آن بودند، ( این عناصر در اثر مبارزه پیگیرانه کارکنان انقلابی راه آهن اخراج شدند) عناصری چون عمادی ها، قدیمی ها، حسینی فرها و ... که اکنون نیز در برخی از ارگان های مسئول راه آهن، جا خوش کرده اند، بخش مهمی از امکانات تولیدی و خدماتی راه آهن را بلااستفاده گذاشته و به بهانه کمبود لوازم یدکی و ... بسیاری از واگن ها را از رده خارج کرده اند.

در حالی که بسیاری از ادوات و لوازم مورد نیاز را می توان در کارخانه های ماشین سازی تبریز اراک و ... تهیه نمود.

کارگران و کارمندان مبارز راه آهن پس از مدتها مبارزه و تلاش و پس از تشکیل کمیته های خودکفائی و جهاد سازندگی در راه آهن، اکنون توانسته اند تا اندازه های برخورد سری های مدیران لیبرال لگام زنند و امر تداوم تولید و راه اندازی ابزارها را پیش ببرند. بطور مثال از ۴۵۰ دیزل موجود که تنها ۴۰ دستگاه آن مشغول به کار بود به همت انقلابی کارگران و کمیته های جهاد، به ۱۰۰ دستگاه افزایش یافته است.

۱۰- مدیر عامل لیبرال کارخانه ماشین سازی اراک با حمایت دادستان انقلاب شورای کارخانه را منحل نموده و حکم اخراج چند تن از نمایندگان کارگران را صادر می کند. این کارگران از جمله کارگران مبارزی بودند که سهم زیادی در ارتقاء آگاهی و تشکل کارگران داشته اند، و حتی چند تن از آنان هم اکنون نیز در جبهه ها علیه متجاوزین عراقی می جنگند. این اقدام ضد کارگری و ضدانقلابی در شرایطی صورت می گیرد که مدیریت این واحد در صدد بازگرداندن چند تن از کارکنان ضدانقلابی است که قبلا توسط شورای کارخانه تصفیه و اخراج شده بودند.

۱۱- مدیریت جدید کارخانه مینو در اولین اقدام خود، شورای بخش خوراک را تحت فشار گذاشت تا شورا خود را منحل اعلام کند. و سه تن از عمال شناخته شده خسروشاهی (سرمایه دار وابسته) را که قبلا توسط هیئت مدیره پیشین و به کمک کارگران تصفیه و اخراج شده بودند، بر سر کار بازگرداند. این سه تن از عوامل اصلی خلع ید از هیئت مدیره قبلی ( که در مجموع مترقی بود) بودند. این خلع ید با همکاری و حمایت برخی از مسئولین لیبرال وزارت صنایع و معادن صورت گرفت.

۱۲- در کارخانه های صنایع چوب، فیلیپس، هوست، و رادیو شهاب شوراهائی وجود دارند

۲- مدیریت مختلط ژاپنی - ایرانی شرکت "کوماگائی" که ساختمان تونل سد لار را در دست اجرا دارد، تاکنون چندبار سعی کرده است کارگاهها را تعطیل نماید ولی هر بار با مقاومت یکپارچه کارگران روبرو شده است.

۳- در کارخانه پارس الکتریک، یک شبکه ضد انقلابی با حمایت مدیران لیبرال سازماندهی شده بود که در رأس آن یک مدیر آلمانی قرار داشت و این شبکه در اثر هشیاری کارگران کشف شد.

۴- مدیر لیبرال و ضد کارگر کارخانه ایران سایپا ( سیتروئن) که از جمله مدیران انتصابی وزارت صنایع و معادن بود، به دنبال اخلاص لگاری های مکرری در تولید و نظم کارخانه، اخراج شد.

۵- یکی از مدیران لیبرال کارخانه ماشین سازی پارس ( تهران) به نام همایونی، به واسطه کارشکنی های پیاپی در امر تولید و توطئه چینی علیه کارگران، توسط شورای کارخانه اخراج شد.

ما بارها و بارها بر ضرورت مبرم افشای اخلاص لگاری های مدیران لیبرال در کارخانجات تاکید کردیم. از آغاز جنگ تحمیلی تاکنون سرمایه داران لیبرال یک دم از اخلاص در تولید و تشکل های مبارزاتی کارگران و کارمندان غافل نبوده اند.

۶- مدیر عامل کارخانه زامیاد ( تهرانی) طی هفته های اخیر با توطئه و تحریک مانع از تغییر تولید کارخانه ( با همکاری هندوستان) شده است. و در مقابل، تحکیم رابطه با امپریالیسم ژاپن را تبلیغ می کند. از آنجا که تغییر خط تولید در این کارخانه ضرورت تداوم تولید و پاسخگویی نیازهای شرایط جنگ است، کارگران این توطئه و اخلاص در تداوم تولید را افشا کرده اند.

۷- در کارخانه پوشاک تهران مدیریت لیبرال کارخانه و در رأس آن صباغیان ( برادر لیبرال معروف) مدتی است که با مسامحه و اخلاص در تامین بازار فروش برای کالاهای تولیدی این واحد، عملا زمینه تعطیلی این کارخانه را فراهم می آورد. کارگران و کارمندان مبارز این واحد این توطئه را مکررا افشا کرده اند.

۸- در کارخانه کفش ملی، با آنکه این واحد سخت در مضیقه مالی قرار دارد، مدیریت کارخانه نیم میلیون تومان از سرمایه کارخانه را به یک طرح غیر ضروری اختصاص داده. حال آنکه علاوه بر مشکلات مالی، کارخانه با کمبود

هم زمان با تحمیل جنگ تجاوزگرانه رژیم عراق به میهن ما، فصل جدیدی در توطئه چینی های همه جانبه امپریالیستی علیه انقلاب ایران گشوده شد. در این میان عرصه تولید، بیش از پیش آماج دسائس امپریالیستی گردید و صف انقلاب و ضدانقلاب در کارخانجات آشکارتر شد.

طبقه سرمایه دار ایران به زعم خود فرصتی طلائی یافت تا همه سلاح های موجود در زرادخانه توطئه و اخلاص را علیه انقلاب ایران بیازماید. سرمایه داران و مدیران لیبرال و عوامل مزدورشان عرصه کارخانجات را کانون خرابکاری و اخلاص کردند. اخلاص در تولید، مسامحه در تحویل مواد اولیه و سوخت، خرابکاری ادوات، اخراج و تعلیق کارکنان انقلابی و بازگرداندن کارکنان مزدور، کارشکنی در راه تشکل های کارگری و انحلال آنها و ...

و این، بیش از پیش لزوم افشای پیگیرانه توطئه های مدیران لیبرال و تصفیه انقلابی آنان را از عرصه تولید و جامعه نشان می دهد. ما بارها و بارها، بر ضرورت مبرم افشای اخلاص لگاری های مدیران لیبرال در کارخانجات تاکید کردیم. و در این رابطه نیز توطئه انتصاب "هسته ای" (معاون سابق وزارت صنایع و معادن و مزدور ساواک) را با عواقب مخربی که به دنبال داشت، در شماره های گذشته "کار" افشا کردیم و نوشتیم که چگونه این عنصر لیبرال و ساواکی، در دوران معاونتش توانست به کمک همکاران ضدانقلابی متجاوز از سیصد مدیر را (که بسیاری از آنها مانند خود او لیبرال و ساواکی بوده اند) به مدیریت واحدهای تولیدی بزرگ منصوب نماید و این تنها یکی از موارد متعدد توطئه های سرمایه داران لیبرال در حاکمیت بود. حاصل اینگونه توطئه ها چه می توانست باشد؟ جز تداوم توطئه های ضدانقلابی در واحدهای تولیدی بزرگ و مهم کشور؟ از آغاز جنگ تحمیلی تاکنون نیز سرمایه داران لیبرال یک دم از اخلاص در تولید و تشکل های مبارزاتی کارگران و کارمندان غافل نبوده اند. این لیبرال های اخلاص در برخی موارد این فرصت را یافتند که در لباس انجمن اسلامی کارخانجات و یا با استفاده از ضعف و تزلزل آنها، به تشکل های کارگری و منافع کارگران ضرباتی وارد آورند. مبارزات کارگران طی هفته های اخیر بیش از پیش موید این تجربه است که مبارزه انقلابی در جریان گسترش خود با اشکال متنوعی از تحریک، توطئه و تجاوز ضدانقلاب مواجه می شود. آنچه که ذیلا می آید نمونه هایی از این اشکال متنوع توطئه و اخلاص سرمایه داران و مدیران لیبرال و عوامل مزدورشان است. همه این اشکال متنوع جلوه هایی از تاکتیک واحدی است به نام اخلاص در تولید و تشکل های مبارزاتی کارگران:

۱- کارخانه سیکو به علت مسامحه مدیریت لیبرال آن در وارد کردن مواد اولیه، قریب دو ماه تعطیل شد.

گسسته باد همه وابستگی های اقتصادی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا



بقیه از صفحه ۱۰

## چگونه لیبرال...

که در مجموع و علیرغم بسیاری ضعفها و نارسائیها، مترقی اند ولی مدیران این واحدها شوراها را مانع خودسریهایشان یافتهاند و به انحاء مختلف از جمله طرح " غیر قانونی بودن شوراها " و "اخلال در تولید" ، "عدم صلاحیت و تخصص" می کوشند شوراها را یا منحل کنند و یا به ابزار بلااراده خود بدل کنند .

۱۳- برخی از مدیران اخراجی پالایشگاه تهران، باردیگر بر سر کار بازگشتهاند و با حفظ همان سمتها به مدیریت پالایشگاههای تبریز و اصفهان رسیدهاند .

۱۴- مدیر ضد کارگر و ضدانقلابی کارگاه ریختهگری ماشین سازی اراک در امر تولید بطور مکرر اخلال و توطئه می کند و این با توجه به کمبود برخی از وسایل اولیه تولید ( الکتروود کوره های ذوب ) موجبات کاهش چشمگیر سطح تولید را فراهم آورده است

۱۵- مدیریت کارخانه چیت ممتاز پنج تن از کارکنان ضدانقلابی اخراجی را که برخی از آنها سابقه اختلاس از شرکت تعاونی کارکنان را نیز داشتهاند و در این رابطه افشاء و طرد شدهاند بار دیگر به کارخانه بازگردانده است کارگران مبارز این واحد این اقدام توطئه گرانه مدیریت لیبرال کارخانه را طی اعتراضاتی چند، افشا کردهاند .

۱۶- ۱۲ تن از کارکنان مترقی توانیر " توسط انجمن اسلامی" این واحد که زیر نفوذ مدیران لیبرال است به حالت تعلیق و اخراج درآمدند . ۱۷- در کارخانه های دون پاکستر و پارس الکتریک نیز که انجمن های اسلامی شان در مجموع زیر نفوذ لیبرالها هستند چند تن از کارکنان مبارز و انقلابی در معرض اخراج قرار دارند .

۱۸- در کارخانه سیمان تهران به دنبال ملی شدن باقیمانده سهام صاحب کارخانه، عوامل ضدانقلابی و مزدور سرمایه دار دست به خرابکاری مستقیم در امر تولید زدند که هشیاری و مجاهدت کارگران در بی اثر کردن این اقدام ، مانع از کار افتادن کارخانه گردید .

۱۹- در کارخانه چیت تهران، مدیریت کارخانه به منظور اخلال در تولید ، در پوشش شعارهای بظاهر انقلابی دست به اخلال می زند . بدین معنی که با وجود اطلاع از فرسودگی ماشینها و کمبود قطعات یدکی سعی دارد آنچنان از ماشینها کار بکشد که از کار بیفتند . مدیریت این واحد لزوم افزایش تولید و کار مداوم را شعار خود قرار داده است .

۲۰- در کارگاه ریختهگری ماشین سازی اراک مدیریت کارخانه به نحوی تحریک آمیز ( و بدون در نظر گرفتن مصالح کارگران ) ساعات کار را خودسرانه افزایش داده تا موجبات اعتراض کارگران و تعطیل کار را فراهم آورد . یکی از کارگران مبارز این واحد در افشای این توطئه مدیریت چنین گفته است :

" مدیرعامل می خواهد هر طوری شده اینجا را شلوغ و تعطیل کند "

۲۱- در کارخانه آلومینیوم سازی اراک مدیریت کارخانه شورا را محل اقدامات ضدانقلابی خویش می بیند و سعی در انحلال آن دارد . کارگران مبارز و آگاه آلومینیوم سازی

از میان اعلامیه ها و نشریات  
هواداران سازمان

هر هفته انبوهی از اعلامیه ها ، نشریات ، تراکت های هواداران سازمان به دست ما می رسد . از آنجائی که انعکاس کامل این اعلامیه ها مقدور نیست ، ما بر آن شدیم که از این پس با چاپ عنوان و خلاصه ای از مضمون این اعلامیه ها در این ستون ضمن انعکاس گوشه ای از فعالیت تبلیغی هواداران سازمان این تلاش پیگیر را ارج نهیم .  
تحریریه "کار"

★ - هواداران سازمان در همدان تراکتی منتشر کرده اند که در قسمتی از آن چنین آمده :  
برای آنکه از میهن خود در برابر تجاوزگران دفاع کنیم و در این پیکار عظیم ضدامپریالیستی پیروز شویم ؛ باید مردم همه باهم در یک جبهه واحد ضدامپریالیستی متحد شوند . همچنین اتحاد با دوستان و متحدان خلق ، در سراسر جهان یک شرط اساسی و ضروری برای پیروزی است .

★ دانش آموزان پیشگام خرم آباد در اعلامیه ای تحت عنوان :  
" دستگیری دانش آموزان ادامه سیاست تفرقه افکنانه آقای مشکینی لرستان "  
ضمن اشاره به وقایع اخیر خرم آباد که منجر به شهادت رفیق پیشگام مزگان آسدی گشت ، این اعمال جنایتکارانه را محکوم کرده اند .

★ - شماره ۲۵ ( سال دوم ) رزم کارگر نشریه شاخه گیلان در نیمه اول دی منتشر شد .  
" هیئت بازرسی مسئله "شکنجه" باید کمیته باقرآباد را منحل و حامیان آن را در پیشگاه خلق افشاء سازد " سرمقاله این شماره رزم کارگر است .  
در قسمتی از این مقاله آمده است :  
" علیرغم اینکه پس از پیروزی قیام اعمال شکنجه بر زندانیان به سیاست حاکم بر زندان های جمهوری اسلامی ایران تبدیل نگشته است ، ما شاهد موارد متعددی از اعمال فشار و شکنجه بوده ایم . نمونه های غیرقابل انکاری در دست است که هواداران سازمان های سیاسی ضد

اقدامات انحلال طلبانه مدیریت را این چنین افشا کرده است :

" شورا از نظر شما جرم کرد و جرم آن نیز این است :

۱- اختصاص دادن ۱۳۰ هزار تومان پول سندیکای سابق کارگران برای جبهه .

۲- اختصاص دادن یک روز حقوق کارمندان و جمع آوری ۲۴ هزار تومان دیگر از میان کارگران و کارمندان برای جبهه .

۳- تشکیل کمیته امداد .

۴- اعزام ۲۴ نفر از کارکنان به جبهه جنگ ( که ۴ نفرشان از اعضا همین شورا هستند ) .

اینهاست "جرایم" شورا ! به نظر ما اینها فقط از نظر آمریکا و عراق جرم است آقای مدیر

امپریالیست در تعدادی از کمیته ها و نه همه آنها مورد ضرب و شتم قرار گرفته اند " و سپس خواهان تصفیه عناصر ضد انقلاب در "کمیته باقرآباد" شده است .  
اختراع کارگر انقلابی توشیا ، پشتیبانی زحمتکش روستای کلایه از اقدامات انقلابی سپاه پاسداران ، گرمی داشت میرزا کوچک خان و شهدای آذرماه سازمان از دیگر مطالب این شماره است .

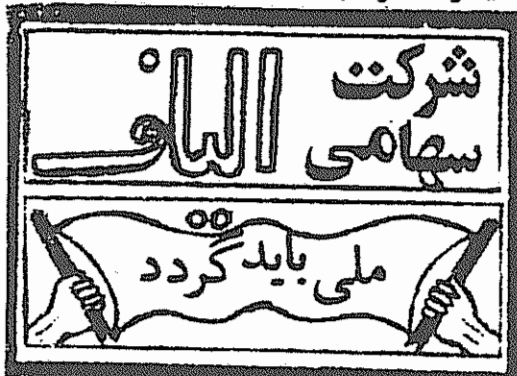
سالگرد حماسه آفرینی مردم مشهد  
★ - " نهم و دهم دی سالگرد حماسه آفرینی های مردم در مقابل، کشتار وحشیانه مزدوران شاه را با اتحاد و یکپارچگی خود علیه تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم عراق گرمی بداریم . " عنوان تراکت هواداران سازمان در خراسان است . این تراکت با تصویر پر شوری که نشان دهنده مقاومت و اتحاد زحمتکش علیه مزدوران شاه در روزهای انقلاب است ، همراه می باشد .

★ - جوانان پیشگام تربت حیدریه نیز به همین مناسبت اعلامیه ای دادند و ضمن آن خواستار اتحاد کلیه نیروهای ضدامپریالیست شدند .

زمانه را می بینید؟

★ کارگران پیشرو گیلان کاریکاتوری از لیبرال های کهنه کار، قطب زاده و بازرگان کشیده اند که در مقابل آنها چند کارگر ایستاده اند و چنین می گویند :

" زمانه را می بینید؟ " نمایندگان سرمایه داران نظیر بازرگان که کارگر و دهقان را "ضدانقلاب" می خواند ، که چرا شورا می خواهید؟  
قطب زاده که نخستین سانسورچی بعد از انقلاب بود ، همگی " حرف حق گو" و "آزادیخواه" از آب درآمده اند .



کارگران پیشرو الیاف در تراکتی با عنوان فوق ، خواهان ملی شدن کارخانه الیاف شده اند .

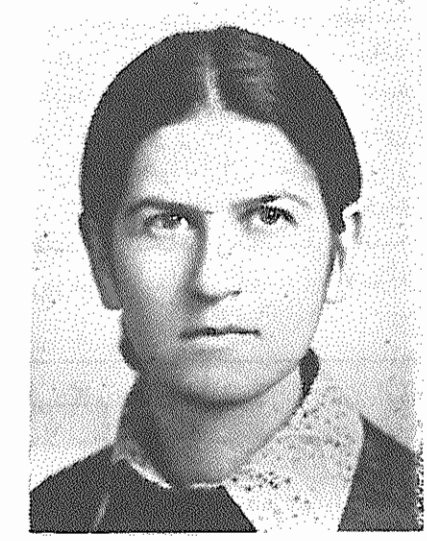
عامل !

۲۲- و سرانجام باید از کارشکنی های پنهان و آشکار سرمایه داران و مدیران لیبرال و مسئولین وزارت صنایع و معادن در امر تدوین نهائی و اجرای طرح ارزشیابی مشاغل سخن گفت . آنان به انواع تحریکات متوسل شده اند تا مانع از اجرای طرح مترقی ای در مورد سیستم مزد شوند ، و با کارشکنی ها و سنگ اندازی های مداوم حتی مسئولین وزارت کار را نیز از اجرای این طرح برحذر داشته اند . زیرا " مصالح " انقلاب را در تداوم قوانین و طرح های آریامهری می بینند . غافل از آنکه طبقه کارگر ایران از طریق تشکل های واقعی اش تمامی این توطئه ها و تشبثات مذبحانه را نقش بر آب خواهد کرد .

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

# مصاحبه رفیق رقیه دانشگری با یکی از روزنامه‌های عصر



فدائی خلق، رفیق رقیه دانشگری

**چند هفته پیش یکی از روزنامه‌های عصر ضمن طرح سه سؤال در مورد مسائل جهانی، جمهوری اسلامی و آزادی‌های سیاسی، از سازمان ما خواست که نظرات خود را در این زمینه‌ها برای درج در آن روزنامه ارسال دارد. از طرف سازمان رفیق رقیه دانشگری مسئول پاسخگویی به این سؤالات شد.**

**مطلبی را که در زیر مطالعه می‌کنید، پاسخ‌هایی است که رفیق دانشگری برای نشریه مزبور فرستاده است. از آنجایی که متن این مصاحبه تاکنون چاپ نشده است سازمان لازم دید که راساً اقدام به چاپ این مصاحبه نماید:**

لیبرال‌ها را بخورد و کشورهای سوسیالیستی را در جرگه کشورهای امپریالیستی قرار دهد آن وقت نمی‌تواند در جهان حتی یک کشور مستقل هم نشان دهد. زیرا همه دولت‌هایی که با امپریالیسم در حال پیکارند، همه و همه از پشتیبانی دولت طبقه کارگر و احزاب طبقه کارگر و دیگر کشورها برخوردارند. مگر نه اینکه تمام کشورهای که جمهوری اسلامی، آنها را دوست خود می‌داند، اتحاد شوروی را بزرگترین دوست خود می‌دانند؟ شما حتی یک نمونه استثنا را هم نمی‌توانید نشان دهید.

ما می‌گوئیم کشورهای سوسیالیستی و همه کشورهای استقلال یافته، متحدین خلق‌های میهن ما هستند. برای درهم شکستن امپریالیسم و متحدین و دوستان آن، جمهوری اسلامی باید از حمایت متقابل دوستان انقلاب مردم برخوردار شود.

۲ - موضع سازمان شما در قبال جمهوری اسلامی ایران چیست؟

● شعار اساسی سازمان ما در این مرحله از تکامل انقلاب تامین استقلال، کار مسکن و آزادی برای تمام خلق‌های میهنمان است. برانداختن سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و تحکیم استقلال میهن مقدم‌ترین و مبرم‌ترین خواست مردم ماست. اکنون که دوسال از تاسیس جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد با استناد به کارنامه آن روشن‌تر می‌توان درباره آن قضاوت کرد. دستگیری و مجازات سران جنایتکار رژیم شاه و سرکوب توطئه‌های ضدانقلاب، قطع بسیاری از بندهای وابستگی ما به امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیست‌ها، مثل لغو قراردادهای امپریالیستی، بیرون کردن مستشاران کشورهای امپریالیستی، افشای چهره کریه جنایتکار و تجاوزگر امپریالیسم آمریکا در میان مردم امری که دانشجویان خط‌امام در آن سهم شایسته‌ای برعهده داشتند و صدها اقدام دیگر نشان می‌دهد که بارزترین و مهمترین ویژگی این جمهوری ضدیت آن با سیستم جهانی امپریالیستی به سرکردگی امپریالیسم آمریکاست. همه خلق‌های جهان در پیکار عادلانه‌ای که میان این جمهوری و امپریالیسم جهانی جریان دارد، از جمهوری اسلامی پشتیبانی می‌کنند. در این پیکار همه احزاب واقعی طبقه کارگر، همه نیروهای مدافع مردم زحمتکش، همه دشمنان امپریالیست‌های جنایتکار جهان در هر کجا که باشند، بلا استثنا از جمهوری اسلامی ایران حمایت می‌کنند. همه دولت‌های امپریالیستی، همه رژیم‌های ارتجاعی دست‌نشانده امپریالیسم، تمام احزاب مدافع سرمایه‌داران بزرگ، بلااستثناء از دشمنان جمهوری اسلامی ایران و بخصوص از ضدانقلاب داخلی پشتیبانی می‌کنند.

حمایت از جمهوری اسلامی بدون حمایت از خط‌امام در برابر ارتجاع داخلی و جهانی حرف بوج و بی‌معناست. در شرایط فعلی وجه مشخصه نیروهای مدافع انقلاب ایران، پشتیبانی از جمهوری اسلامی در برابر امپریالیسم جهانی و پشتیبانی از خط‌رهبری آن یعنی خط‌امام در برابر لیبرال‌ها و دسیسه‌های دستجات وابسته به امپریالیسم است.

همچنین وجه مشخصه دشمنان انقلاب ایران

بقیه در صفحه ۱۳

امپریالیست، میلیون‌ها نفر را در کوره‌های آدم‌سوزی به خاکستر بدل کرد کاری بهتر از کشتار هزاران ویتنامی توسط آمریکا انجام داد! یا کشتار هزاران رزمنده الجزایری و ویتنامی که به دست ارتش جنایتکار فرانسه امپریالیست صورت گرفته است، یا جنایات وحشیانه آمریکا تفاوت می‌کند. دولت چین با پیروی از نظریه ارتجاعی سه‌جهان "خدمت بزرگی به امپریالیسم کزد. چین هم اکنون خود به سود امپریالیسم و به زیان خلق‌های جهان عمل می‌کند. ما سیاست‌های دولت چین را دقیقاً همسو با امپریالیسم و در خدمت دشمنان مردم می‌دانیم. اکنون کار حکومت چین به آنجا کشیده است که افشای بی‌پرده ماهیت ضدانقلابی آن، جزئی از مبارزه همه خلق‌ها علیه ارتجاع جهانی است.

تاریخ نشان می‌دهد که خلق‌ها بدون همکاری متقابل با دوستان خود در جهان نمی‌توانند

**\* کشورهای سوسیالیستی که همه تحت حاکمیت طبقه کارگر قرار دارند دشمن آشتی‌ناپذیر و نیرومند امپریالیسم جهانی و دوستان تزلزل‌ناپذیر خلق‌های جهان هستند. خلق‌های الجزایر، لیبی، سوریه، فلسطین و دیگر خلق‌های جهان از حمایت بی‌دریغ کشورهای سوسیالیستی برخوردار شدند. کشورهای سوسیالیستی اکنون وسیع‌ترین روابط دوستانه را با این کشورها و همه خلق‌های استقلال یافته یا در راه استقلال دارند.**

سلطه امپریالیسم را براندازند. کشورهای سوسیالیستی که همه تحت حاکمیت طبقه کارگر قرار دارند، دشمن آشتی‌ناپذیر و نیرومند امپریالیسم جهانی و دوستان تزلزل‌ناپذیر خلق‌های جهان هستند. همه خلق‌هایی که علیه امپریالیسم به مبارزه برخاستند، خلق‌های الجزایر، لیبی، سوریه و فلسطین و دیگر خلق‌های جهان از حمایت بی‌دریغ کشورهای سوسیالیستی برخوردار شدند. کشورهای سوسیالیستی اکنون وسیع‌ترین روابط دوستانه را با این کشورها و همه خلق‌های استقلال یافته یا در راه استقلال دارند.

اگر واقعاً کسی فریب تبلیغات امپریالیست‌ها و

۱ - موضع سازمان شما در قبال قدرت‌های جهانی: آمریکا، شوروی، چین اروپای غربی و ژاپن چیست؟

● ما و هر نیروی صادق و سالم ملی و مردمی، امپریالیسم آمریکا را دشمن اصلی و خصم شماره یک خلق‌های ایران می‌شناسیم و پیگیرانه علیه غارتگری‌ها، تجاوزات و جنایات آن، مبارزه می‌کنیم. ما همه کشورهای سوسیالیستی و همه ملت‌های رها شده از سلطه امپریالیسم را دوست و متحد همه خلق‌های جهان می‌شناسیم و در راه گسترش دوستی و همبستگی با آنان در برابر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا مبارزه می‌کنیم. جمهوری اسلامی ایران از همان بدو تاسیس خود به درستی چهره کریه دشمن اصلی خلق‌های ایران را شناخته و علیه آن مبارزه کرده است. اما سوای گام‌هایی که اخیراً جمهوری اسلامی در زمینه تشخیص دوستان واقعی خود در جهان به پیش برداشته است، سیاست خارجی ایران در دو ساله اخیر خطی خلاف مصالح انقلاب و خلق را پیموده است. تا همین اواخر که وزارت خارجه سنگر لیبرال‌ها بود، جمهوری اسلامی خود را از دوستی و اتحاد با دوستان و متحدین واقعی انقلاب ما محروم ساخته بود. طی این مدت لیبرال‌ها با تمام قوا کوشیدند تا میهن ما را به جبهه دوستان و حامیان خود، یعنی امپریالیسم آمریکایی و امپریالیست‌های اروپا و ژاپن که دشمن خلق‌های ما هستند، نزدیک کنند. تمام سعی لیبرال‌ها آن است که دشمن را دوست جلوه دهند. از جمله آنها چون از نفرت سرکش مردم نسبت به امپریالیسم آمریکا مطلع هستند، مطابق نظریه ارتجاعی "سه جهان" که توسط دولت چین اختراع شد، میان امپریالیست‌های اروپا و ژاپن با امپریالیست‌های آمریکا تفاوت می‌گذارند و تلاش دارند با بی‌خطر جلوه دادن امپریالیست‌های اروپا و ژاپن، راه مردم فریبت‌تری برای نزدیک کردن میهن ما به امپریالیسم جهانی در پیش گیرند. امپریالیسم خوب و بد ندارد. همه امپریالیست‌ها ماهیت مشترکی دارند و اعضای یک پیکرند. همه آنها تجاوزکار، چپاولگر، سرکوبگر و ضد بشرند. تنها دشمنان مردم می‌توانند بگویند که وقتی آلمان



برداشت از آزادی سیاسی قدرت انقلاب را در برابر دشمنان آن تضعیف می‌کند. این برداشت از حدود آزادی سیاسی، انقلاب را روز به روز بیشتر از حمایت توده مردم محروم می‌کند. این برداشت از حدود آزادی سیاسی مغایر قانون اساسی جمهوری اسلامی است. زبان قائل شدن حق فعالیت ضدامپریالیستی و دمکراتیک برای فقط یک حزب وقتی آشکارتر می‌شود که آن حزب در راس قدرت باشد.

نمونه کاربست این سیاست را در جنگ عادلانه

**\* آزادی فعالیت نیروهای مردمی ضامن حفظ استقلال ملی است و استقلال ملی باید آزادی سیاسی برای نیروهای مدافع استقلال را تضمین کند. لیبرال‌ها آزادی را مقدم بر استقلال قرار می‌دهند و معنای این حرف آن است که احزابی که نه خواهان استقلال هستند و نه ضدامپریالیست، می‌توانند در راه وابسته کردن میهنمان به امپریالیسم و شکست انقلاب فعالیت کنند.**

خلق در مقابله با تجاوز عراق می‌توان مشاهده کرد. در شرایطی که آبادان زیر شدیدترین فشارها قرار داشت در شرایطی که تا امروز خون بیش از ۴۰ شهید فدائی در سنگرهای خوزستان نثار راه استقلال میهنمان گردیده است، برخی مقامات جمهوری اسلامی براساس همان برداشت زیان‌بار از حدود و مفهوم آزادی سیاسی دستور دادند که سایر نیروهای ضدامپریالیست همگی از شهر آبادان خارج شوند و هنوز می‌کوشند این حکم را به اجراء درآورند. این برداشت از حدود آزادی سیاسی، از آنجا که سخت تنگ‌نظرانه و انحصارطلبانه است، عملاً به تضعیف انقلاب منجر خواهد شد.

بقیه از صفحه ۱۲

## مصاحبه رفیق رقیه دانشگری...

برقراری فوری صلح در کردستان هستیم و جمهوری اسلامی هنوز نپذیرفته است که ادامه جنگ تا چه میزان به زیان این جمهوری و به زیان وحدت خلق‌های ایران است. در زمینه مسئله ملی ما خواهان اجرای فوری مفاد پیام ۲۶ آبان ۵۸ امام خمینی هستیم.

۳- به‌عنوان یک سازمان سیاسی با توجه به شرایط فعلی کشور و ضرورت حفظ استقلال و دفاع از میهن، حدود آزادی برای فعالیت یک حزب و یا یک گروه سیاسی را چگونه ترسیم می‌کنید؟

از دیدگاه سازمان ما بطور کلی حدود آزادی سیاسی را هدف اصلی انقلاب و میزان پیشرفت آن معین می‌کند. هر چه انقلاب بیشتر تعمیق یابد، به‌همان اندازه آزادی سیاسی در مقیاس توده‌ای از عمق و گسترش برخوردار می‌شود. آزادی و انقلاب با یکدیگر رابطه‌ای تنگاتنگ و جدائی‌ناپذیر دارند. سازمان‌ها و احزاب سیاسی که برای پیروزی انقلاب مبارزه کرده‌اند و می‌کنند، باید از حق آزادی فعالیت سیاسی برخوردار باشند. سازمان‌های مردمی و ضد امپریالیست باید با تمام قدرت برای کسب و حفظ این آزادی‌های سیاسی مبارزه کنند و تجاوز به حدود و ثغور این آزادی‌ها، تجاوز به حدود و ثغور انقلاب است. اما مقدم‌ترین و میرم‌ترین هدف انقلاب ما سرنگونی سلطه امپریالیسم و تامین استقلال کامل ملی است. بنابراین روشن می‌شود که چرا مفاهیم استقلال و آزادی این‌چنین به هم گره خورده‌اند. به‌این دلیل استقلال و آزادی برای ما دو مفهوم جدائی‌ناپذیرند که هر یک دیگری را تبیین می‌کنند. در این شرایط خطیر، آزادی فعالیت نیروهای مردمی ضامن حفظ استقلال ملی است و استقلال ملی باید آزادی سیاسی برای نیروهای مدافع استقلال را تضمین کند. لیبرال‌ها مخالف این برداشت هستند. آنها آزادی را مقدم بر استقلال قرار می‌دهند و معنای این حرف آن است که احزاب و سازمان‌هایی هم که نه خواهان استقلال هستند و نه ضدامپریالیست، بتوانند در راه وابسته کردن میهنمان به امپریالیسم و شکست انقلاب فعالیت کنند. اگر چنین شود و نیروهای طرفدار امپریالیسم غلبه کنند، آن وقت اولین کاری که خواهند کرد، همانا پایمال کردن آزادی فعالیت نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست است. به این دلیل است که ما این نوع آزادیخواهی لیبرال‌ها را دروغ محض می‌شناسیم. به‌همین دلیل است که ما می‌گوئیم لیبرال‌ها جاده صاف کن امپریالیسم هستند.

ما آزادی را قبل از هر چیز برای کسب و حفظ استقلال و دفاع از منافع زحمتکشان می‌خواهیم نه برای وابسته کردن میهنمان به امپریالیسم و دفاع از منافع سرمایه‌داران.

از سوی دیگر برخی نیروهای ضدامپریالیست که در راه تامین استقلال ملی پیکار کرده و می‌کنند نیز درک درستی از حدود آزادی سیاسی ندارند. آنها فکر می‌کنند که فقط خودشان حق دارند ضدامپریالیست باشند و در راه تامین استقلال مبارزه کنند. آنها به راحتی نمی‌پذیرند که احزاب سیاسی دیگر با عقاید و اعتقادات خود وجود داشته باشند و آنها هم در این پیکار همگانی شرکت کنند. حال آنکه این یک نظر انحصارطلبانه و تفرقه‌افکنانه است. این

تلاش برای سرنگونی جمهوری اسلامی و یا کنار زدن خط رهبری آن است. به اعتقاد ما، لیبرال‌ها و آنان که استقلال را فرع بر آزادی قرار می‌دهند، در اینجا دو دوزه بازی می‌کنند. آنها خود را مدافع جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌کنند. اما همه سیاست‌ها و برنامه‌های آنان مغایر خط ضدامپریالیستی رهبری آن و در تضاد و تناقض با آن است. هدف آنها کنار زدن خط رهبری و تهی کردن جمهوری اسلامی از مضمون ضدامپریالیستی آن است و این همان خط آمریکا و همسو با آن است.

ما در عین حال جمهوری اسلامی ایران را در موارد معینی دارای نقطه ضعف‌های اساسی می‌شناسیم و در موارد دیگری سیاست و روش آن را نادرست می‌دانیم. از آن جمله است بی‌برنامگی در بسیاری از زمینه‌ها.

هر چه مردم در تامین آینده خود، امید و انتظار بیشتری از حکومت داشته باشند، حمایت بیشتری از آنان می‌کنند. به‌همین دلیل برخی سیاست‌های نادرست جمهوری اسلامی که در زیر از آن نام می‌بریم امید و انتظار و در نتیجه حمایت برخی از مردم را از جمهوری اسلامی کاهش داده است:

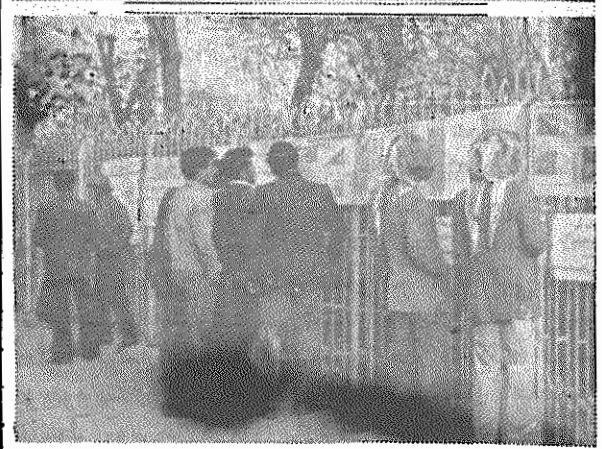
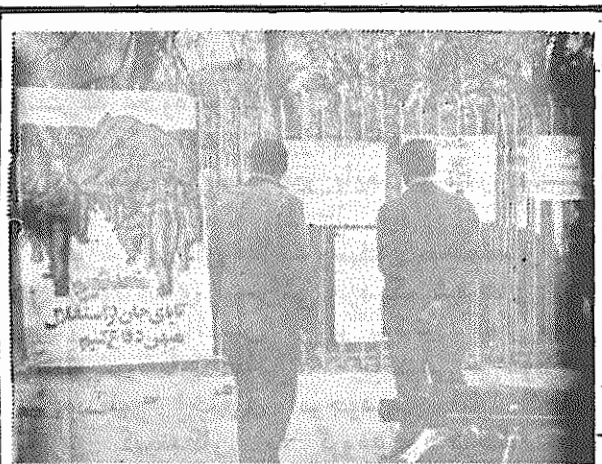
تاخیر طولانی در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در زمینه ملی کردن بازرگانی خارجی و تاخیر در اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی.

سازمان ما در عین حال سیاست‌های جمهوری اسلامی را در زمینه آزادی‌ها و حقوق دمکراتیک مردم نادرست می‌شناسد. جمهوری اسلامی نه‌تنها هنوز نتوانسته است آزادی فعالیت سیاسی سازمان‌ها و احزاب سیاسی مدافع انقلاب را تضمین نماید، بلکه در موارد بسیار حتی قانون اساسی همین جمهوری را آشکارا نقض کرده است. هنوز هم هم‌روزه فدائیان خلق را به خاطر فروش نشریات سازمان روانه زندان می‌سازند. دهها

**\* برخی سیاست‌های نادرست جمهوری اسلامی - تاخیر طولانی در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی در زمینه ملی کردن بازرگانی خارجی و تاخیر در اجرای بند "ج" قانون اصلاحات ارضی - امید و انتظار و در نتیجه حمایت برخی از مردم را از جمهوری اسلامی کاهش داده است.**

نمونه از صدور احکام غیرعادلانه، صدور احکام تیرباران برای نیروهای مردمی و ترقیخواه که بدون کوچک‌ترین توجیه قانونی و حتی منطقی اجرا شده‌اند، از فجایعی است که در دو ساله اخیر رخ داده است.

علاوه بر این جمهوری اسلامی ایران از حل مسئله ملیت‌ها واقعا عاجز مانده است. سازمان ما نه‌تنها با سیاست‌های جمهوری اسلامی در کردستان موافق نیست، بلکه ادامه این سیاست‌ها را به حدی مضر و غیر مسئولانه می‌شناسد که قطعاً عواقبی جبران‌ناپذیر به دنبال خواهد داشت. روش جمهوری اسلامی در برخورد به مسئله کردستان واقعا تا امروز چنان بوده است که بیش از همه به سود نیروهای ضدانقلاب و تحکیم موقع آنان تمام شده است. ما خواهان



گروهی از هواداران سازمان در اطراف میدان راه‌آهن تهران اقدام به برپائی نمایشگاه ضدامپریالیستی کردند که مورد استقبال فراوان زحمتکشان این منطقه قرار گرفت.

\*\*\*

## فعالیت‌های ضد انقلابی در منطقه

آنچه که در زیر می‌خوانید، متن ترجمه‌شده دو مقاله با عنوان "فعالیت‌های ضد انقلابی" و "سفارتخانه‌های عراق ستادهای خرابکاری" از بولتن جبهه خلق برای آزادی فلسطین (PFLP) است. با توجه به توطئه‌های امپریالیسم در منطقه و در خلیج فارس که ما کاملاً بر آن تاکید داشته‌ایم و با توجه به توطئه‌های سازمان یافته "ضد انقلاب" در کردستان که مورد حمایت امپریالیسم و رژیم تجاوزگر صدام بوده‌اند، متن این دو مقاله به ویژه مقاله دوم (سفارتخانه‌های عراق...) که با سندی بسیار گویا همراه است، می‌تواند روشنگر و هشدار دهنده باشد.

کمک به عراق، از جمله از طریق هم‌پیمانان آمریکا یا رژیم‌های محافظه‌کار عرب، شدت خواهد گرفت.

حرکات ایالات متحده در کشمکش ایران و عراق هماهنگی نزدیکی با سیاست‌های چین دارد که در چارچوب روابط دیپلماتیک متقابل، اطلاعات مهم و دقیقی را در اختیار آمریکا قرار می‌دهد. برخلاف آمریکا، کشور چین روابط دیپلماتیک خود را با هر دو کشور ایران و عراق حفظ کرده است. بنابراین چین از موقعیت تاثیر گذاردن بر محافل حکومتی هر دو کشور در جهت منافع و نیازهای ایالات متحده آمریکا برخوردار است.

تضعیف اساسی اقتصادی و نظامی هر دو کشور در درگیری بین ایران و عراق به مثابه هدف عمده امپریالیسم تلقی می‌شود. به همین دلیل است که برخی از محافل نظامی آمریکا سخت می‌کوشند تا این دو کشور در حال مبارزه را تشویق کنند تا مرکز "ثقل" را از منطقه مرزی به تاسیسات اقتصادی و صنعتی دارای اهمیت حیاتی انتقال دهند. نابودی این تاسیسات از یک سو فضای مناسبی برای مداخله نظامی ایالات متحده و غرب و از سوی دیگر موقعیت مناسبی برای نفوذ اقتصادی ایالات متحده آماده می‌کند.

تداوم کشمکش و نابودی تاسیسات و دستگاه‌های نفتی (عمدتاً در مورد ایران) به گونه‌ای اساسی نقش دو کشور را در اوپک تضعیف خواهد کرد. چنین تحولاتی همچنین برای عربستان سعودی فرصت مناسبی به وجود خواهد

عملیاتی خود را در قاهره دایر کرده است. این دفتر فعالیت‌های خود را با اداره جاسوسی عمومی مصر (مشاوره) هماهنگ می‌کند. همکاری بین گروه ساواک و اداره جاسوسی عمومی مصر بر پایه موافقتنامه‌ای انجام می‌گیرد که به وسیله‌ی وزیر وقت دفاع، کمال حسن علی در نیمه آوریل ۱۹۸۰ میلادی در واشنگتن به امضا رسید. شخص سادات دستور امضای این موافقتنامه را بلافاصله پس از مذاکرات خود با مدیر سیا در سفر آوریل خود به واشنگتن به حسن علی داد.

آموزش ویژه تروریست‌های افغانی و ایرانی به وسیله‌ی کادر نظامی ارتش مصر در مراکز آموزشی ارتش مصر سازماندهی شده است. پس از پایان آموزش‌ها، ماموران ساواک "وفاداری سیاسی" تروریست‌های افغانی را ارزیابی می‌کنند و این کار با توجه به شرکت آنها در عملیات خرابکارانه

ایالات متحده سرنگونی رژیم فعلی در ایران را به مثابه مهمترین وظیفه خود تلقی می‌کند. به منظور تحقق بخشیدن به این امر، ایالات متحده شقوق گوناگونی را در نظر گرفته است یکی از این شقوق عبارت از به کار گرفتن هواداران سلطنت طلب در ایران و نیز استفاده از گروه نیرومندی از ایرانیان که به همراه شاه به تبعید رفتند، می‌باشد. شرایط مساعد برای فعالیت‌های این گروه به ویژه در مصر مهیاست. در کشور مصر سادات همه‌گونه امکانات برای ادامه فعالیت‌های ایرانیان تبعیدی را فراهم آورده است.

زمانی که شاه در پاناما به سر می‌برد، بسیاری از ماموران سابق ساواک که در قاهره به سر می‌بردند، دستور داشتند عملیاتی را برای ایجاد بی‌ثباتی تدریجی در ایران تدارک ببینند. یکی از این عملیات مبتنی بر گسیل گروه‌های خرابکار به ایران به منظور ترور نمایندگان برجسته رژیم انقلابی ایران است. سازمان "سیا" توصیه کرده است که علاوه بر پناهندگان افغانی که در مصر آموزش می‌بینند، تروریست‌های ایرانی که به ایران گسیل می‌شوند نیز باید در مصر آموزش یابند.

آموزش این گروه‌ها به وسیله متخصصان مصری در اردوگاه‌های صحرایی نزدیک شهرهای "دهم رمضان" و "بالبیس" زیر پوشش "کمک مصر به مبارزه شورشیان افغانی" سازماندهی می‌شود.

به منظور اختفای موجودیت این گروه‌ها، آموزش گیرندگان به گروه‌های کوچک تقسیم می‌شوند که ایرانیان را نیز شامل می‌شود. ابتدا، علل حضور ایرانیان چنین توجیه می‌شود که آنها به مثابه "هماهنگ کنندگان" عملیات افغان‌ها که از خاک ایران انجام خواهد شد، عمل می‌کنند. سپس به افغان‌ها گفته می‌شود که "همکاران ایرانی" آنها مخالفان رژیم فعلی ایران هستند. در جریان آموزش افغان‌ها بطور کامل تحت سلطه‌ی فکری ماموران ساواک قرار می‌گیرند. افغان‌ها را متقاعد می‌کنند که مبارزه با رژیم فعلی ایران ضروری است. رژیمی که گفته می‌شود موجودیت آن راه را برای "اشغال افغانستان توسط روس‌ها" باز کرده است. همچنین به افغان‌ها گفته می‌شود که طرفداران مخفی حزب توده در رژیم فعلی ایران نفوذ کرده‌اند و غیره...

طرح ترورهائی که باید به وسیله گروه‌های خرابکار در ایران انجام شوند، گردآوری اطلاعات درباره‌ی رهبران و اماکن رفت و آمد آنها و ایجاد زمینه برای ترور همه‌ی اینها به وسیله‌ی گروه ویژه‌ی ماموران ساواک در واشنگتن تامین می‌شود. این گروه که هماهنگ با بخش مربوطه در ستاد "سیا" کار می‌کند، دفتر

گروه‌های تروریست به پاکستان انتقال داده می‌شوند، سپس به محدوده‌ی مرزی ایران و افغانستان گسیل می‌شوند تا از مرز به داخل ایران نفوذ کنند. اداره جاسوسی مصر، رئیس "شاخه افغانی" پایگاه سیا در پاکستان هماهنگی و سازماندهی این گروه‌ها را برعهده دارند.

آورد تا موضع خود را در اوپک به زیان دیگر کشورهای عضو، "به ویژه رژیم‌های رادیکال" تحکیم بخشد.

در حال حاضر ایالات متحده و هم‌پیمانان غربی آن برای تضمین وابستگی دائمی و مستحکم عراق (و پس از آن ایران) به کمک‌های اقتصادی نظامی و سیاسی غرب نقشه‌ها می‌کشند. این نقشه‌ها پیشنهاد‌های مشخص در رابطه با بازسازی تانک‌های ذخیره نفت، پالایشگاه‌ها و دیگر تاسیسات نفتی، جانشین کردن تجهیزات نظامی نابود شده، کمک‌های غذایی، کمک‌های تکنیکی و غیره را شامل می‌شود. در سطح ایدئولوژیک، آژانس ارتباطات جهانی ایالات متحده بررسی طرح‌هایی را آغاز کرده است تا برنامه‌های تبلیغاتی عمومی را برای منزه جلوه دادن سیمای ایالات متحده در میان مردم عراق و ایران و تضعیف روحیه ضد آمریکائی به اجرا درآورد.

دولت آمریکا مشتاقانه در انتظار تحولات سیاسی درونی آینده در ایران است. به منظور تشویق گرایشات هوادار ایالات متحده، ابزار نفوذ بر موقعیت درونی ایران را تحلیل می‌کند. ایالات متحده استفاده فعالانه از نخست‌وزیر پیشین ایران، بختیار را که باید

علیه "هدف‌های ایران" مورد توجه ویژه قرار می‌گیرد.

پس از طی دوره آموزشی، گروه‌های تروریست به پاکستان انتقال داده می‌شوند. سپس به محدوده‌ی مرزی ایران و افغانستان گسیل می‌شوند تا از مرز به داخل ایران نفوذ کنند. اشتغال تروریست‌ها در پاکستان و ایران به وسیله‌ی رابط اداره جاسوسی عمومی مصر که فعالیت‌های خود را با رئیس به اصطلاح "شاخه افغانی" پایگاه "سیا" در پاکستان هماهنگ می‌کند، سازماندهی می‌شود. اردوگاه‌های پناهندگان افغانی در ایران باید به مواضع کلیه‌ی گروه‌های تروریستی تبدیل شوند.

### خلیج

ایالات متحده در تداوم بخشیدن به کشمکش نظامی بین ایران و عراق منافع عظیمی دارد. به این دلیل ایالات متحده بی‌طرفی و امتناع خود را از حمایت نظامی از هر یک از طرفین آشکارا اعلام کرده است. زیرا دولت آمریکا می‌کوشد از تفوق هر یک از طرفین در این کشمکش جلوگیری کند. با این‌همه اگر تداوم این درگیری به بی‌ثباتی اوضاع در ایران بینجامد،



بقیه از صفحه ۱۴

# فعالیت های ضد انقلابی ...

مناسبات ایران با عراق را تضمین کند، از نظر دور نمی دارد. در این رابطه مسئله کردستان وسیله بالقوه ای برای اعمال فشار بر عراق و ایران خواهد بود.

در ۲۹ سپتامبر ۱۹۸۰ شورای امنیت ملی ایالات متحده تصمیم های زیر را اتخاذ کرد:  
الف: استقرار سیستم هوایی کنترل و اعلام خطر (آواکس) در عربستان سعودی (که می تواند اولین گام در جهت استقرار نیروهای نظامی بیشتر از طرف ایالات متحده در دیگر کشورهای خلیج تلقی شود).

ب: نهادهای ویژه حکومتی ایالات متحده به منظور ایجاد وحشت و ناآرامی در میان همسایگان عرب عراق و ایران، عاجلا در جهت سازماندهی برنامه ها اقدام خواهند کرد. این برنامه ها باید به سران این کشورها خطر "رژیم های ماجراجوی عراق و ایران" را یادآوری کنند. حکام عرب باید نگران ثبات رژیم های خود باشند. ثباتی که "خطر شوری آن را تهدید می کند".

کارتز دستور داد تا کلیه شیوه های عمل که بتواند به رضایت حکام عرب برای استقرار نیروهای ایالات متحده در خاک آنها بیانجامد، مخفیانه موزد بررسی قرار گیرند. این شیوه های عمل می تواند "تهاجم های بی زبان" به میدان های نفتی و یا خطوط لوله در عربستان سعودی و کویت "اطلاعات نادرست به وسیله آواکس"، "اعلام خطرهای تقلبی"، حملات ظاهری به کشتی ها و نفتکش های ایالات متحده و از این قبیل را شامل شود.

پ: فرماندهی نظامی ایالات متحده برای گردآوری اطلاعات درباره خاک کشورهای عربی و عمدتاً درباره ی عراق و ایران باید بطور کامل از آواکس سود جوید. این اطلاعات باید در نظر داشتن دورنمای آزاد کردن ۵۲ گروگان آمریکائی در ایران بطور کامل تجزیه و تحلیل شود. اطلاعاتی که آواکس در اختیار می گذارد باید انحصاراً برای نیروهای ارتش ایالات متحده حفظ شود. تنها به مقیاس کوچک و در موارد فوق العاده اطلاعات آواکس می تواند در اختیار کشور میزبان قرار گیرد.

ت: درباره ی برنامه های ویژه عملیاتی و اطلاعات نادرست با هم پیمانان غربی مشاوره نخواهد شد.

ث: فرماندهی نظامی ایالات متحده باید ذخیره سازی سلاح های تاکتیکی هسته ای را در پایگاه های نظامی در خاورمیانه، ایتالیا و یونان آغاز کند. فرماندهی نیروی هوایی ایالات متحده تبدیل هواپیمای آواکس را به محل سلاح تاکتیکی - هسته ای که بدون اطلاع کشور میزبان مورد استفاده قرار خواهد گرفت، بررسی خواهد کرد.

در رابطه با این طرحها بر اهمیت تصمیم مدرنیزه کردن مهمات هوینترهای ۲۰۳ میلیمتری تاکید شد. ایالات متحده نتایج به کارگیری سلاح های اتمی تاکتیکی را در عملیات محتمل نظامی در میدان های نفتی عربی مورد بررسی قرار می دهد. (مشروط بر آنکه در این عملیات تاسیسات نفتی خسارتی نبینند). سربازان

ایالات متحده را باید با سلاح های شیمیایی (فلج اعصاب) به منظور اشغال سریع میدان های نفتی خلیج مجهز کرد.  
ج. فکر شرکت نیروهای نظامی مصر در عملیات نظامی در خلیج، هماهنگ با فرماندهی نظامی مصر مورد بررسی قرار خواهد گرفت. همه نکات فوق نشان می دهند که امپریالیسم آماده است تا کجا پیش برود، تا سرکردگی خود را بر حیاتی ترین ذخیره های سرمایه داری، یعنی نفت، حفظ کند.

## سفارتخانه های عراق، ستادهای خرابکاری

عراق می خواهد یک فدراسیون خودمختار برای کردها به وجود آورد. هدف این مانور صدام حسین جلب کردهاست.

کردها باید ارتش خود را به وجود آورند که به هر گونه، از بغداد کنترل و تغذیه مالی خواهد شد. سپس این نیروها به داخل ایران، ترکیه و سوریه نفوذ خواهند کرد تا به کردهای این کشورها بپیوندند. البته آشکار نخواهد شد که این نیروها در واقع به وسیله بغداد کنترل می شوند.

هدف "قیام کردها" در این کشورها ایجاد فدراسیون هایی با مناطق خودمختار کرد در این مناطق است. این مناطق سپس به کردهای

"خودمختار" عراق خواهند پیوست تا جمهوری کردستان را در چارچوب فدراسیون عراق به وجود آورند.

این یک نقشه درازمدت برای الحاق بخش هایی از کشورهای همسایه به عراق است که تحت پوشش حق تعیین سرنوشت برای کردهائی که قرار است داوطلبانه در عراق منضم گردند جریان دارد.

صدام حسین از آن وحشت دارد که خمینی قبل از آنکه بغداد فرصت اجرای نقشه های خود را داشته باشد با کردها به توافق برسد. بنابراین حرکات اولیه عراق متوجه ایران و خمینی است. نقشه های عراق بر سازمان سیا روشن است و این سازمان مخفیانه از آن نقشه ها حمایت می کند آنچه در زیر می آید فتوکپی سندی است که به وسیله دیپارتمان هماهنگی سرویس جاسوسی عراق در پائیز ۱۹۷۹ تهیه شده بود. این یک دیپارتمان جاسوسی ویژه است که تنها به صدام حسین پاسخگوست و بخشی است از وزارت امور خارجه ی عراق. ترجمه ای این متن را در زیر می خوانید:

از: وزارت امور خارجه ی عراق  
دفتر ویژه  
اداره هماهنگی

۱۱ سپتامبر ۱۹۷۹  
محرمانه - فوری

به: سفارت عراق در  
اداره هماهنگی  
موضوع: کردهای ایرانی  
برای اجرا:

۱- به شما دستور داده می شود که کردهای حاضر در ناحیه ی خود را تحریک کنید تا به سران کشورهای عربی و کشورهای دیگر، به سازمان های توده ای عرب و به سازمان های محلی و بین المللی تلگرام ها و درخواست هایی بفرستند و اعمال سرکوبگرانه ی رژیم خمینی علیه کردهای ایرانی را تشریح کنید.

۲- کردهای ایرانی تنها کسانی هستند که باید این تکالیف را انجام دهند. تکلیف اداره شما به ترغیب و یاری دادن به آنها (کردهای ایرانی) محدود می شود. ما علیه هرگونه همکاری در این زمینه با کردهای عراق هشدار می دهیم.

۳- هماهنگی (فعالیت ها) باید با تشکیلات حزبی، هیئت های دیپلماتیک و اتحادیه های دانشجویی انجام گیرد. تلگرام ها باید تحت نام کردها فرستاده شود (مطابق با بند ۱)

۴- تشکیلات حزبی در خارج از کشور به فعالیت های همبستگی در تظاهرات و گرد همائی های اعتراضی موظف خواهند شد.

۵- به اداره ی شما دستور داده می شود تا در ناحیه ی خود تبلیغ کنید و یک برنامه ی وسیع تبلیغاتی را درباره ی اقدامات سرکوبگرانه دولت ایران علیه کردهای ایرانی به اجرا در آورید.

۶- شما باید در زمینه نوشتن تلگرام ها و نامه ها در این زمینه به وسیله ی کردهای ایرانی، خطاب به سران کشورها و سازمان های دیگر فعالیت کنید.

۷- ما خواستار آن هستیم که در این دوره نهایت کوشش برای اجرای یک برنامه ی تبلیغاتی وسیع در سطح بین المللی - با تکیه بر جنبه ی سیاسی و انسانی سرکوب کردهای ایرانی به وسیله ی رژیم خمینی - انجام گیرد.

وزارة الخارجية  
الملك الناصر  
قسم التنسيق

التاريخ: ۱۱ / ۹ / ۱۹۷۹

الى / سفارة الجمهورية العراقية  
العراق / افراد ایران

رجو المصل بما يلي:

تمريض الافراد المتواجدين في سائر مملكت لاسال برهجمات الاستبداد والاشذلاف الى الرؤساء العرب والاجانب والمنظمات الشعبية العربية والاجنبية والدولية لتوضيح الاخطار السدي يمارسه نظام النعيمي ضد افراد ایران

۲- يلزم بتفصيل هذه المزمة افراد ایران فقط وتضم مزمة القسم لسي دفعهم وسامدتهم لاجل انقاذ تلك السامي وتدعرون من حملات اي تلاحم مع افراد العراق في هذا المجال

۳- يتم التنسيق بين المنظمات العربية والاجنبية والدولية والاتحادات الطلابية لاسال برهجمات باسم الافراد كبحث نفس مرفوع الفقرة (۱)

۴- سلكف المنظمات الدولية في الخارج بالتزامن مع افراد ایران في المنظمات والهيئات الاستخباراتية

۵- رقم القسم باستنار وسائل الاعلام في مداقة عمله لتشر الاخطار الذي تمارسه حكومة النعيمي ضد افراد ایران

۶- العمل على ارسال برقيات رسائل افراد ایران التي تحت طسي هذا المجال الى رؤساء الدول والمنظمات الاخرى خلال سبل المراسلات التي تكل وتربطها سبلا

۷- نالذ، بذل اذني جبردم خلال هذه الفترة لاحداث خبسة مالتية راسية تاخذ ابناءنا سبانيا وسبانيا لاشذلة الاخطار والذي يتصرف له افراد ایران من قبل نظام النعيمي

لذالذ وانناذ مايلزم ... مع التنسيق

# استقلال - کار - مسکن - آزادی

خوش نویسن مدیرکل آموزش و پرورش تهران

## در راه پراکنده ساختن صفوف مردم و تضعیف انقلاب

اخیرا آقای خوش نویسن ، مدیرکل آموزش و پرورش تهران به مدرسه "قدسیه" دماوند رفته و در آنجا سری هم به کلاسهای دانشآموزان میزند. در یکی از کلاسها دانشآموزان برخی از کمبودههای مدرسه از قبیل نبودن سوخت، آماده نبودن بعضی از کتابهای درسی ، نداشتن معلم و ... را با وی در میان می گذارند. آقای خوش نویسن به جای بررسی دلسوزانه و جدی مشکلات از توجه به خواستههای منطقی دانشآموزان و معلمان طفره رفته و می گوید:

"در ایران ۵۰۰ هزار معلم داریم که از میان آنها فقط ۵۰ هزار به درد بخور هستند و از این پنجاه هزار هم فقط دو نفر قسمت دماوند شده است. بقیه را باید ریخت توی دریا تا ماهیها بخورند و پرورش پیدا کنند. شاید لاقل یک ماهی چاق و چله حسابی گیرتان بیاید! او در سایر کلاسها هم با همین کلمات "قصار" و "حکیمانه" به خواست معلمان و دانشآموزان پاسخ می دهد در دفتر مدرسه، معلمان برخی از مشکلات خود از قبیل دوسره بودن مدرسه را مطرح می کنند. ایشان با لحن توهین آمیزی معلمان را دزد خطاب می کند و می گوید که شما از ساعات درس می دزدید! معلمان با اعتراض از وی می پرسند:

"آیا فکر نمی کنید با زدن اینگونه اتهامات ناروا به معلمان زحمتکش و دلسوز عدهای از آنها دلسرد شوند؟"

او در جواب می گوید:

"بگذار آنقدر سرد شوند تا منجمد بشوند!"

خواست معلمان مازاد بر احتیاج مدرسه این بود که به محل دیگری انتقال داده شوند. آقای مدیر کل با همان لحن می گوید:

"تا وقتی ما می خواهیم ، باید همینجا کار کنید. هرکس نمی خواهد، برود خانه اش بنشیند. تازه ما در نظر داریم قانونی تصویب کنیم که برطبق آن ، هیچ نقل و انتقالی صورت نگیرد و هرکس در همان محلی که آغاز به کار کرده ، سی سال خدمت کند."

وقتی معلمان از نادرستی و غیرعادلانه بودن این طرح

و همچنین از برخی تبعیضها و استخدامهای بی رویه و بدون ضابطه انتقاد می کنند می گوید:

آنها حسابشان جداست چون از کانال رد شده اند. و در پاسخ معلمان که می پرسند:

"از چه کانالی؟"

می گوید:

"خودتان بگردید تا پیدا کنید!"

آقای مدیر کل در پایان خطاب به معلمان می گوید:

"بروید این حکومت را سرنگون کنید و حکومتی که خودتان می خواهید روی کار بیاورید!"

آقای خوش نویسن ، مدیر کل آموزش و پرورش تهران و افرادی نظیر او گویی

"فراموش" کرده اند که در میان دریای خون همیمن دانشآموزان ، معلمان و ... که امروز به عقیده وی آنها را باید "ریخت توی دریا تا ماهیها بخورند!" به قدرت رسیده اند. آقای خوش نویسن که چنین "شیرین و طنز آلود" به دشمنی با معلمان زحمتکش پرداخته ، این حرفهای کینه توزانه را در زمانی بربل می آورد که زحمتکشان میهن ما دسته دسته و با قهرمانی در برابر تجاوزگران عراقی به خون می تپند ، که ناوگان آمریکایی در خلیج فارس با تمام قدرت جهنمی خود به صف آرایی در برابر مردم و انقلاب ما پرداخته است و امکان تهاجم نظامی

امریالیسم جنایتکار آمریکا را نمی توان از نظر دور داشت. آقای خوش نویسن یکی از مسئولین بلند پایه آموزش و پرورش به جای کوشش در جهت تحکیم و تقویت صفوف معلمان و دانشآموزان برای مقابله تا پای جان و دوشادوش همه مردم ایران علیه توطئه های امپریالیسم آمریکا ، با سخنان نفرت بار خود تخم تفرقه و جدایی در میان مردم می پراکند. همین آقای خوش نویسن که می خواهد ۴۵۰ هزار معلم را به دریا بریزد تا ماهیها بخورند! در ماههای اولیه پس از قیام ، زمانی که رئیس ناحیه بود ، در اجتماع معلمان گفته بود:

خداوند ساواکی ها را می بخشد. آنها استغفار کرده اند. شما هم آنها را ببخشید و کاری به کارشان نداشته باشید."

آیا رفتار امثال خوش نویسن نیست که به لیبرالها و ضدانقلابیون داخلی فرصت می دهد تا پرچم سازش و تسلیم را به نام "آزادیخواهی" بلند کرده ، تبلیغات مزورانه خویش را گسترش دهند و در جهت رویگردان ساختن توده ها از انقلاب بکوشند؟ آیا رفتار امثال خوش نویسن در جهت پراکنده ساختن صفوف مردم و فراهم کردن زمینه شکست انقلاب نیست؟ حرفهای "شیرین" خوش نویسن نتیجه سیاستهایی است که جمهوری اسلامی در مدارس و بطور کلی در آموزش و پرورش پیش گرفته است.

علیرغم بی مسئولیتی های مقامات جمهوری اسلامی ، معلمان و دانشآموزان آگاه و مبارز دماوند همچون معلمان و دانشآموزان زحمتکش سراسر ایران به انقلاب عشق می ورزند و به خاطر آن جانفشانی میکنند. معلمان و دانشآموزان میهن ما امروز در مبارزه خود علیه توطئه های گوناگون لیبرالها علیه جنگ تحمیلی و تجاوز - گرانه عراق و علیه خطر تهاجم نظامی و مستقیم امپریالیسم آمریکا بیش از هر زمان به تحکیم صفوف خود در مدارس و اتحاد با کارگران و زحمتکشان میهنمان نیاز دارند و باید علیرغم اقدامات وحدت شکنانه در جهت تحکیم چنین وحدتی مصرا نه بکوشند مبارزه آنها نه به خاطر خوشایند این و آن ، بلکه علیه کسانی است که برای مردم زحمتکش ما فقر و بدبختی به همراه آورده اند. علیه کسانی است که شکمهای کودکان میهنمان را گرسنه نگاه داشته اند و در یک کلام علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است. معلمان و دانشآموزان آگاه و قهرمان میهن ما در این راه دلاورانه پیش خواهند رفت و قطعا کسانی "خوراک ماهیها" خواهند شد که بخوانند سد راه این مبارزه عادلانه گردند!

## چرا مذاکرات مجلس

### از تلویزیون پخش نمی شود؟

مدتی است که پخش برنامه مذاکرات مجلس از تلویزیون قطع شده است. در برابر اعتراض مردم و نیروهای انقلابی مسئولین امر تا به حال هیچ دلیل قانع کننده ای ارائه نداده اند بعضی از مسئولین مملکتی هزینه زیاد پخش این برنامه از تلویزیون را بهانه قطع آن ذکر کرده اند و برخی دیگر عنوان کرده اند که با پخش این برنامه از رادیو دیگر ضرورتی ندارد که آن را از تلویزیون هم پخش کرد.

برای مردمی که بطور روزمره شاهد دهها برنامه تلویزیونی پرهزینه اما بی ارزش و حتی مبتذل هستند و برای مردمی که می دانند پخش رادیویی برنامه مجلس از طریق اف - ام و تنها در محدوده تهران انجام می گیرد ، این بهانه ها بسیار واهی است. برای مردمی که می خواهند در جریان امور باشند ، می خواهند دوستان و دشمنان خود را بهتر بشناسند و در تعیین سرنوشت خود دخیل باشند ، پخش برنامه مذاکرات مجلس بسیار مهم و آموزنده بود. آنها از این طریق از تصمیمات نمایندگان خود و چند و چون آن با اطلاع

می شدند. و به گونه ای روشن می دیدند چه کسانی برای آنها و در جهت انقلاب گام برمی دارند و چه کسانی علیه آنها و علیه انقلاب خونبارشان حرکت می کنند. آنها در این برنامه ها چهره مدافعين مردم و چهره عریان دشمنان خود و دوستان امپریالیسم را می دیدند. آنها به وضوح می دیدند چه کسانی با ملی شدن تجارت خارجی ، الغای بند ج اصلاحات ارضی ، برقراری رابطه با امپریالیستهای اروپایی و ژاپنی و ... موافقت و چه کسانی مخالف آنها خود می توانستند مستقیم و بلاواسطه نظاره گر عوامفریبی و دسیسه چینی لیبرالها باشند و ببینند که آنها چگونه مکارانه از منافع امپریالیسم جانبداری می کنند.

پخش برنامه مذاکرات مجلس ضمن اینکه مردم را هرچه بیشتر در جریان تصمیم گیری هایی که به سرنوشتشان مربوط می شود ، قرار می داد ، همچنین برای مردم جنبه آموزشی ارزنده ای نیز داشت.

باتوجه به این امر بهراستی چرا پخش این برنامه از تلویزیون قطع شد؟

طبق اصل ۶۹ قانون اساسی مذاکرات مجلس علنی باشد. ضرورت علنی بودن این مذاکرات به این جهت پیش بینی شده است که توده های مردم هرچه وسیع تر و بیشتر در جریان تصمیماتی که به سرنوشتشان مربوط می شود ، قرار گیرند. این علنی بودن مذاکرات مجلس برای مردمی که در حادث ترین مرحله نبرد سرنوشت سازشان با امپریالیسم آمریکا قرار دارند ، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است البته با حضور خبرنگاران در مجلس و انعکاس تصمیمات در مطبوعات می توان در جهت مطلع کردن مردم از تصمیمات مجلس حرکت کرد ولی یقینا با پخش این برنامه از تلویزیون است که می توان به گونه ای ارزنده تر و وسیع تر و عمیق تر توده های زحمتکش علاقمند به سرنوشت انقلاب را از واقعیت آنچه در مجلس می گذرد ، با اطلاع کرد.

براین اساس و با تکیه بر نقش آموزشی این برنامه ها ما نیز همصدا با توده های مردم و تمامی نیروهای انقلابی خواهان پخش تلویزیونی مذاکرات مجلس هستیم.



## برنامه پیشنهادی روزنامه انقلاب اسلامی

## جنگ با اردوی انقلاب بجای نبرد علیه امپریالیسم

ما بارها این حقیقت را به مردم انقلابی مان گفته ایم و یکبار دیگر تاکید می کنیم که شناختن دوستان و دشمنان انقلاب یکی از حیاتی ترین و مبرم ترین مسئله هر انقلاب است.

تاریخ نشان داده است که دشمنان مردم زحمتکش و مبارز برای به انحراف کشاندن مردم از راه انقلاب و متوقف ساختن و به شکست کشاندن انقلاب، به هر وسیله ای متوسل می شوند. آنها همیشه به نام مردم، علیه مردم زحمتکش و به نام دفاع از انقلاب مردم، علیه انقلاب مردم تلاش می کنند. و اکنون ما شاهد هستیم که چگونه عده ای زیر پوشش "انقلاب اسلامی" بر علیه انقلاب شکوهمند مردم ما توطئه می کنند، چگونه با استفاده از اعتقادات "اسلامی" مردم زحمتکش و مبارز، به نام دفاع از جمهوری اسلامی بر علیه دوستان واقعی انقلاب ما توطئه می کنند.

نقشه های امپریالیسم و نیروهای مورد حمایتش از "گام به گام" خزیدن به قدرت تا کودتای "نوزه" همه به دست توانای خلق رزمنده ما نقش بر آب شد و آنگاه که همه اقداماتشان برای دست یابی به قدرت با شکست مفتضحانه ای روبرو شد و خود را در محاصره انقلاب یافتند تلاش همه جانبه ای را شروع کردند. آنها اکنون تعرض عریان تر و آشکارتری را در زمینه سیاسی و نظامی در پیش گرفته و با ردیلا نه ترین شیوه های تبلیغاتی دست به عوامفریبی می زنند. آنها که برای به شکست کشاندن انقلاب به هر وسیله ای متوسل شده اند، اکنون مدتی است که دستشان از آستین روزنامه هایی نظیر انقلاب اسلامی بیرون می آید.

اخیرا برخی گردانندگان روزنامه "انقلاب اسلامی" در مقاله ای تحت عنوان "فرزند مجلس" ضمن حمله به بی برنامه گی دولت اسلامی اینکه "به مسایل اساسی جامعه ابداء دید نوی عرضه نمی کند، برنامه عمل ندارد" برنامه جدیدی و به اصطلاح دید نوی را به دولت اسلامی ایران عرضه می کنند. این

برنامه در شرایطی به مردم قهرمان، عرضه می شود که انقلاب ما برای دره — کوبیدن هر چه بیشتر امپریالیسم و سرمایه داری بزرگ و لیبرال ها و برای استحکام و تداوم و گسترش انقلاب، بیش از هر زمان دیگر به همکاری و دوستی همه دوستان واقعی خود نیازمند است. و مقامات جمهوری اسلامی برای درک این واقعیت گرایش اشتی از خود نشان می دهند.

کاری کنیم. در حقیقت حمله به افغانستان اگر جنبیم، می تواند سرآغاز حمله به بلاد دیگر اسلام بگردد و اگر بجنبیم می تواند سرآغاز فصلی نو برای از بنیان متغیر کردن روابط سلطه اقلا در مرحله اول در سطح خاورمیانه گردد. بدین امید (انقلاب اسلامی دوشنبه ۸ دی ماه ۱۳۵۹) ما بارها گفته ایم که امپریالیست ها و سرمایه داران جهت تحقق اهداف پلید

می بین ما که بیش از هر جای دیگر به قلب پرطیش انقلاب در خاورمیانه بدل گشته است برخی گردانندگان روزنامه انقلاب اسلامی را، بیش از هر زمان دیگر به وحشت انداخته و بر آن داشته که "کاری" بکنند. کاری که "اقلا" روابط سلطه گرانه را در خاورمیانه به نفع خود متغیر گردانند. سه جهانی ها همیشه تلاش دارند که با حمایت از امپریالیست ها روابط را

اسلامی، برای به انحراف کشاندن مبارزات مردم و تحریک آنان به جنگ علیه دوستان واقعی شان، معاهده ننگین ترکمن چای و گلستان را پیش کشیده اند و بی شرمانه به دفاع از به اصطلاح جمهوری اسلامی شوروی برخاسته اند. در شرایطی که بخشی از میهن ما به اشغال ارتش رژیم تجاوزگر عراق درآمده و مردم ما قهرمانانه در جبهه های جنگ به مقابله با آن پرداخته اند، در شرایطی که مبارزه همه جانبه و سرسختانه علیه امپریالیسم و نیروهای مورد حمایتش در میهنمان جریان دارد، قطعا اتفاقی نیست که یکباره گردانندگان روزنامه انقلاب اسلامی فیلیشان یاد هندوستان کرده و معاهده ننگین ۱۵۰ سال قبل ترکمن چای و گلستان را پیش کشیده اند. سه جهانی ها همیشه مبلغ حمایت از امپریالیسم در میان توده ها بوده اند. تعجب آور نیست در شرایطی که ناوگان های امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس بیش از هر زمان دیگر جنبش ضد امپریالیستی — دمکراتیک و انقلاب مردم ما را تهدید می کند، گردانندگان روزنامه انقلاب اسلامی تلاش دارند با پیش کشیدن دفاع از به اصطلاح جمهوری اسلامی شوروی و دفاع از افغانستان "کاری بکنند" تا مردم قهرمان ما را از مبارزه با دولت عراق و امپریالیسم جهانخوار باز بدارند و مبارزات آنان را به انحراف بکشاند.

گردانندگان روزنامه انقلاب اسلامی، برای به انحراف کشاندن مبارزات مردم و تحریک آنان به جنگ علیه دوستان واقعی شان، معاهده ننگین ترکمن چای و گلستان را پیش کشیده اند.

نه تنها در یک منطقه، بلکه در جهان به نفع خود "تغییر" دهند. آنها که از نزدیک شدن دوستان انقلاب به هم دیگر و از پیشروی انقلاب به وحشت افتاده اند، خشمگینانه به خود می پیچند و فریاد می زنند: چرا نمی جنبید؟ باید کاری کرد. باید مردم را به جنگ با افغانستان و شوروی تحریک کرد. تصادفی نیست که گردانندگان روزنامه انقلاب اسلامی برنامه جدید و دیدی نو علیه خلق قهرمان و علیه دوستان واقعی انقلاب ما طرح ریزی کرده اند.

امپریالیسم و سرمایه داران همیشه برای آغاز جنگ هزاران بهانه و دستاویز دارند. با کوچکترین بهانه جنگ جنایتکارانه را شروع می کنند و در میهن ما، گردانندگان روزنامه انقلاب

سلطه جویان و استثمارگرانه شان و برای حفظ موجودیت خود دست به هر وسیله و شیوه از جمله وحشیانه ترین و خائنانه ترین آن یعنی جنگ می زنند. آنها برای رسیدن به اهداف پلیدشان میلیون ها انسان را به نابودی می کشاندند. گردانندگان روزنامه انقلاب اسلامی می نویسند برای اینکه اقلا بتوانند سلطه خود را در مرحله اول در سطح خاورمیانه به نفع خود "متغیر" گردانند و به اصطلاح فصل نوی را آغاز کنند، باید کاری

آری، وقتی که جبهه انقلاب در عرصه جهانی روز به روز فشرده تر می شود و جنبش ضد امپریالیستی — دمکراتیک خلق های منطقه و در میهن انقلابی ما، توانمندتر از همیشه، چونان طوفان سهمگین می رود که سلطه امپریالیسم آمریکا و سرمایه داران را درهم کوبد، باید کاری کرد! امپریالیسم و تمامی مرتجعین مورد حمایتش که هیچ گاه و از هیچ کاری روی گردان نیستند، چه کاری و چه راهی را می بایست در پیش گیرند؟ آنها هیچ چاره ای جز متوسل شدن به وسیله همیشگی یعنی جنگ جنایتکارانه ندارند و مذبحخانه تلاش دارند که به هر طریقی شده منجمله جنگ، چرخ حرکت تاریخ را متوقف سازد و روابط را به نفع سلطه خود تغییر دهند. و این بار

این "برنامه جدید" گردانندگان "انقلاب اسلامی" در شرایطی به مردم عرضه می شود که در دولت جمهوری اسلامی بعد از گذشتن از ورای یک سال و اندی تنگ نظری ها و کوتاه بینی ها و انحصار طلبی سیاسی، گرایش مثبتی برای اتخاذ سیاست های واقع بینانه در پاسخ گوئی به نیازمندی های انقلاب به چشم می خورد.

و اما "برنامه جدید" گردانندگان انقلاب اسلامی چیست و چه "نوید نوی" را به دولت جمهوری اسلامی ایران عرضه می کنند، آنها می نویسند:

راستی در عرض یک سال گذشته، صرف نظر از چندین مقاله و شعار، چه کار مشخصی در جهت مقابله با هجوم نظامی شوروی کرده ایم و ادامه می دهند: "بیش از یک قرن و نیم از معاهده های ننگین ترکمن چای و گلستان می گذرد، بحرانی که در آن موقع در ایران بود، باعث از بین رفتن شیرازه های گشت که تمامیت ارضی کشور را حفظ می کرد. هجوم سازمان یافته قدرت های شرق و غرب به ایران، ایرانی را از فکر و خلاقیت بازداشت و شد آنچه که شد و از ممالک محروسه ایران نیچی بیش باقی نماند. درباره جمهوری اسلامی شوروی که در زیر لوای کفر دست و پا می زند، باید

**پاسداران باید  
به سلاح سنگین  
سلاح شوند!**

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران (اکثریت)

## ۲۶ دی سالروز قهرمانی

خون بهترین فرزندان خلق ما را ترک کرد و به آغوش اروپایان خود گریخت. ۲۶ دی ماه روزی است که قهرمانی‌های خلق به شکوفه نشست، شاه جنایتکار فراری شد و خلق با اعمال اراده تاریخی خود تاریخ ۵۰ سال

\* لیبرال‌ها چنین تبلیغ می‌کنند که انقلاب برای مردم ما هیچ چیزی به همراه نداشته است. وظیفه نیروهای انقلابی است که فرار شاه امریکائی را به مثابه یکی از بزرگترین پیروزی‌های خلق گرامی داشته و آن را با شکوه تمام در سراسر میهن جشن گیرند.

به هیچ گیرند، افشا سازند. نیروهای آگاه و انقلابی باید این روز تاریخی را که نشانه اراده خلل ناپذیر توده‌های مردم میهنان برای دستیابی به استقلال و آزادی است، گرامی دارند.

سازشکارانی که امروز "آزادیخواه" شده‌اند در ۲۶ دی، در سوگ فرار شاه آزادی‌کش به ماتم نشستند. باید به توده‌ها یادآور شویم که اگر دیروز به نصایح لیبرال‌ها گوش کرده بودیم، هرگز شاهد این روز تاریخی و فرار فضاخت‌بار شاه نبودیم. باید بدون وقفه توضیح دهیم که دیروز با وحدت خویش شاه را سرنگون کرده و سازشکاری لیبرال‌ها را بی‌اثر ساختیم و امروز با وحدت خویش تا نابودی امپریالیسم به مبارزه ادامه خواهیم داد.

مردم آگاه و قهرمان ایران! هواداران همیشه بیدار! ۲۶ دی باید به صورت یکی از عظیم‌ترین دستاوردهای انقلاب، روزی که دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم در هم شکست، در خاطره‌ها باقی بماند. باید با به کار گرفتن خلاقیت‌ها و ابتکارات نظیر برگزاری نمایشگاه‌های عکس، فیلم و اسلاید، تهیه متن‌ها و تراکت‌های دیواری، تئاتر و نمایش، نوشتن انشا و خواندن آن در کلاس‌های درس... این روز را گرامی داریم. مضمون حرکت ما نشان دادن قدرت عظیم مردم و افشای سازشکاران است. لیبرال‌ها به عنوان کسانی که می‌خواستند شاه بماند ولی سلطنت کند باید پیگیرانه افشا شوند.

تنگ و نفرت شاهان پهلوی را برای همیشه به زباله‌دان تاریخ افکند.

۲۶ دی ماه تلاش مذبحخانه لیبرال‌ها برای توقف گسترش انقلاب درهم شکسته شد. لیبرال‌های سازشکار که خواهان آن بودند که "شاه سلطنت کند، نه حکومت" عجز و زبونی خویش را در برابر خروش میلیونی خلق به چشم دیدند. ۲۶ دی ماه رویای لیبرال‌ها و سازشکاران درهم ریخت. شاه نوکر امپریالیسم آمریکا زبونانه فرار کرد و به دنبال او بساط نظام شاهنشاهی درهم پیچیده شد و لیبرال‌های سازشکار در برابر گسترش انقلاب، یک گام دیگر به عقب رانده شدند و توده‌ها، توده‌هایی که در برابر ستم و استثمار قیام کرده بودند، به یکی از بزرگترین پیروزی‌های خود دست یافتند. آنها مهر اراده نیرومند خود را بر پیشانی تاریخ کوبیدند.

امروز لیبرال‌ها که پیشرفت انقلاب، منافع آنان را سخت به مخاطره انداخته است، همچنان مذبحخانه تلاش می‌کنند که انقلاب را به شکست کشانند و مردم را به زانو درآورند. آنها می‌گویند که دستاوردهای انقلابی مبارزات مردم را بی‌بها کرده و توده‌های خلق را از مبارزه و انقلاب رویگردان سازند. آنان برای تأمین منافع خود، مردم را دعوت می‌کنند که به انقلاب پشت کنند و به روی کار آمدن حکومت "بختیار"های امریکائی یاری رسانند.

وظیفه همه مردم آگاه و قهرمان میهنان و در پیشاپیش آنان همه فدائیان خلق است که با فرا رسیدن

## نفتگران جنگ زده: گروگان‌گیری و تحصن در شرکت نفت دروغ محض است

شرکت نفت گروگان‌گیری و تحصن نامیدند و با فحاشی و وارد آوردن اتهامات ناروا بر زخم‌های ما نمک پاشیدند. ما ضمن رد تمام این اتهامات، مسئولان مملکتی را به قضاوت می‌گیریم و از آنها می‌خواهیم تفرقه‌اندازان و عاملین هجوم به نفتگران را شناسایی و تعقیب کنند. ما نفتگران جنگ زده که همه چیز خود را وقف انقلاب و دفاع از دستاوردهای آن کرده‌ایم یکبار دیگر اعلام می‌کنیم که تا آخرین لحظه در برابر امپریالیسم آمریکا و مزدوران عراقی مقاومت کرده و هرگونه گروگان‌گیری تحصن و زیاده‌طلبی را در این شرایط به نفع دشمن می‌دانیم.

ما خواستار آزادی همکار خود و رفع اتهام از نفتگران جنگ‌زده هستیم و به کسانی که ما را مورد هجوم قرار دادند و همچنین به نویسنده آن مطلب سراپا دروغ در روزنامه کیهان یادآور می‌شویم که اینگونه اعمال تفرقه‌آمیز چیزی جز ریختن آب به آسیاب دشمن نیست.

بودیم مجبور شدیم شب را در آنجا بمانیم. در این میان یکی از مسئولان شرکت نفت نیز داوطلبانه در کنار ما باقی ماند. ما که همراه زن و بچه خود و بدون هیچگونه وسیله گرم کننده به محل آمده بودیم، در نیمه‌های شب با قطع برق و خاموشی شوفاژها روبرو شدیم. به هر ترتیب شب را به صبح رساندیم و در نخستین ساعات روز محل را با آرامش ترک کردیم. ما تصمیم گرفتیم برای جلوگیری از هرگونه درگیری و تشنج از هم جدا شویم و به صورت گروهی حرکت نکنیم. اما متأسفانه چند اکیپ اتومبیل‌سوار که ما را تعقیب می‌کردند و ظاهراً از مامورین کمیته‌ها بودند در دو منطقه (بیمارستان امام خمینی و زیباشهر) عده‌ای از ما را مورد ضرب و جرح قرار دادند و یکی از نفتگران را که به تازگی از جبهه آبادان آمده بود و می‌خواست مجدداً به جبهه بازگردد، دستگیر کردند! چند روز بعد در روزنامه کیهان مطلبی علیه ما نوشتند و اجتماع ما را در

گروهی از نفتگران جنگ‌زده که همراه با خانواده‌های خود در محل ساختمان وزارت نفت اجتماع کرده بودند، ضمن رد اتهام گروگان‌گیری و تحصن، کسانی را که در این شرایط حساس دست به اینگونه دروغ‌پردازی‌ها و اعمال تفرقه‌افکنانه می‌زنند، محکوم کردند. آنان در نامه‌ای که برای نشریه "کار" فرستاده‌اند، چنین نوشته‌اند: "ما به همراه خانواده‌های خود برای گفتگو با مسئولان شرکت نفت و تأمین حداقل خواست‌هایمان در تاریخ ششم دی‌ماه (شب اربعین) به ساختمان وزارت نفت مراجعه کردیم. پس از ساعت‌ها انتظار، کسی حاضر به پاسخگویی به مشکلات ما نشد. یکی از پاسداران که برخورد انسانی و انقلابی داشت به ما اطمینان داد که در محل بمانیم تا او یکی از مسئولان را پیدا کند. ما به امید اقدامات این پاسدار وظیفه‌شناس در محل ماندیم و چون هوا تاریک شده بود و ما نیز از نقاط دور افتاده و بدون داشتن وسیله آمده

## یاد کارگران شهید گرامی باد

- ۴- جمشید هیرانی پور
  - ۵- فاضل صبحی
  - ۶- علی اصغر میثمی
  - ۷- علیخان جلیلیان
  - ۸- صادق مهرزاد
  - ۹- مولا مرمری
- نامشان خجسته و آرمانشان پیروز باد



- ۱- غلامرضا دهقان
- ۲- جمشید جیرانی
- ۳- علیخان رضائی

اینان کارگران قهرمان و مبارزی بودند که در بندر خونین شهر زندگی، کار و مبارزه می‌کردند و به هنگامی که ساحت انقلابی میهن را عرصه تهاجم دشمن متجاوز و ضدانقلابی دیدند، یک لحظه نیز در پایداری و ایثار جان درنگ نکردند و

بقیه از صفحه ۷

## لغوبند (ج) ●●●

در حقیقت پایمال نمودن حقوق مسلم میلیون‌ها دهقان زحمتکش و نفی کامل اصلاحات ارضی است. زیرا اصلاحات ارضی واقعی زمانی انجام می‌گیرد که در اولین قدم بساط بزرگ مالکی در روستاها ریشه‌کن شود. ادامه نظام فاسد و غارتگر بزرگ مالکی در روستاها جز

متحد و یکپارچه پایداری نموده و همچون گذشته مقاومت آنان را در هم می‌شکنید. مطمئناً شما در این مبارزه حق طلبانه تنها نیستید و قطعاً اکثر پاسداران جهاد سازندگی، هیئت‌های هفت نفره و به همراه آنان نیروهای سیاسی صادق و مومن به انقلاب از مبارزه عادلانه و برحق شما حمایت خواهند نمود.

ریشه‌کن باد بساط ظلم و ستم بزرگ مالکان

تقویت صف دشمنان انقلاب شمر دیگری نخواهد داشت و این به هیچ وجه به سود انقلاب خونین مردم و دولت جمهوری اسلامی ایران نیست.

دهقانان مبارز! ما ایمان داریم که همه شما بخصوص دهقانان کم زمین و بی‌زمین که سالها رنج و ستم بزرگ مالکی را با گوشت و پوست خود لمس کرده‌اید، در مقابل دسیسه‌های فتوودال‌ها و زمینداران بزرگ



## نیروهای متحدو...

قصر شیرین ، هنوز دهها روستا و مناطق وسیعی در اشغال تجاوزگران است. هنوز تا بیرون راندن آخرین سرباز متجاوز رژیم صدام نبردهای شौरانگیز و حماسه آفرینی در پیش داریم .

نخستین درس بزرگ مقاومت حماسه آفرین خلق های ما در برابر تجاوزگران اعتقاد به نیروی متحد و مسلح خلق ماست. تجربه مقاومت حماسه آفرین خلق ما در برابر تجاوزگران اثبات می کند که اتحاد، تشکل و تسلیح خلق ضامن پیروزی انقلاب ما در مقابل با توطئه ها و تجاوزات امپریالیسم و متحدان آن است. بدون تردید اگر به تسلیح توده ها بطور جدی تری توجه می شد، اگر قبل از تجاوز رژیم جنایتکار طرح تشکل ارتش ۲۰ میلیونی به معنی واقعی به اجرا گذاشته می شد، اگر توده ها به اندازه کافی متشکل و مسلح بودند، پیروزی های اخیر با مصائب کمتری، در زمان زودتری به دست می آمد. اعتقاد عمیق به نیروی اتحاد خلق، به وحدت تمامی نیروهای مردمی و ضد امپریالیست دستاورد دیگر پیروزی های اخیر است. ما یکبار دیگر بر این حکم درست تاکید می ورزیم که تنها زمانی که همه مردم متحد باشند آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند.

ما در آستانه پیروزی های اخیر مردم و نیروهای رزمنده خلق و نیروهای مسلح جمهوری بر ارتش تجاوزگر رژیم صدام که بدون شک امپریالیست های آمریکائی، اروپائی و ژاپنی را وامی دارد، دسایس و توطئه های تازه ای ساز کنند بار دیگر از تمامی نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست می خواهیم که برای دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن در برابر تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم های ارتجاعی منطقه و برای درهم شکستن این تجاوزات، متحد شویم.

ناشی از جنگ، بیشترین بهره برداری را به عمل آورند و مردم را از انقلاب مایوس سازند، بیش از پیش ناکام ساخته است.

پیروزی هایی که اینک نصیب ما شده است و پیروزی های درخشان تری که بدون تردید در آینده نصیب مردم قهرمان ما خواهد شد، آسان به دست نیامده است. جان های پاک هزاران انقلابی و رزمنده ترقیخواه، ویرانی و بی خانمانی های بی حساب، نزدیکه دو میلیون آواره جنگ و مهمتر از همه تحمل شدايد و استقامت فداکارانه همه مردم در جبهه های به گسترده تمامی خاک میهن وثیقه پیروزی های کنونی است. برای همین اندازه پیروزی، در جبهه های به وسعت ایران تمام خلق شکوه مندانه نبرد کرده است. طبقه کارگر، در سنگر کارخانه و جبهه به نیروی تلاش و خلاقه خود گردان مقدم این رزم دلاورانه بوده است. دهقانان در روستا و زحمتکشان دیگر در شهرها، آری تمامی مردم آفرینندگان پیروزی های اخیرند. و ما افتخار داریم که در میان سازمان های سیاسی مردمی و ضد امپریالیست فعال ترین و گسترده ترین نقش را برعهده داشته ایم. صدها هزار فدائی خلق در سرتاسر ایران، در کارخانه و مزرعه، در شهر و روستا، در جبهه مقدم و در پشت جبهه در این نبرد فعالانه شرکت دارند. تا آنجا که تاکنون بیش از ۴۰ تن شهید فدائی را به پیشگاه خلق تقدیم داشته ایم. بدون تردید فداکاری ها و قهرمانی های فدائیان خلق (اکثریت) در تاریخ پرشکوه مبارزات خلق های پیمان در راه تامین استقلال و آزادی ما شورانگیزترین کلمات به ثبت خواهد رسید.

با این همه نباید از خاطر ببریم که هنوز خرمشهر قهرمان که به خونین شهر شهرت یافته است، هنوز متحد و خروشان خلقی به پا خاسته که مصمم است از استقلال و آزادی میهن دفاع کند، قادر است با وجود تمامی مشکلات و موانعی که ضدانقلاب و ارتجاع جهانی در راه پیروزی انقلاب مردم به وجود می آورد، با گام های استوار در راه نیل به استقلال و آزادی پیروزمندان به پیش تازد. بر اساس اخبار و گزارشات نیروهای جمهوری اسلامی به پیشروی قهرمانانه های دست زده اند. سربازان، درجه داران، افسران میهن پرست همراه با پاسداران، نیروهای بسیج مردمی و فدائیان خلق در این پیشروی همچنان نقش حماسه آفرینی برعهده دارند این نیروها که از مدتها پیش خواهان آغاز تهاجم گسترده نیروهای مسلح جمهوری بودند، علیرغم مخالفت ها و تسامح پاره ای از فرماندهان بلند پایه ارتش جمهوری اسلامی، سرانجام در بامداد روز دوشنبه ۱۵ دی ماه پیروزمندان تهاجم علیه ارتش تجاوزگر صدام را آغاز کردند.

طی تهاجم اخیر نیروهای مدافع انقلاب در جبهه جنوب بیش از ۵۰ تانک و دهها خودرو دشمن منهدم شد. دهها سنگر جمعی و انفرادی سربازان صدام به تصرف نیروهای انقلاب درآمد و نیروهای انقلاب موفق شدند چندین انبار مهمات دشمن را به غنیمت گیرند. بر اساس آخرین گزارشات، تاکنون تنها در جبهه جنوب متجاوز از ۵۰۰ تن از نیروهای رژیم تجاوزگر و جنایتکار صدام به اسارت نیروهای ما درآمده اند.

بدون تردید پیروزی هایی که در روزهای اخیر نصیب نیروهای انقلاب شده است همه کسانی را که همسو با امپریالیسم آمریکا مذبحخانه تلاش می کنند به بهانه های مختلف روز پیروزی خلق قهرمان ما را بر تجاوزگران به تعویق اندازند، تا از عواقب و مشکلات ناگزیر

## لغو بند (ج) و تهاجم دوباره زمینداران بزرگ

که زمیلهای قدوسی را دوباره به او باز گردانند. این عمل مورد اعتراض شدید اهالی زحمتکش آبسرد قرار گرفت. دهقانان تصمیم گرفتند که مقاومت کنند و از حق خود نگذرند. مقاومت آنان با فشار مقامات جمهوری اسلامی روبرو شده است. خداداد، دادستان انقلاب، با مسلسل خود آنها را تهدید کرد. ضدانقلابشان نامید، اما دهقانان مصممند که همچنان به مقاومت خود ادامه دهند و در مقابل فشارها پایداری کنند. اهالی مبارز آبسرد می گویند این زمین ها حق ماست. این ما هستیم که شب و روز روی آنها جان می کنیم دولت به جای آنکه در مقابل زمینداران بزرگ عقب بنشیند، به جای آنکه بند "ج" را لغو کند و زمینداران بزرگ را به تهاجم بیشتر ترغیب کند، باید اصلاحات ارضی را بطور کامل در روستاها پیاده نماید.

زحمتکشان بخش "آبسرد" دماوند به همراه زحمتکشان روستاهای سراسر ایران می گویند: از وقتی که دولت بند "ج" را لغو کرده است، زمینداران بزرگ بر اقدامات ضدانقلابی خود برای غصب دوباره زمین های کشاورزان، افزوده اند. زحمتکشان آبسرد لغو موقت بند "ج" را دشمنی آشکار با انقلاب می دانند و برآنند که دولت باید دست زمینداران بزرگ را بطور کامل از روستاها قطع کند. نه اینکه در برابر تمایلات ضد مردمی آنها سر تعظیم فرود آورد.

"آبسرد" در منطقه دماوند واقع شده است. این منطقه وسیع ترین زمین های زراعتی دماوند را در بر می گیرد. اکثر این زمین ها متعلق به خرده مالکین است اما در منطقه سه زمیندار بزرگ نیز وجود دارد که سالها حاصل زحمات روستائیان را غصب کرده اند. بزرگ مالکی بنام "قدوسی" زمیندار این منطقه است. مردم سالها با مظالم اومبارزه کرده اند از جمله بعد از قیام بخشی از زمین های او را مصادره کردند اداره قسمتی از زمین های مصادره شده را جهاد سازندگی به عهده گرفته است. در تمام این مدت، زمینداران بزرگ از جمله قدوسی نهایت تلاش خود را برای غصب دوباره زمین های که متعلق به زحمتکشان بود، به عمل آوردند.

زمینداران بزرگ به ویژه بعد از آنکه اجرای بند "ج" اصلاحات ارضی متوقف شد، فشار خود را بر دهقانان زحمتکش افزایش داده اند. از جمله پسر قدوسی بزرگ مالک، برای غصب دوباره زمین های کشاورزان به تقلا افتاد. او با استفاده از نفوذ آشنایان خود اقدام به پسر گرفتن زمین های کرد که کشاورزان بین خود تقسیم کرده بودند. او برای در اختیار گرفتن زمین های که به دهقانان تعلق دارد، از حمایت مقامات جمهوری اسلامی برخوردار شده است. از جمله از تهران به دادستان انقلاب دماوند و از آن طریق به جهاد سازندگی منطقه ابلاغ گردید

بقیه از صفحه ۷

## زحمتکشان روستای "کلایه"

خوار بزرگ منطقه محمد بهرامی را گرفته ارج نهاده و باعث خوشحالی ما روستائیان و کشاورزان گردید و از آن سپاه انقلابی خواهان آن هستیم که هر چه زودتر ترتیبی داده شود تا زمین های این زمین خوار به نفع مستضعفین و در خدمت انقلاب اسلامی ایران بهره برداری شود.

از طرف کشاورزان قریه کلایه رحمت آباد

مصرانه خواهان اجرای بند "ج" هستند. نامه زیر که توسط اهالی این روستا تنظیم شده است، خواست انقلابی آنان را به خوبی منعکس می کند.

بسمه تعالی  
ما کشاورزان روستای قریه کلایه رحمت آباد عمل انقلابی سپاه پاسداران تهران رودبار که جلوی کشت خودسرانه عوامل زمین

# در پشت جبهه های جنگ آوارگان را دریابیم

فدائی شهید غلامرضا صفرنژاد:

«لحظه‌ای هست که وفاداری به آرمان طبقه کارگر مورد آزمایش قرار می‌گیرد»



فدائی خلق رفیق شهید  
غلامرضا صفرنژاد

معتقد بود که در این لحظات تاریخی از حیات خلقهای ایران، نباید در خارج از کشور باقی ماند. پس به میهن بازگشت و با هواداری از سازمانش آنچه از دستش بر می‌آمد در مبارزه و آگاهی دادن به مردم به کار برد. پس از تجاوز رژیم دد منش صدام به میهن انقلابیان، حاضر به ترک شهر نشد. رفیق می‌گفت که این، آن لحظه‌ای است که وفاداری به آرمان طبقه کارگر مورد آزمایش قرار می‌گیرد. او سعی داشت به هرنحوی به مردم و جبهه یاری رساند. کندن سنگر نگهبانی دادن، بیرون کشیدن اجساد و زخمی‌ها از زیر آوار و... و سرانجام در روز ۱۴ آبان به وسیله ترکش گلوله توپ دشمن، در راه آرمان زحمتکشان به شهادت رسید. یادش گرامی باد

★ رفیق غلامرضا صفرنژاد در سال ۱۳۳۰ در خانواده‌ای متوسط در آبادان به دنیا آمد. او از کودکی به علت سختی زندگی درد و رنج زحمتکشان را لمس نمود. با سختی دیپلم گرفت و پس از انجام خدمت سربازی مشغول کار شد. پس از چند سال با اندوخته‌ای که جمع نموده بود، برای ادامه تحصیل به خارج رفت. در خارج از کشور در جریان فعالیت‌های کنفدراسیون آگاهی سیاسی کسب نمود و در صف هواداران سازمان قرار گرفت. آگاهی بر زمینه پایه طبقاتی زحمتکش و صداقت او منشأ ایمانی خلل‌ناپذیر شد. هنوز دو سال از اقامتش در خارج از کشور نگذشته بود که جنبش‌های توده‌ای برای سرنگونی رژیم وابسته شاه آغاز گشت. او

گزارشی از مراسم بزرگداشت فدائی خلق رفیق شهید دکتر پرویز کریمیان، هم رزم و هم سنگر فدائی شهید دکتر نریمیا



جنایتکار امریکانسان می‌دادند در پیشاپیش تابوت حامل جنازه رفیق، دسته‌ای از سپاه پاسداران به صورت رژه در حرکت بودند. در این مراسم، بسیج، بنیاد مستضعفین، اداره آموزش و پرورش بخشداری، کارکنان بهداری و بیمارستان شهر، شهرداری ژاندارمری و نماینده پزشکان و کارکنان بیمارستان گلستان اهواز و همسر رفیق شهید دکتر نریمی‌سا و دانش‌آموزان پیشگام شهر شرکت داشتند و جسد رفیق کریمیان را تا گورستان شهر حمل نمودند. در مراسم سوم و شب هفت رفیق نیز هزاران نفر از مردم مبارکه شرکت کرده و یاد او را گرامی داشتند در تمام این مراسم استقامت و شکیبایی همسر رفیق کریمیان سرمشق و زبانزد مردم شده بود. ما ضمن درودهای رفیقانه خود به همسر و هم‌رزم رفیق کریمیان و اهالی مبارز مبارکه یادش را گرامی می‌داریم و راه او را ادامه خواهیم داد.

بیمارستان دکتر شریعتی اصفهان تا دروازه شیراز گروه‌هایی از مردم مبارز اصفهان شرکت داشتند. صبح سه‌شنبه ۲۵ آذرماه که قرار بود جسد رفیق به مبارکه اصفهان انتقال یابد، مردم انقلابی و مبارز مبارکه در فلکه اصلی شهر اجتماع کرده و منتظر رسیدن جنازه رفیق بودند. با رسیدن آمبولانس حامل جسد رفیق، مردم به طرف آن هجوم برده و تابوت وی را بر سر دست گرفته و با شعارهای شورانگیز خشم و نفرت خود را از مزدوران عراقی و امپریالیسم

★ همانگونه که در "کار" شماره ۹۱ به آگاهی هم‌میهنان مبارز و رزمنده خود رساندیم دکتر پرویز کریمیان در ۲۲ آذرماه ۵۹ در جبهه‌های نبرد با مزدوران صدام جنایتکار به شهادت رسید و بدینسان زندگی پرافتخارش که سرشار از تلاشی بی‌گیر در راه رهایی کارگران و زحمتکشان و عشق به خلق بود، پایان یافت و به تبار شهدای فدائی خلق پیوست. پیکر پاک رفیق به همت جامعه پزشکی اهواز به تهران و سپس به اصفهان منتقل شد در مراسم تشییع جنازه‌وی از

فدائی خلق رفیق شهید

محمد بازدار

انقلابی خلق به صفوف هواداران سازمان پیوست و قیام شکوهمند را پیروزمندانه پشت سر نهاد. او در دبیرستان نیز یکی از فعال‌ترین رفقای پیشگام بود و پس از اخذ دیپلم متوسطه در سال ۵۸ به خدمت سربازی رفت. پس از هجوم ددمنشانه مزدوران عراقی به میهن، رفیق محمد برای دفاع از میهن و استقلال و دستاوردهای انقلاب که هدف هجوم رژیم ضد خلقی صدام قرار گرفته است، داوطلبانه عازم جبهه شد و پس از نبردی قهرمانانه و تارومار کردن عده بی‌شماری از مزدوران عراقی در شهر مهران به شهادت رسید.

★ رفیق محمد بازدار در سال ۱۳۲۹ در خانواده‌ای زحمتکش در شهر سیرجان متولد شد. رفیق دوران کودکی خود را در کنار هزاران کودک ستم دیده شهر خود که با رنج و درد آغشته بود، سپری کرد و از سال ۱۳۵۵ وارد مبارزات سیاسی شد. او به هنگام آغاز مبارزات توده‌ای خلق برای سرنگونی سفاک‌ترین و خونخوارترین رژیم تاریخ ایران به میان آنان رفت و در ابتدا به کمک دوستانش به پخش اعلامیه و شعارنویسی روی دیوارها پرداخت و سپس در اعتراضات و تظاهرات گسترده مردم فعالانه شرکت جست. در جریان همین مبارزات بود که رفیق محمد با دانش ژرف مارکسیسم - لنینیسم و علم رهائی‌ی کارگران و زحمتکشان آشنا شد و با اوج‌گیری جنبش

یاد او گرامی و آرمان  
سوخ او پایدار باد

فدائی خلق رفیق شهید

حمید ولادوست

کارگران و زحمتکشان و نبرد با دشمنان سوگند خورده خلق، سخت‌کوش و پیگیر می‌باشند. ما ضمن گرامی‌داشت یاد رفیق حمید ولادوست، تمامی رزمندگان خلق، آنانی که دلاورانه در دشت‌های گسترده خوزستان و کوه‌های پربرف غرب به نبردی عادلانه با مزدوران صدام جنایتکار برخاسته و با تحقیر مرگ افتخار می‌آفرینند درود می‌فرستیم و پیروزی آنان را گامی در جهت تحکیم دستاوردهای انقلاب شکوهمند ایران می‌دانیم!

★ فدائی خلق رفیق شهید ولادوست، یکی از پرسنل انقلابی پادگان قوچان بود که در جبهه بهمنشیر در کنار رزمندگان جان‌برکف خلق، قهرمانانه جنگید و شهید شد. شهادت رفیق ولادوست بار دیگر نشان داد که علیرغم اقدامات کارشکنانه و تنگ‌نظرانه برخی از مسئولین که عملاً صفوف خلق را خدشه‌دار ساخته و آب به آسیاب امپریالیسم و نوکران داخلی او می‌ریزند، فدائیان خلق با ایمانی راسخ به آرمان سرخ خود، همواره در راه رهایی

محمد باقر  
کلیه تبریر مشوه  
بزرگ سر بلوغ  
فخر کسب فیروز فتح  
فخر شمشیر زین  
لواچهاک  
فسرله  
بجشن روز آزادی  
لینز خاک  
از جشن لاسر فلان  
کوبد مشوه

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید ★



تحریکات و توطئه‌هایی که در بعضی از بیمارستان‌ها برای کنار گذاشتن پزشکان، پرستاران و امدادگران متعهد و انقلابی آغاز شده، خطری جدی است که باید عمیقاً مورد توجه قرار گیرد. این اعمال تفرقه‌آمیز که به ویژه در بیمارستان‌های دانشگاهی نیروهای انقلابی را نشانه گرفته بی‌آمدها و عوارض سخت و ناگواری به‌همراه خواهد داشت که از هم اکنون قابل پیش‌بینی است. ادامه سیاست نادرست و نامعقول پاکسازی! (که در آموزش و پرورش نابسامانی‌ها و مخاطرات زیادی به وجود آورده) در بیمارستان‌ها و مراکز امداد و درمان فاجعه به‌بار خواهد آورد. ادامه این سیاست در بیمارستان‌ها که معنایی جز تحریک و توطئه ندارد - به منزله بازی کردن با جان میلیونها مجروح و بیمار دردمند است. باید مسئولان و همه دست اندرکاران امور درمان و امداد، قاطعانه در برابر اینگونه اقدامات وحدت شکن مقاومت کنند. باید تمام نیروهای مسئول و مردمی

در جبهه‌های جنگ و در پشت جبهه‌ها، در بیمارستان‌ها و اردوگاه‌های آوارگان صف متحدی را در برابر عناصر فرصت‌طلب و تنگ‌نظر تشکیل دهند و توطئه‌های نفاق افکنانه را نقش‌برآب سازند. باید به‌جای تصفیه نیروهای انقلابی، لیبرال‌ها و کسانی را که عشق به قدرت چشمانشان را کور کرده است - و متاسفانه هنوز هم در بعضی مواضع حساس در امر درمان و امداد قرار دارند - افشا و طرد کرد.

واقعیت این است که این عناصر بدون توجه به مصالح مردم و انقلاب، از آنجا که فعالیت شبانه‌روزی و ایثارگرانه پزشکان و امدادگران انقلابی را مانع رشد خود می‌بینند، دست به تحریک و توطئه می‌زنند. هم اکنون در بعضی از بیمارستان‌ها، عده‌ای از روسا و پزشکان تاجر مسلک سعی می‌کنند به وسیله ایادی آشکار و پنهان خود نیروهای تنگ‌نظر و کوردل را علیه پزشکان و پرستاران انقلابی بشورانند. زحمتکشان بیمارستان‌ها که به‌خوبی می‌دانند پزشکان و پرستاران انقلابی از مسئول‌ترین و با انضباط‌ترین افراد هستند وظیفه دارند در برابر اینگونه توطئه‌ها ایستادگی کنند. ما ضمن اینکه با

## چرا پزشکان و پرستاران انقلابی از بیمارستان‌ها اخراج می‌شوند؟

متعهد و انقلابی از بیمارستان‌ها بسته‌اند، دانسته و ندانسته به دشمن خدمت می‌کنند.

زحمتکشان و عناصر آگاه بیمارستان‌ها و مراکز امداد! با حمایت از پزشکان و پرستاران متعهد و انقلابی، افشای توطئه لیبرال‌ها و عناصر فرصت‌طلب در بیمارستان‌ها و مراکز امداد، با پشتیبانی همه‌جانبه از تمامی نیروهای داوطلب که در سنگرها، اردوگاه‌ها و بیمارستان‌ها به مداوای مجروحین جنگ و بیماران مشغولند، صفوف خود را در برابر تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم مزدور عراق متشکل کنید.

که رزمندگان درون جبهه می‌پذیرند، بپذیرند. به‌همین جهت حضور نیروهای درمانی داوطلب در جبهه‌ها نیروی محرکه‌ای برای فعال کردن محیط درمانی است. به‌همین دلیل است که ما می‌گوئیم: کسانی که مانع اعزام گروه‌های داوطلب به جبهه‌ها می‌شوند، کسانی که در این شرایط خطیر کمر به اخراج و تصفیه پزشکان و پرستاران

رزمندگان مجروح بود، پرونده سازی کردند و ... با این همه بسیاری از پزشکان و امدادگران انقلابی موفق شدند از راه‌های مختلف، خود را به جبهه رسانند و به وظایف انسانی، انقلابی و میهن‌پرستانه خویش عمل کنند. علیرغم این تلاش‌ها و مقاومت‌ها، توطئه‌ها هنوز پایان نیافته، هنوز هم در جبهه‌های جنگ و مراکز درمانی شهرهای جنگ‌زده، در بیمارستان‌ها و به ویژه بیمارستان‌های دانشگاهی تفرقه‌افکنان مشغول توطئه‌اند.

مانعت از ورود تعداد زیادی از قبول شدگان کنکور دستیاری به مراکز تخصصی (به دلیل مکتبی نبودن!) بخشی از این توطئه است. ما این عمل را نیز بخشی از خرابکاری‌های لیبرال‌ها و فرصت‌طلبان و خادمین ناآگاه آنان می‌دانیم که هدفی جز خالی کردن سنگرها از ارزنده‌ترین نیروهای مردمی ندارند.

ما کسانی را که در جبهه‌های جنگ، در مراکز امداد و درمان و در بیمارستان‌های دانشگاهی دست به خرابکاری‌هایی می‌زنند، جنایتکار و قاتل مجروحان و مصدومانی می‌دانیم که بخاطر نرسیدن پزشک و امدادگر، قربانی می‌شوند.

کسانی که چنین می‌کنند، باید در برابر مردم جوابگو باشند. آنها به مردمی که با مشت گره کرده پیکر خونین فرزندان‌شان را به دوش می‌کشند و شعار مرگ بر آمریکا می‌دهند، چه جوابی می‌خواهند بدهند؟

ما ضمن اینکه طرح "اعزام نوبتی پزشکان" را کاری بجا و درست می‌دانیم، بر ضرورت یاری گرفتن از افراد و اکیپ‌های درمانی داوطلب اعزام به جبهه، تأکیدی دو چندان می‌کنیم. کار درمان در جبهه‌های جنگ مانند کار در بیمارستان نیست که پزشک و پرستار با آرامش خاطر و وسایل لازم به سراغ بیمار بروند. در جبهه، پزشک و پرستار باید به‌دنبال مجروح بدون، از کار طاقت‌فرسای شبانه‌روزی شانه خالی نکنند و خطر مرگ را به‌همان صورتی

تصفیه عوامل رژیم سابق و دوستان امپریالیسم و بطورکلی ضدانقلاب در بیمارستان‌ها موافقم، شدیداً هشدار می‌دهیم که اخراج پزشکان و پرستاران متعهد و انقلابی دشمنی آشکار با منافع مردم و ضربه زدن به انقلاب است. ما به افراد ناآگاهی که به‌خاطر تنگ‌نظری و انحصار طلبی به‌دام توطئه لیبرال‌ها و فرصت‌طلبان افتاده‌اند هشدار می‌دهیم که هر چه زودتر صف خود را از آنان جدا سازند و از تجربه‌های گذشته درس گیرند.

در اینجا لازم است تجربه تلخ اینگونه روش‌ها را در جبهه‌های جنگ بازگو کنیم و یادآور شویم که اگر مقاومت و متانت انقلابی پزشکان و امدادگران مبارز نبود، اعمال این سیاست می‌توانست فاجعه به‌بار آورد.

از نخستین روز جنگ، پزشکان و امدادگران سازمان ما با تمام نیرو و امکانات به جبهه اعزام شدند. آنها در شرایطی که شهرهای جنگ‌زده و به‌ویژه خونین‌شهر و آبادان و سوسنگرد، بیش از هر زمان به نیروهای درمانی نیاز داشتند در زیر آتش خمپاره به مداوای مجروحان و سازمان دادن بیمارستان‌ها و اکیپ‌های درمانی هم‌ست گماردند. اما پس از مدتی، کارشکنی‌ها آغاز شد بطوری که عده‌ای از پزشکان و امدادگران را از خطوط مقدم جبهه راندند و یا آنچنان شرایطی به‌وجود آوردند که امکان خدمت از آنها سلب گردید. علیرغم این کارشکنی‌ها، که بیش از همه رزمندگان و مردم جنگ‌زده از آن آسیب می‌دیدند، رفقای ما به فعالیت شبانه‌روزی در سنگرها و مناطق دیگر ادامه دادند. اما توطئه‌گران و افراد ناآگاه به حیل‌های دیگر متوسل شده و مانع حرکت آنها از تهران اهواز ماهشهر و ... شدند.

تعدادی از اکیپ‌های درمانی را از نیمه راه بازگرداندند. پرستاری را که داوطلبانه و از طریق ارگان‌های دولتی به جبهه جنگ رفته بود به بهانه "غیبت" اخراج کردند. برای پزشکی که در خط مقدم جبهه مشغول مداوای

## هر دم از این باغ بری می‌رسد

\* روزنامه انقلاب اسلامی از فتودال‌های افغانستان و سازمان‌های آنان که به کمک سازمان سیا به وجود آمده‌اند آشکارتر از همیشه دفاع می‌کند.

روزنامه انقلاب اسلامی در شماره پنجشنبه ۴ دی ماه خود مصاحبه‌ای اختصاصی با مولوی محمد نبی رهبر حرکت اسلامی افغانستان به‌چاپ رسانده که بسیار روشنگرانه است. این مصاحبه برگ "زرین" دیگری بر سوابق درخشان "گروه‌های درگیر در جنگ افغانستان افزوده و ماهیت واقعی سردمداران "مبارزان" افغانی را روشن می‌نماید. اگرچه مضمون اعترافات این "رهبر" برای ما به‌هیچ‌وجه تازگی نداشت، و شواهد و قرائن کافی برای تشخیص ماهیت واقعی رهبران این "مبارزین" در دست بود، اما لطف مصاحبه در اینجا است که زمانی به‌چاپ می‌رسد که دوره‌گردهای سه‌جهانی و رنجبری با بسیج همه توش و توان تشکیلاتی خود و گردآوری تعدادی از فریب‌خورندگان افغانی در سایه سکوت آمیخته با رضایت مقامات جمهوری اسلامی کوشیدند با تصرف سفارت اتحاد شوروی در تهران اذهان مردم را از آمریکا و جنگ ایران و عراق منحرف نمایند.

افغانستان " یکی از همان گروه‌های معرفی است که برای دریافت کمک‌های مالی و نظامی به دست‌بوس برادر ارشدشان انورسادات به مصر رفتند و مورد تفقد فراوان قرار گرفتند. این گروه همچنین یکی از همان جریاناتی است که مشمول لطف بی‌پایان وزارت خارجه ایران در زمان تصدی قطب‌زاده واقع شد و ایشان وظیفه خطیر و "انقلابی" معرفی آنان به جهانیان را در کنفرانس پاکستان به‌عهده گرفتند. اما اشتباه محض است اگر کارنامه "پرافتخار" این گروه را به‌همین چند فقره اقدامات مشعشع خلاصه نمائیم! خود آقای مولوی نبی در مصاحبه اختصاصی با روزنامه انقلاب اسلامی سوابق "مبارزاتی" خویش را به‌هیچ وجه محدود به آنچه ذکر شد نمی‌داند. او می‌گوید: " خود من در زمان ظاهر شاه وکیل مجلس بودم و علیه کمونیست‌ها صحبت کردیم و علیه حزب خلق و پرچم تبلیغات کردیم و تمام دنیا شنید و گفتیم که روش دولت غلط است. "

می‌بینید که ایشان اخیراً بقیه در صفحه ۲۲

" حرکت انقلاب اسلامی

بقیه از صفحه ۲۱

## هر دم از این...

## کمکهای مالی دریافت شده

بدون حرف اول نام	ه	ن	ن	ل	غ	س	خ	ب	الف و ا
۲۲۵۰	۱۰۱۲۳	۲۳۴۵	۶۰۰۰	۴۱۲۱	۱۱۰۰	۲۲۲۵	۵۶۵۱	۵۲۳۶	۵۲۳۶
۷۸۶۷	۶۱۱	۳۱۳۴	۵۱۲۳	۱۸۱۲۲	۲۹۰۰	۱۰۳۴۱	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۵۲۳۶
۵۵۰۰	۳۰۰۱	۴۰۰۳۳	۱۲۳۳	۵۳۵۸	۵۰۰۱۱	۱۵۵۵	۲۱۱۹	۶۱۱	۶۱۱
۱۰۰۰	۵۵۵۵	۱۰۲۳	۲۵۶۳	۳۲۲۶	۵۰۰۵	۵۱۲۵	۵۱۳۶	۱۰۰۰۱	۱۰۰۰۱
۳۱۱۲	الف ۱۰۰۰	۱۰۲۱	۲۴۰۱	۵۱۰۰	۵۱۵۶	۵۱۰۰	۵۲۱۹	۲۰۲۰۰	۲۰۲۰۰
۵۰۷۹	س ۶۱۲۳	۵۱۱۱	۵۲۳۵	۲۵۸۵۰	۱۴۵۵۵	۵۷۱۵	۵۲۷۲	۱۷۳۵۵	۱۷۳۵۵
۵۱۱۱	۱۰۰۱	۵۰۲۴	۳۳۰۰	۲۷۵۱۸	۲۷۵۱۸	۱۰۰۹۲	۵۵۲۵	۱۰۱۲۵	۱۰۱۲۵
۷۲۴	و	۵۰۵۶۰	۱۰۳۸	۳۳۰۰	۲۷۵۰	۵۷۱۵	۶۱۰۰	۲۶۰۰	۲۶۰۰
۱۱۹۸	ی	۱۳۹۶	۵۲۲۲	۱۰۳۸	۳۹۰۱	۲۰۰۵	۶۹۸۴	۲۰۱۳۰	۲۰۱۳۰
۸۲۰۰	۱۰۰۲۷	۲۲۲۲	۵۰۲	۲۰۶۰۶	۲۰۶۰۶	۳۷۷۷	۳۰۳۳۵	۵۰۹۰	۵۰۹۰
۱۱۰۰	۱۱۹۸۸	۴۰۵۰	۳۱۲۳	۱۳۹۸	۱۳۹۸	۳۷۷۷	۵۲۳۶	۵۰۰۹	۵۰۰۹
	۱۵۲۴۹	۲۲۲	۲۵۰۰	۱۰۰۰	۱۰۰۰	۳۷۷۷	۱۰۲۰۲	۱۵۲۳	۱۵۲۳
	۲۰۵۶	۱۱۹۶	۴۰۰	۶۱۸	۷۲۵۹	۱۰۱۰۱	۲۲۲۲	۱۲۵۳	۱۲۵۳
		۱۵۱۰	۳۳۹۲	۳۷۷۶	۳۰۸۸	۳۸۵۲	۴۲۲۲	۲۹۵۰	۲۹۵۰
				۲۲۲۲	۲۰۸۸	۱۰۱۵۰	۵۲۶۹	۵۱۱۲	۵۱۱۲
				۲۴۰۰	۴۰۱۸۱	۱۱۰۶	۵۵۰۰	۲۲۲۲	۲۲۲۲
				۱۰۱۲۵	۲۶۱۸	۳۵۰۲۲	۴۱۰۰	۵۹۷۸	۵۹۷۸
				۲۵۰۰	۳۶۱۸	۳۷۷۷	۲۲۶۹	۲۱۰۰	۲۱۰۰
				۱۰۰۰۱۱	۱۰۵۰۲	۱۱۲۳	۲۵۵۰	۲۲۰۰	۲۲۰۰
				۹۱۱۰۰	۷۴۵۹	۵۱۱۱	۱۵۰۰۴	۱۲۰۰	۱۲۰۰
				۱۰۱۲۸	۲۳۱۸	۳۱۱۴		۱۰۰۲۵	۱۰۰۲۵
				۲۲۵۰	۱۲۷۶	۱۲۳۴		۲۰۵۵	۲۰۵۵
				۵۱۲۳	۵۱۸۱	۱۸۲۳	۱۵۲۱۰	۲۲۲۳	۲۲۲۳
				۴۹۸۷	۷۴۹۹	۱۲۰۰	۲۳۸۷	۱۳۲۲	۱۳۲۲
				۱۳۳۳۱	۲۶۶۶	۵۰۲۲	۱۰۲۸	۱۹۹۸	۱۹۹۸
				۲۰۳۳	۲۰۲۲۲	۴۲۲۲	۵۲۱۰	۵۲۲۲	۵۲۲۲
				۳۰۱۴۲	۵۳۱۰	۱۱۱۱	۶۱۱	۱۵۱۰	۱۵۱۰
				۵۱۰۱	۱۳۸۱۲		۱۱۰۰۱	۳۴۰۰	۳۴۰۰
				۱۰۳۵	۳۱۲۵		۲۱۲۵	۱۳۰۸	۱۳۰۸
				۳۰۳۶	۲۰۱۱۱		۵۱۱۱	۵۰۱۰۰	۵۰۱۰۰
				۱۰۴۰۲	۷۰۰۰		۲۷۱۳	۵۱۲۳	۱۰۱۰۲
				۱۰۱۱۱	۵۰۴۵۱		۱۳۳۳	۲۲۰۰	۲۲۰۰
				۵۱۴۴			۸۲۲۱۸	۲۵۵۵	۵۳۳۳
				۳۷۲			۲۵۶۹	۵۰۲۲	۵۰۲۲
				۲۱۱۸			۵۰۸۸	۱۱۵۰	۱۱۵۰
				۵۲۳۵	۱۲۱۲۴	۴۱۲۱	۲۰۰۳۱	۵۵۰۷۵	۵۵۰۰۱
				۲۰۰۰	۲۱۰۱	۱۵۰۱	۱۱۰۰۱	۷۷۷	۱۰۵۸
				۲۷۳۰	۲۸۳۲	۱۲۳۱	۱۱۲۴۶	۱۰۰	۱۰۰
				۲۰۱۰۱	۳۰۰۵۴	۱۱۸۸	۲۸۵۷۸	۱۳۱۱	۱۳۱۱
				۵۱۱۱	۱۱۰۰		۷۷۷۷	۵۲۶۵	۵۲۶۵
				۳۲۱۳	۵۰۵۲		۱۱۱۲	۲۱۱۰	۲۱۱۰
				۲۶۲۱	۴۱۲۳		۱۰۰۰	۱۵۱۲۶	۱۵۱۲۶
				۵۲۰	۸۶۱۱		۲۰۰۰	۳۵۱	۳۵۱
				۲۰۰۰	۱۸۱۲۳			۳۷۲	۳۷۲
				۱۳۱۱			۱۱۸۵	۱۰۱۶۸	۱۰۱۶۸
				۲۶۲۱			۵۶۱۱	۳۲۲۲	۳۲۲۲
				۵۲۳۰			۸۶۱۱	۴۲۲۲	۴۲۲۲
				۱۵۱۶۰	۱۹۹۹	۱۵۲۰۰	۲۰۵۷	۵۲۳۶	۵۲۳۶
				۳۲۲۵	۲۱۱۱	۱۵۲۰۰	۱۱۰۷	۵۲۱	۵۲۱
				۲۵۵۵	۶۱۰۱	۴۱۱۱۳	۵۴۲۶	۱۳۴۰۰	۱۳۴۰۰
				۱۴۱۰۰	۱۰۱۱۳	۱۵۱۲۱	۳۶۶۶	۳۵۵۵	۳۵۵۵
				۵۲۵۹	۱۵۱۴۲	۱۲۲۲	۷۵۵۳	۱۵۱۱/۲	۱۵۱۱/۲
				۳۵۰۰	۱۷۲۲	۱۰۰۲	۴۹۳۶	۵۵۵۵	۵۵۵۵
				۲۲۲۲	۵۱۰۰		۵۱۲۵	۱۰۱۵	۱۰۱۵
				۳۱۱۱	۲۱۵۰		۲۵۸۳	۵۱۰۱	۵۱۰۱
				۱۰۵۹۰	۲۳۳۹		۳۱۰۲	۳۱۰۲	۳۱۰۲
				۳۲۳۳	۱۵۵۵	۲۳۰۲	۴۱۱	۵۱۱۰	۵۱۱۰
				۳۲۳۶	۲۳۳۳		۵۰۶۱	۲۲۲۲	۲۲۲۲
				۵۱۹۰	۲۲۸۴		۲۰۰۷	۲۱۹۰	۲۱۹۰
				۵۰۳۰	۲۶۵۰		۳۹۳۰۷	۲۵۷۵	۲۵۷۵
				۲۳۹۱	۲۱۰۰	۱۵۵۰	۳۹۲۱	۱۵۰۰	۱۵۰۰
				۲۱۱۱	۳۰۷۵۰	۱۵۰۰	۶۰۶	۶۷۲	۶۷۲
				۲۵۷۲	۱۵۱۰۰	۳۳۳۳	۵۰۰۴	۳۳۸۲	۳۳۸۲
				۱۱۷۲	۲۰۳۴۵	۵۲۲۲	۵۱۵۲	۴۱۲۳	۴۱۲۳
				۳۰۱	۵۰۰	۲۲۵۰۰	۱۳۷۹	۱۱۰۱	۱۱۰۱
				۸۳۲	۲۰۱۱۸	۵۱۲۳	۵۶۰۱	۶۰۰	۶۰۰
				۲۰۰۳۳	۳۰۷۵۰	۱۰۱۱۱			
				۲۲۰۰		۵۳۰۱			
				۲۰۰۱		۱۰۲۲	۷۱۰۷	۱۰۳۳۳	۱۰۳۳۳
				۵۱۸۱		۳۱۱۱	۱۰۲۴۶	۱۰۱۵۱	۱۰۱۵۱
				۵۲۵۲	۱۰۰۰۱	۱۰۱۲۸	۱۵۱۲۳	۵۲۲۳	۵۲۲۳
				۵۸۰۹	۱۰۱۱۸	۳۹۹۹	۶۱۱	۵۵۵	۵۵۵
				۵۱۱۸	۳۵۵۵	۳۰۱۳	۴۰۰۲۲	۱۰۲۲۲	۱۰۲۲۲

" مبارز و انقلابی " نشده و " جهاد " خود را سالها پیش با همیاری ظاهر شاه و از طریق مجلس او بر علیه " کفار " آغاز کرده بوده است. او فعلا از پیشاور پاکستان امر خطیر جهاد را به پیش می برد و در این راه از کمک همه دوستان دور و نزدیک منجمه " مسلمانانی " نظیر سادات و ضیاء الحق برخوردار است. البته ایشان به هیچ وجه به این کمکها قانع نبوده و خود اذعان می نماید که:

" برخی از افراد متمول در افغانستان و پاکستان به ما کمک می کنند " و اگر شما " جسارت انقلابی " ایشان را در پذیرفتن هر نوع کمک نقدی و جنسی! حمل بر زیاده خواهی او ننمائید حتی حاضر است از آمریکا هم کمک دریافت نماید. اگر باور نمی کنید به اظهارات صریح ایشان توجه نمائید:

اگر آمریکا از روی بشر دوستی (!) و بدون قید و شرط (!) به ما کمک کند قبول می کنیم (!) "

با این نقل قول دیگر باید مناعت طبع ایشان برای همگان روشن شده باشد. باید روشن شده باشد که " حرکت انقلاب اسلامی افغانستان " برخلاف شایعات فراوانی که در مورد همکاری اش با فئودالها و ثروتمندان افغانستان و پاکستان وجود دارد فقط از طریق کمکهای " مردم عادی " و احيانا " برخی از افراد متمول در افغانستان و پاکستان " به فعالیت ادامه می دهد. باید روشن شده باشد که " حرکت انقلاب اسلامی افغانستان " کاملا " مستقل " بوده و تنها با مسلمانانی نظیر ضیاء الحق و سادات مشاوره و همکاری دارد! البته اگر آمریکا هم از روی بشر دوستی کمک نماید قبول می فرمایند!

با این تفصیل روشن است که روزنامه انقلاب اسلامی مردم ایران را به حمایت از چه نیروهایی فرا می خواند. اینکه هر روز سند و مدرک تازه ای در مورد رابطه " مبارزان " افغانی با ضیاء الحقها و ساداتها

رو می شود، اینکه خود این " مبارزان " بر روابط حسنه خود با ظاهر شاهها معترف اند اینکه آنها امکانات مالی و نظامی خود را از افراد متمول افغانستان و پاکستان می گیرند و بالاخره اینکه آنها آغوش خود را برای پذیرفتن کمکهای آمریکا گشوده اند، از نظر روزنامه انقلاب اسلامی قابل اغماض است. اما نقل اخبار دروغ منابع خبری امپریالیستی و بدین وسیله انحراف افکار عمومی مردم ایران از دشمن اصلی خلقهای جهان یعنی امپریالیسم آمریکا به هیچ وجه قابل چشم پوشی نیست! آخر به هر حیلهای که شاید، باید راهی برای نزدیک کردن ایران به اروپا و ژاپن پیدا کرد.

روزنامه انقلاب اسلامی که این چنین از به اصطلاح " حرکت انقلاب اسلامی افغانستان " حمایت می کند باید به خوانندگان خود توضیح دهد که چه تفاوتی میان " حرکت انقلاب اسلامی افغانستان " با جریانات آمریکایی دیگری که بختیارها اویسیها و غیره آنها را رهبری می کنند وجود دارد؟ باید توضیح دهند که چه تفاوتی بین " حرکت انقلاب اسلامی افغانستان " و " حزب جمهوری خلق مسلمان " وجود دارد؟ چرا سادات خائن و رهبران سرسپرده عربستان سعودی و اردن که حامیان به اصطلاح " حرکت انقلاب اسلامی افغانستان " هستند، آمریکایی اند، اما این جریان " مبارز " قلمداد می شود؟

روزنامه انقلاب اسلامی باید توضیح دهد که چرا با سرسپرده ترین مهره های آمریکا مصاحبه می کند و آنان را بعنوان " مبارز " به خورد خوانندگانش می دهد؟ راستی روزنامه ای که با لیبی و دیگر دول ترقیخواه جهان آشکارا دشمنی می کند، اما مهره هایی چون مولوی محمد نبی را " مبارز " جلوه می دهد، چه ماهیتی دارد و کدام سیاست را دنبال می کند؟

پیروز باد مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



## اخراج صدها پاسدار ترقیخواه دشمنان انقلاب را شادمان می کند

در کسوت سپاه درآمده اند که کوچکترین پایگاه و اعتباری در میان مردم ندارند. اخراجها و تصفیههایی که اخیرا در سپاه پاسداران صورت گرفته است، بر این زمینه باید درک شود.

براساس گزارشاتی که در دست داریم تنها در چندین شهر شمالی کشور از جمله در لاهیجان، رامسر، گرگان، بابل، ساری صدها تن از سپاهیان پاسدار به جرم مخالفت با تقویت زمینداران بزرگ و مخالفت با یورش پاسداران به خانه طرفداران گروههای سیاسی ترقیخواه بازداشت و یا اخراج شده اند.

کار دور ساختن سپاه پاسداران از هدفهای مردمی آن به آنجاریسیده است که تنها در ارومیه به جرم خواندن نشریه امت، ۳۵ تن از پاسداران را اخراج و موضوع تصفیه قرار داده اند. یک بررسی اجمالی از موقیبت سپاه پاسداران نشان می دهد که چگونه در مناطقی که سپاه موقدا به دفاع از مردم و هدفهای انقلاب برخاسته است، از نفوذ و اعتبار فزاینده توده های برخوردار شده و قدرت یافته است و برعکس در هر جایی که پاسداران در مقابل مردم و هدفهای انقلابی آنان قرار گرفته اند گروههای وسیع تری از مردم از سپاه و جمهوری اسلامی روی برتافته و طعمه بی دریغ لیبرالها و دیگر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم آمریکا شده اند.

سازمان ما، در دفاع از انقلاب و هدفهایی که به خاطر آن دهها هزار جان پاک فدا شده است، اخراج پاسداران ترقیخواه را محکوم کرده و آن را مشخصا اقدامی می شناسد که مغایر مبارزه برای استقلال و آزادی میهن است. چنین اقدامی امپریالیستهای آمریکائی، اروپائی و ژاپنی و همه نیروهای داخلی مورد حمایت آنان را شادمان می کند و بدون تردید مورد اعتراض پاسداران انقلاب است. ما مصرحا خواهان آنیم که سیاست اخراج پاسداران مترقی متوقف گردد و طراحان و مجریان چنین سیاستهایی در پیشگاه مردم افشا و طرد گردند.

جمهوری اسلامی در تهران و شهرستانها و تعدادی از امامان جماعت پاسداران را در اینجا و آنجا و بر سر این یا آن مسئله در مقابل مردم قرار داده و در عمل همان می کنند که دشمنان انقلاب مردم ایران طالب آنند. یعنی بدنام کردن و بی اعتبار کردن سپاه پاسداران در نزد مردم و نیروهای ترقیخواه و دور کردن سپاه از مردم و انقلاب.

گرایشات قشری و ارتجاعی این محافل جمهوری اسلامی بیشترین تاثیر زیانبار را در تضعیف و بی اعتبار کردن سپاه پاسداران برجای گذاشته است. به ویژه هرگاه در نظر آوریم که یکی از نتایج ناگزیر چنین گرایشاتی تمایل و حتی اصرار در مسلط ساختن نوعی نظام اطاعت کورکورانه در درون سپاه است این گرایش کوشش می کند که سپاه پاسداران را در محیطی بسته و مختق نگهدارد. زیر عنوان مکتبی کردن سپاه اطاعت کورکورانه از فرامین و دستورات را جایگزین پذیرش آگاهانه فرامین فرماندهی سازد.

همین گرایش خطرناک و ارتجاعی تمایل دارد که به جای فراخواندن نیروهای آگاه و مردمی و مبارزه درون سپاه پاسداران، نیروهای ناآگاه و بی خبری را به سپاه جلب کند که حاضرند بدون چون و چرا فرامین و دستورات آنان را به اجرا گذارند و علیه مردم به هر اقدامی دست زنند. این دسته از مقامات و صاحبان نفوذ در جمهوری اسلامی حتی از پذیرش عناصر مشکوک ارادل و اوباش به درون سپاه و سپردن پستهای حساس سپاه به آنان نیز پروا نمی دارند و حتی از آن استقبال نیز می کنند.

هم اکنون در تهران و بسیاری از شهرستانها زیر نفوذ چنین مقاماتی کسانی

در تشخیص صحیح دوستان و دشمنان انقلاب، برای رود رو قرار دادن سپاه با مردم و نیروهای ترقیخواه و انقلابی بیشترین تلاش را به عمل می آورند. آنها برای تهی ساختن سپاه پاسداران از مضمون مردمی و ضد امپریالیستی آن از هیچ امکانی در نمی گذرند. تمامی این نیروها همواره با اقدامات مردمی و ترقی خواهانه سپاه پاسداران که

\* امپریالیسم آمریکا و نیروهای مورد حمایتش که از پیشروی انقلاب هراسانند، همواره تلاش دارند ماهیت مردمی و ترقیخواه سپاه را تحلیل برند.

متوجه مبارزه با فئودالها، زمینداران بزرگ، سرمایه داران بزرگ، جاسوسان و دوستان امپریالیسم آمریکا، اروپا و ژاپن بوده است، به مخالفت برخاسته و مذبحخانه سپاه را از دست زدن به چنین اقداماتی منع کرده و علیه آن تبلیغ نموده اند. آنها همواره شادمانی خود را از روی برگرداندن سپاه از مردم، از دهقانان، از کارگران، از زحمتکشان و از روشنفکران انقلابی، ترقیخواه و ضد امپریالیست ابراز داشته اند.

دشمنان انقلاب ایران نه تنها مستقیما تلاش می کنند سپاه پاسداران را از مسیر انقلاب منحرف سازند، بلکه با تقویت نیروهای قدرت طلب و گرایشات انحرافی در سپاه پاسداران که اقداماتشان آب به آسیاب امپریالیسم ریخته و لیبرالها را شادمان می سازد، راه را برای تضعیف هرچه بیشتر سپاه پاسداران هموار می سازند. زیرا پاره ای از فرماندهان سپاه، مقامات مرکزی و محلی جمهوری اسلامی، پاره ای از رهبران و مسئولان حزب

سیاست ادغام بر این قرار گرفت که سپاه را از طریق قرار دادن آن در مقابل مردم و تقویت گرایشهای قشری و ارتجاعی درون آن هر چه بیشتر بدنام و بی اعتبار کنند. نیروهای مورد حمایت امپریالیسم به ویژه به این حقیقت توجه دارند که سپاه پاسداران قوی ترین و مطمئن ترین سازمان مسلح جمهوری اسلامی و یکی از ارکان نیروهای مدافع جمهوری است. از این رودر بدنام و بی اعتبار کردن سپاه پاسداران منافع خود را دنبال می کنند. چه هر اندازه سپاه پاسداران مضمون مردمی و ضد امپریالیستی خود خالی گردد و در مسیری خلاف مصالح انقلاب و هدفهایی که مردم برای تامین آن پرچم قیام را برافراشتند، به حرکت درآید اعتماد مردم نسبت به آن کاسته شده، از سرچشمه قدرت و توانایی خود محروم شده و به آسانی درهم شکسته می شود.

نیروها و سازشکاران و دیگر نیروهای مورد حمایت امپریالیسم، مذبحخانه کوشش کرده و می کنند به کمک روحانیون مرتجع زمینه های مساعدی برای نفوذ در سپاه پاسداران پیدا کنند. روحانیون مرتجع که طرفدار لیبرالها و فئودالها، خوانین زمینداران بزرگ و سرمایه داران بزرگ هستند، به شدت با نیروهای ضد امپریالیست، ترقیخواه و انقلابی دشمنند و خواهان تعطیل دفاتر سازمانهای انقلابی و پیشرو، محدود ساختن فعالیت سازمانهای مردمی و معتقد به سرکوب آزادیهای سیاسی و جلوگیری از نشر اندیشه های مردمی و پیشرو هستند.

این دسته از روحانیون با بهره گیری از تنگ نظری های رایج در پاره ای از روحانیون و نیروهای مدافع خط امام و با استفاده از ناتوانی آنان

سپاه پاسداران از جمله نهادهای است که با انقلاب مردم ایران شکل گرفت، متولد شد و استحکام یافت. سپاه پاسداران که به ویژه در آغاز پیدایش و شکل گیری خود بیشترین شباهت را به یک ارتش توده ای داشت، تاکنون تحولات فراوانی را پشت سر گذاشته است.

ترکیب اولیه غالب در سپاه پاسداران از نیروهای تشکیل می شد که در برابر یورش وحشیانه ارتش جنایتکار شاه به تظاهرات و نمایشات میلیونی مردم قهرمانانه ایستادگی می کردند در برابر تهاجم چماقداران شاه که شبانه محلات و خانه ها را غارت می کردند، از مردم دفاع می نمودند و به پاسداری و نگهبانی می پرداختند. این نیروها، بطور عمده کسانی بودند که در قیام بهمن ۵۷ نقش فعالی داشتند و لشکرهای قیام را ساخته بودند. در حقیقت شکل های جنینی سپاه پاسداران و کمیته ها، همان سازمان های دفاع و مقاومت توده ای است که در جریان گسترش انقلاب و در روزهای قیام به باریگاه های خیابانی مبدل شد و سنگرهای خونین قیام را ساخت.

به این ترتیب غالب نیروهائی که از آغاز تاکنون در سپاه پاسداران برای تحکیم جمهوری اسلامی ایران به خدمت گرفته شده اند، کسانی هستند که با رژیم شاهنشاهی پهلوی مبارزه کرده و برای کسب استقلال و آزادی طالب تعمیق انقلاب و پیشرفت مبارزه با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا هستند.

سپاه پاسداران در تمام طول حیات خود، همواره آماج دشمنی و کینه توزی امپریالیسم آمریکا و متحدان آن بوده است. لیبرالها و سازشکاران و همه کسانی که از پیشرفت انقلاب ایران هراسانند، همواره کوشش دارند که ماهیت مردمی و ترقیخواهانه سپاه را تحلیل برند. دولت موقت بازرگان تمام کوشش خود را برای تحلیل بزدن سپاه در ارتش، ژاندارمری و شهرپانی به کار برد. سیاست لیبرالها پس از شکست

### گسترده باد همگامی و همکاری

## همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

## ۱۹ دی سالروز تظاهرات خونین مردم قم

### گرامی بساد

کشتارهای وسیع مردم، جنبش توده‌ای، توفنده‌تر و پرتوان‌تر عمق و گسترش یافت و سرانجام به نیروی متحد خلق، شاه جنایتکار فراری شد و قیام شکوهمند بهمن با سرنگونی رژیم شاهنشاهی، قدرت سیاسی رژیم وابسته به امپریالیسم را درهم شکست و انقلاب به میوه نشست. سازمان ما ضمن بزرگداشت خاطره تظاهرات خونین مردم قم، یاد شهیدان ۱۹ دی را که برای کسب استقلال و آزادی قیام کردند، گرامی می‌دارد و باردیگر دروهای آتشین خود را به همه شهدای خلق تقدیم می‌دارد.

بود و به گسترش امواج اعتراضات توده‌ای علیه شاه دامن زد. بدنبال کشتار مردم قم، در سراسر کشور توده‌های وسیع‌تری به میدان مبارزه با رژیم شاه فراخوانده شدند و تظاهرات و نمایشات سیاسی عظیمی سازمان یافت. ۴۰ روز پس از کشتار مردم قم، تیریز بپا خاست و از آن پس در سراسر کشور قیام‌های کوچک و بزرگ متعددی شکل گرفت که علیرغم یورش وحشیانه ارتش شاه و

نوزدهم دی ماه سومین سالگرد تظاهرات خونین مردم قم است. تظاهرات زحمتکشان شهر قم با یورش وحشیانه ارتش شاه پاسخ داده شد که طی آن دهها تن شهید و عده‌کثیری مجروح شدند. تظاهرات خونین مردم قم که به‌دنبال اعتراضات توده‌ای زحمتکشان خارج از محدوده و تظاهرات دانشجویان در تهران به وقوع پیوست، از نظر رشد جنبش دارای اهمیت بزرگی

## می‌مائیم و در خون پیکار می‌کنیم

در دفاع از انقلاب، در دفاع از استقلال میهن و در راه آرمان پرافتخار طبقه کارگر، فدائیان خلق در سنگرهای سرخ مقاومت، در عرصه‌ای از پیکار تاریحاز خلق بزرگ ما، هر روز جان‌های عزیز را در راه انقلاب نثار می‌کنند. خون پاک رفقا، دشت‌ها و دره‌های میهن را گلگون می‌سازد و بشارت می‌دهد لاله‌زاران سرخی را که ایران مستقل، آباد و دموکراتیک فدای پیروزی زحمتکشان بر آن بنا می‌شود.

### فدائیان خلق، رفقای شهید سگرهای پیکار با تجاوزگران

- |               |                             |                  |
|---------------|-----------------------------|------------------|
| اکبر بدلی     | غلام عباس بخرد              | کاظم عبیدی       |
| اکبر فخور     | عنایت‌الله زینسی            | عبدالله مرادی    |
| اسرافانی      | محمدرضا آذربان              | علی حام زاده     |
| علی سعاف      | سهبلا سعان زاده             | ابرج حسن نیا     |
| جواد کجی      | حسب‌الله فرحبخس             | لطف‌علی زاده     |
| البرز بوسنی   | ابراهیم سکرچی               | برونز کریمان     |
| بریم ربنسی    | عبدالحسن شاه سر             | برونزفیری ها     |
| رحیم مصطفی    | محمود اسرف آبادی            | مرتضی دارابی     |
| سید کوسس      | فریدون مرتضی زاده           | رهبره موسویون    |
| بهرام وریایی  | محمد قاسم فلاح بکی          | وحید نیک سر      |
| محمود ابحو    | محمد مهدی باب اندام         | سهراب بافرزاده   |
| حسرو کریمی    | محمد اسداله نژاد رودبند     | کورس پاک سن      |
| حسن سرعنی     | محمد حسن صدر آبادی          | حمید ولادوست     |
| عبدالله مرادی | رحمت‌الله (اسر) اسفندیاریور | غلامرضا صفر نژاد |

محمد بازر دار

### پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید

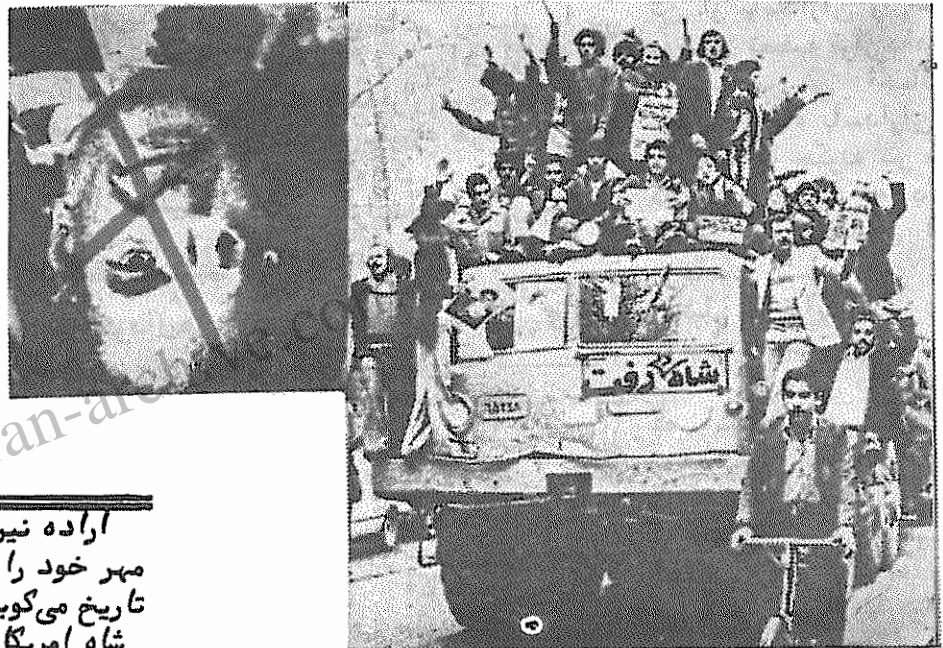
## درخواست از هواداران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اکثریت) در نظر دارد برای سال جدید (۱۳۶۰) مبادرت به چاپ و انتشار تقویم نماید. از تمام هواداران خواسته می‌شود که طرح‌ها و نقاشی‌هایی که با الهام از مبارزات و قهرمانی‌های خلق و انقلاب آفریده‌اند و نیز طرح‌هایی که بیانگر کار و تلاش زحمتکشان در مزارع و کارخانجات است، برای استفاده در تقویم و غنی‌تر کردن آن به سازمان - کمیسیون تبلیغات ارسال دارند.

### در بزرگداشت

### قهرمانی‌های خلق شرکت کنید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - (اکثریت) برای بزرگداشت قهرمانی‌های خلق و یادآوری پیروزی مردم به‌ویژه بزرگداشت قیام شکوهمند بهمن، از تمامی مردم قهرمان ایران می‌خواهد که اسناد، یادداشت‌ها، عکس، اسلاید، نقاشی، فیلم، نوار و کتب مصوری که در ارتباط با مبارزات مردم ایران در اختیار دارند، جهت سازمان ارسال دارند. روی پاکت بنویسید: "ویژه بزرگداشت قهرمانی‌های خلق" کمیسیون تبلیغات



## ۲۶ دی سالروز قهرمانی خلق و فرار شاه

### داد سراسر میهن جشن گیریم

اراده نیرومند خلق  
مهر خود را بر پیشانی  
تاریخ می‌گوید.  
شاه آمریکائی گریخته  
است و مردم خودروی  
ارتش جنایتکار شاه را  
مصادره کرده و سوار بر  
آن شادمانی می‌کنند.

برابر قدرت مردم با فضاحت  
و رسوائی خاک گلگون شده از  
بقیه در صفحه ۱۸

بیست و ششم دی ماه در آمریکا و جنایتکار است که تاریخ سراسر خونین با قدرت میلیونی توده‌های زحمتکشان ما روز بزرگی است زحمتکش از تخت سلطنت به ۲۶ دی ماه روز فرار شاه زیر کشیده شد و زبون در

## چرا پزشکان و پرستاران انقلابی

### از بیمارستان‌ها اخراج می‌شوند؟

در صفحه ۲۱

### لغوبند (ج) مقاومت نیروهای خلق را

### در برابر دشمنان انقلاب تضعیف می‌کند

در صفحه ۷



# پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر